

هَذَا

كِتَابُ مُسَيَّبَاتِ نَجْمِ الْغُرَابِ

وَمُنْتَجَبِ الْخَبَرِ

محمد عمران اعظم بهلانی

بِسَعْيِ اهْتِمَامِ ابْنِ الْقَائِمِ الْقَلْبَدِيِّ

مُحَمَّدِ بَهْرَكَالِي دَامَرَعَةَ الْجَنَابِ

مَكْتَبَةُ نَوْشِي

طَبْرِكْ - جَلُوخان كوچك مَسْجِدِ

کتاب نَوْشِي - بهرکالی



هَذَا كِتَابٌ فِي تَرْغِيْبِ  
 هَذَا كِتَابٌ فِي تَرْغِيْبِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَكْفِي السُّؤَالَ  
 مِنْ سِوَاهُ وَلَا يَفْرِجُ الْمُسْتَعِزَّ  
 مِنْ عَذَابِهِ وَمَنْ اسْتَجَارَهُ وَأَوْقَعَن  
 اسْتِعَاذَتَهُ كِفَاةً وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ  
 عَلَى خَيْرِ مَنْ اسْتَجَابَ لِلَّهِ وَرَبِّهِ  
 عَلَى الْبَرِّ الَّذِينَ مِنْ آلِهِمْ كَانَتْ  
 الْجَنَّةُ مَعْرُوفَةً وَمَنْ غَادَاهُمْ كَانَتْ  
 النَّارُ مَعْرُوفَةً وَأَقَابِعِدْ جُودُونَ  
 كَانُوا نَامِزِ خَوَاصِّ عُلَمَاءِ دِيْمَشَقِ  
 غُرَبَاءِ سَفَاتِ دَوْلَتِ سُلْطَانِ مُرَادِ  
 وَفَضْلِ حُجُوجِ وَأَبْجَامِ مَطَالِبِ  
 إِدَارِي فِرْعَوْنِ وَشَفَائِي مَرْضِي وَرَفِ  
 هَسُوْدِ عَمُومِ بِرِيْشَانِ وَبِرَامِدِ  
 خَاطِبَاتِ كَلْبِيَّةِ وَخُصُوفِ طَرْدِ اِرْقَمِ  
 وَسَائِرِ مَظَالِمِ مُشْرَعِ حَمَائِجِ  
 بُوْدِ نَدِيْعِيْمِ وَأَطْلَاعِ بَرِيْعِيْمِ  
 خُصْمِ

هَذَا نَسَبُ الْغَرَابِطِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالصَّلَاةُ  
 عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ بِالْأَسْمِ الْمَسْمُوعِ وَإِلَيْهِ وَاصْحَابِهِ الَّذِينَ سَلَكُوا  
 طَرِيقَ الْهُدَى أَمَا بَعْدُ بَرْدَايَ بَرَادَايَ بَاعْقَلِ وَأَيْمَانِ  
 مَخْفِي غَائِيكِ أَكْبَارِ وَأَوْلِيَاءِ رِخْوَصِ اسْمَاءِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَيْتُ  
 بِطَرِيقِ مَرَايِمَاءِ نُوْثِ اِنْدَا اِنْبِجْمِ خَوَاصِّ رَافِدِيَّةِ نَامِ هَسْتِ  
 عُلَمَاءِ رَاكَةِ اِلْتِمَازِ اِرْجَمِ وَدَائِلِ اِلْحِي اِنْدِيْمِ وَأَيْمَانِ بِنِيْسَانِ  
 ضَعِيْفِ مُحَمَّدِ بْنِ شَيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ بُوْسَعِيْلِ طَرِيْقَةِ اِكْرَامِ اَوَقَاتِ خُوْدَا  
 صَرَفِ مَظَالِمِ شُرُوحِ اسْمَاءِ اللَّهِ كَرِيْمِ وَأَيْمَانِ بَرِيْزِ كَانِ دِيْمِ رَايِنِ  
 بَابِيْيَانِ فِرْعَوْنِ بُوْدِ نَدِيْعِيْمِ اِلَّهِي تَعَالَى بِرِضْمِ مَبْرَمِ چُونِ سَتَكِ  
 نَشْرِيْتِ بِمُقْتَضَا كَلِمَاتِ اَلْمُؤْمِنِيْنَ اِخْوَةِ شَفَقَتِ بَرَادِي



# فِي بَابِ مَقَدِّمَةِ الْكِتَابِ

(۳)

چنانچه اقتضا نمود که بیانات معضله و اشارات مشکله و ظروف  
 جفریه اکابر این فن را در شرح خواص اسماء خداوندی جمیل  
 ذکره مشروحاً بکمال ترتیب را آوردم تا در دید نظر بر همه کس  
 واضح و هویدا گردد و کافیه خواص و عامه عوام را از خوندن  
 آن بهره آگهی و حظی او فی ذمّه گردد اما صرف شرح بوقلمون  
 و نامسانا عکس روزگار دون و تضاد استیلاغم و تراکم سخاوت  
 و مشقت کرد و زحمت و مرض و بلا ای قرض که معطل قواعد  
 سنت و فرض است بجهت بی طرفی و جوانب افرو گرفته کما  
 ادو کمپنی عن شمالی بدین واسطه مدتی از ترتیب این رساله  
 محروم شد تا آنکه بنا بر ملتزم بعضی از اخوان دین و بسوی  
 اصراط بعضی از اسنادان راه یقین توفیق رفیق گشته بآنها  
 و انجام آن کوشید و با سعی بسیار مشاطهای و مشورت و  
 طریقه هر یکی از مشایخ این فن را در کیفیت تکسیر و این رساله  
 مندرج نمودم و صورت لوح بر بیاض برده امید از حضرت  
 رب العزة آنکه مقبول خاطر خاطر و ملحوظ ضمیر منیر هر یک  
 از ناظرین گرداند و جمیع همکاران از اینجهت مظالم این رساله که  
 موسوم شبیه بحال غراب بتشریف خواص اسماء حسنی خود  
 مشرف گرداند بجا که این که لایزال است و احسن و زیاده

تجربه و آیات مؤثره قرآنی و اسما  
 جلاله سبحانه و سبحان را وارد کرد  
 و دعوا مستجاب بآیات و نبوت گایه که  
 مشتمل بر شرح غفیری از خفوم مجرب و  
 کتب بایزاد کار مؤثره باشد کما  
 اینرا فکر خلیفه قبل لا شیء و الحقیقه  
 شکر الله بن لطف الله لو استا بر خود  
 لازم دانسته که این رساله بجز اینها  
 که مشتمل است بر شرح خواص نمودن  
 اسم خداوند تعالی بالوح منقول  
 هاست بر طبع را آوردم در حاشیه  
 خفوم و او را در چند رساله که سابق  
 باشد مندرج نمایم و بعضی از  
 این خفوم نیز به ساند ام و مکتوب  
 اتفاق افتاده که در آستانه ذکر باجا  
 مفروض شد و باین جهت دیگر از کتب  
 منسبه با کمال تقوی ملاحظه است اینها  
 جمع اینها بنمودم



# شرح و خصوص کلمه هو

و الله الموفق والمعین چون کرا کا بر در کتب خویش ابتدا با اسم  
 الله نموده اند که اسم ذات و مشبیه جمیع صفات اما چون رکاب  
 مجید و فرقان حمید چنین واقع شده که هو الله الذی لا اله  
 الا هو و بعضی از کلمات اولیا بر آنند که اسم اعظم عبارت از  
 این اسم است یعنی بصداعت ابتدا بنام صفت این اسم نمود  
**هو** اکرم المعبود با اسم سبحانه هورا اهل تحقیق اسم  
 اعظم گفته اند دلیل آنکه اسمیت و حرف و نقطه ندارد و  
 هیچ حال و رانوعی دیگر نمیتوان خواند که از او معنی حاصل  
 شود غیر هو دلیل دیگر آنکه اسماء عظام را نود و نه تعبیر فرموده  
 اند و مقدم بر همه هواسن این اعظم هو بود و چنانچه وارد  
 شده از جهتین موجود او سرور کاینات علیها افضل  
 الصلوة و اکل التیمات که ان لله تعالی و شعاع اسماء  
 من احصیتها دخل الجنة یعنی خداوند تعالی را نود و نه نام است  
 هر که احصا ان اسماء نماید و بپشت را بدو شیخ برها الدین در  
 شرح نحو چنین آورده است که احصا در لغت شماره کردن است  
 و پسند ظاهر فرموده که احصا خوانند و معنی آن دانستن است  
 بعضی از مشایخ فرموده اند که احصا خوانند و معنی دانستن توجیه  
 نموند پس اسم هو که ابتدای اسماء این تعالیان بشود خاصترین

الحق اکثر اعظم در بعضی از کتب دعوت  
 آنها بشرایط واقع کرد اگر کسی خدا  
 نکرده این دعوت او را در عطا البخیر  
 معبود دارد و موجب خیر دنیا و آخرت  
 و مستحق نمودن بقیه الخیر است  
 بعد از انجام مهتم و مطالب اینجهت  
 کثیر تقصیر نماید تا بنام خداوند  
 برای مؤلف و والدین اینها طلب  
 منفعت نمایند این ساله مشتمل  
 بر بیست و یک خانمه بایب اول در  
 ختم متعلقه بایب دوم و کلام  
 قرآنی بایب دومه در ختم متعلقه  
 بکلمات دعوت فائزده از حضرت  
 امیر ظاهرین صلوات الله علیهم  
 اجمعین بایب سوم در ختم متعلقه  
 بنمازهای داده و بیست و یک خانم  
 مبین و خانم در بیست و یک خانم  
 اول در بکر البیاب الاول ختم  
 مبارک







# کتاب کبیر الدالیه

در روز شنبه یا شنبه و رسول صوم فرمودند هر که در عمر خود یکبار  
 بخواند چنان بود که تمام قرآن را یاد گرفته خوانده و امر زنده شود از همه  
 کتاهان که چه بعد یک یا بار و قطرها باران بر کتای و سخاوت  
 باشد یا عقدا در سن خواند سینهات و واجبستام بدل کرد آ  
 و حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرموده که هر که در روز و حفظ  
 روز پنجشنبه زود دارد و این باب را یک بار چه نویسد یا بار  
 یا ای چشمت بشوید روز را این آب بکشد چنان شود که هر چه  
 یاد کرد و اگر کسی اسیر کرده باشد یا عقدی که از این آب جو  
 دفع کرد و اگر کسی این آبها بنویسد یا خود دارد از بلاها گوناگون  
 ایمن شود و بر دشمنان مظفر و منصور گردد و در وضع شهرت  
 نماید هر که او را ببیند و دست او را در کتای علت قولنج باشد  
 یاد کرد که در فغان ندارد و اجباء ندانند و ز جمیع پیش از صبح این آب را  
 بمسک و زعفران بر طرف چینه نویسد یا ای یا کلاب بشوید بناشنا  
 نبود از آن مرض صحیح یا بد هر که و در کند بعد از نماز یا مدام یکبار  
 از همه بلاها ایمن بود و متصل خوشوقت خوشحال باشد و در کتای  
 روزگار مطیع مستخر و کردند خداوند جل و علاه صفا فرستند  
 که آنروز ناست و بر آنکاهند از یلبتا و نیکتا و افان و ملائک و پادشاه  
 جلد بلاها از او دفع گردانند هر که را قرض بسیار بود کار خود فرمود

بنویسد کل و اینم خواهد بود بجهت  
 خلاصی از دست ظالم و حصول برکت  
 در خلوت هفتاد و سه مرتبه از کتای  
 دارد و قبله یا طهارت بخواند  
 بعد از اتمام سه مرتبه صلوات  
 نفرستد خداوند بخشنود  
 بخواند بر او زده است نشاء الله  
 بجهت هلاکت ظالم هزار بار  
 جمله هزار بار یا را الحمد لله و هزار بار  
 لا اله الا الله محمد رسول الله  
 و هزار بار صلوات و هزار بار یا  
 فان ظالم نفرین کند البته هلا  
 شود یا محذول و منکوب و گردد  
 و مدد و مینای این آیه موجب قوتی  
 در وقت و صفا باطن است خشن  
 سوره مبارکه فاتحه الکتاب چنانچه  
 هر روز بخواند و جمیع دیگران



# در بیان کلمات الهی

(۷)

و قهر شو این آنها را چهل و یکبار بعد از نماز جمعیت بخوان  
 براد و مقصود خود و اصل شو و اگر کسی خواهد که اکابر و سلاطین  
 مطیع خود گردانند باید که روز چهارشنبه پنجشنبه و جمعه زده دارد  
 هر روز غسل کند این یا ترا در این یام هزار و یکبار بخواند و خلوت  
 و بنویسد در روز چهارم و در اول سلام قلب مستقیم یاد شاهان  
 مستخر و مطیع و گردند بر قوم خود مسلط گردد و هیچکس از سخن او  
 تجاوز ننماید دعوی این یا آن صفا کسانست که خواهند ملک دنیا  
 ضبط کنند خاکم و لا یتیر گردند دعوی این یا آن ملک نمایند و اگر  
 این یا آنرا بمسک زعفران کلان پوست کبریا نویسد قنبر که  
 قدر و نفع الشعاع باشد بیاج نهد فاج سرشند هر کجا که رود  
 هیچکس از آنه نینداید دام که از فاج برسد و باشد مخفی بود و شیخ بزرگ  
 در جواب اهل اقران این آنها را شرح بسیار نوشته اند خواص بسیار گفته  
 دو این سخن با این گفتار در ناخوانند را اطلاق نرسد ایات کرم  
 این است **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**  
**الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ**  
**وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ**  
**عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ**  
**بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا**

و شنبه و یکشنبه و چهارشنبه و شنبه و یکشنبه و چهارشنبه  
 ختم از روز جمعیت شود و بهترین زمان  
 بعد از نماز صبح است و قبل از صبح  
 عند کرده و بعد از نافله و غیره  
 صبح و شب هر روز هر وقت بکشد  
 مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین  
 علی کل حال و بکشد مرتبه  
 صلوات بفرستد و با کسی دعا  
 نماید سخن او بگوید و این سخن را  
 این شرح نماید با این سخن که چهل و  
 یکبار سوختن و تمام بخواند  
 که غلط نشود و بعد از تمام بکشد  
 فاصله سیزده نوبت دعا بخواند  
 یا معنی معنی یا معنی معنی  
 سبب یا سبب یا سبب یا سبب  
 یا معنی سبب یا معنی سبب  
 یا اللهم الرحمن الرحیم و بکشد  
 روز چهل و یک نوبت







# در آیه شریفه لا اله الا الله

(۹)

مَرَّيْنَا مِنْ عِبَادِهِ انْ يَذُرُوا اَنْذَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنَا فَانْقُو  
 اَللَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ لَهُ اَلْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَاَنَا اَخْتَرْتُكَ  
 فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى اِنِّي اَنَا اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِي وَذُرُوا  
 اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ يُعْجِزَهُ عَفَا ذُنُوبَهُ اِلَّا ظَلَمَ  
 اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ فَاسْتَجِبْنَا  
 لَهُ وَبَخَّسْنَا مِنْ اَلْعَمْرِ وَكَذَلِكَ نُبْغِي الْمُؤْمِنِيْنَ اِنَّمَا اَلْحُكْمُ اَللَّهِ  
 الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ  
 قَبْلِكَ مِنْ رَسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِيَ اِلَيْهِ اَنَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْ  
 فَغَالِي اللهُ اَلْمَلِكُ اَلْحَقُّ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ اَلْكَرِيْمِ  
 هُوَ اللهُ الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ لَهُ اَلْحُدُودُ اَلْاُولَى وَاَلْاٰخِرَةُ  
 وَهُوَ اَلْحَكْمُ وَاَلْبَيَّةُ تَرْجَعُوْنَ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللهِ اِلٰهًا اٰخَرَ  
 لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وُجْهَهُ اَلْحُكْمُ وَ  
 اِلَيْهِ تَرْجَعُوْنَ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَيْكُمْ هَلْ  
 مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللهِ يَرْزُقُكُمْ مِنْ اَسْمَاءِ وَاَلْاَرْضِ لَا اِلَهَ  
 اِلَّا هُوَ قَاتِلُوْهُمْ اِنْ يَكُوْنُوْنَ اِنْتُمْ اِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ  
 فَسْتَكْبِرُوْنَ ذَلِكُمْ اللهُ رَبُّكُمْ لَهُ اَلْمُلْكُ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ  
 قَاتِلُوْهُمْ تَصْرَفُوْنَ غَايِرًا لَدُنِّيْ قَابِلُ التَّوْبَةِ اَلْحَقُّ  
 ذِي الطَّوْلِ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ اَلْبَيَّةُ اَلْمُصْبِرَةُ لَكُمْ اللهُ رَبُّكُمْ

بجوئیند هیچ کس را جز خداوند  
 خداوند در هر جا که بخواهد بفرستد  
 بیست و یک مرتبه و بعد از نماز ظهر  
 بیست و دو بار بعد از نماز عصر  
 سیصد و بعد از نماز مغرب و شب  
 یا بعد از نماز صبح ده بار و اگر  
 در وقت اول تا آخر واقع شود  
 دو مرتبه بخواند که عجب باز موهبت  
 و در بعضی نسخ دیگر بنظر رسیده که  
 ابتدا او را در پیشانی بگوید و در میان  
 مطالب بدی که در میان آیه است  
 و یا آنکه تسبیح و یا آنکه تسبیح  
 و از بعضی مشایخ منقول است که بجهت  
 خوف از سلطان یا از ظالم یا از  
 باد بگوید یا مالک یوم الدین یا مالک  
 استغیث از انقضض ضرر و اسبیه  
 بوی نرسد و اگر فاطمه لطیفی و یا  
 سبعه بر او



# دُعَايَا مُشْتَمَلَةٌ عَلَى الْأَلْفِ

(۱۰)

خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَإِنِ تَوَفَّكُونَ هُوَ الْحَيُّ لَا  
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ  
 الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ بِكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ  
 الْأَوَّلِينَ فَإِنِ تَطَّعْتُمْ إِذَا جَاءْتُمْ ذِكْرَهُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا  
 اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللَّهُ  
 الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ  
 الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ لَقَدْ وُضِعَ السَّلَامُ الْمُؤْمِنِ  
 الْمُؤْمِنِينَ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُنْكَرِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ  
 هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى سُبْحَانَ  
 لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَا إِلَهَ  
 إِلَّا هُوَ عَلَى اللَّهِ قَلْبُ كُلِّ الْمُؤْمِنِينَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا  
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ  
 وچون تواند آدمی ضعیف که شکر از نعمت بجا آورد که از بدبختی  
 نجات یابد از غیر غنای لطیف و مرحمت بخواند از اسماء و حضرت مفود  
 که اگر دستپوش نبوی که از هر ویار ای ان بود که نام و در برزیا  
 جاری کرد و در امامت پیشین چنین بود است که اجازه نمیشود  
 که نام ملک تعابیرند مگر با اسمی که نام او بود که و اینها و رسل  
 ایشانرا خبر داده بودند و این در وقت سغان مرابن است که هر نام

بگردد بعد مذکور بخواند خلاص  
 شود و بگردد آن بجز به شد و بعضی  
 پیوسته ششتر سگها بگردد  
 قل هو الله خلد از جمله خود  
 بجز به منبر که سر آمده ضعیف است  
 و از هفت هر حاجت هر روز است  
 است که اول غسل کند بنا بر پاکیزه  
 پیوسته در مکان خلوت و پاکیزه  
 تکلم کند و انگشت عقبت سرخ نماید  
 فرزند در دست نماید و در رکعت  
 نماز حاجت بگردد بعد از خد  
 هر سوره که خواهد بعد از نماز  
 هفت بار سوره حمد را بخواند و  
 یا در صلوات بفرستد هفتاد  
 مرتبه سوره الفاتحه بخواند  
 اذان هزار بار و یک مرتبه سوره قل هو  
 الله را بخواند و صید و صلوات  
 بفرستد و هفت بار یا از جمیع  
 و سوره یا ایها که با او و مطرب از  
 خداوند بخواند



# در سر هود لای الا هو

(۱۱)

که خواهند خدا بیغالی را بخوانند پند برین است و در هر حال که  
 باشند ز قرض بسط و بهم وام بدهد آنکه که مناسب الحال باشد و وقت  
 و عد خوانند دعوی صبر و کبر و لوح تکبر خاتم مجموع ز قول بزرگا  
 علماء و مشایخ این فن بیاوریم تا خواص آن ظاهر گردد و مفصوح حال  
 آید انشاء الله تعالی و خواص سماء الله بسیار است و بیان کردن آن  
 بیاید دم مشکل که خدا بیغالی در کلام محمد قرآن مجید فرموده است که  
 قل لو کان البحر مدا و الکلمات بقی لفتدا لبحر قبل ان ننشد کلام ربنا  
 ولو جئنا بمثله مدادا اما آنچه عمل و تجربه بر رسیدن در این فن  
 خواهد انشاء الله تعالی امید بگویم و در کان ایند که چون اینند  
 از غصه اینعلم عاری تویم این سخن از کتب ابواب با ضحیح کردم اگر  
 لفظی غامض باشد قلم غفور کشند با الله التوفیق تو و در نام بابها  
 جل جلاله هو الله لا اله الا هو این جمله است اسم الله  
 اسم است خدا را و این شش که موضوع است مجموع صفات و کمال  
 و این اسماء عطا ذکر اهل توحید است و بزرگا گویند که هر که در  
 شمار و بکند بر بار بگوید یا الله یا هو بدین اسماء و صفات این خدا  
 تعالی او را از اهل بهین گرداند و بمقام اهل تحقیق و در جات اهل توحید  
 برسد آنچه خواهد بد کشف شود از جهت آنکه الله اسم است و اسمان  
 اسم عظیم است و اهل تحقیق اسم عظیم را گویند که هر حرف از او بگفته

که با جانب مقدم است و بعضی  
 گفته اند فرمان خواندن بوسی  
 بخورد کنند و ابتدا از رو پیشینه  
 نماید و بعد هم خوبت و اگر  
 پیشینه را روزه بداند از این  
 اولی است و در بعضی کتب را  
 این عمل را در وقتیکه قمر الهاتو  
 باشد بجا بیاورد و طهارت و هیچ  
 شکی در سر عتبات جاب است و عود  
 نیست اینصا بجهت هر جا  
 از مقابل در است که مدت هفت  
 بعد از نماز صبح هر روز یکصد بار  
 سوره توحید بخواند بدین نام  
 با صنوع صنوع هنوز هفتاد  
 نشان حاجت بر آورد سوره توحید  
 بیجا رسیده که صد هفتاد روز  
 هر روزی سه مرتبه بخواند یا بن  
 نحو که الله الصمد و الله را  
 تکرار نماید هر روز بعد از اتمام عمل  
 این بار آید نور



# در سر هوله لا اله الا هو

همان اسم الله شود مثلاً از الله لاف کم کنند شود اگر بکلام از او  
 دور کنند له شود و اگر لاف بکلام دور کنند شود و اگر لاف و هر دو  
 لاف حده کنند هوشو و هوشم عظم است و اسم الله سخن و دلالت  
 است و دلیل چند از قرآن بیرون آورده اند و گفته اند که اسم عظم خداست  
 آن است که ابتدا آن با الله و ختم آن به هوشد و این حدیثی است که با فطرت  
 اگر معنی یا غیر معنی نویسند همانند است خوانند شود و غیر آن توان  
 خواند و در کلام مجید حمای و در زبانی است اینجاست آمده است اول  
 در سوره بقره الله لا اله الا هو دوم در سوره آل عمران الله  
الله لا اله الا هو سوم در سوره النساء الله لا اله الا هو  
لن نعبدکم الی یوم القیمه لا ربنا چهارم در سوره طه الله لا  
اله الا هو که الاسماء الحسنه پنجم در سوره تغابن الله لا اله  
الا هو و علی الله فلیتوکل المؤمنون پس برین دلیل اسم عظم  
 الله لا اله الا هو است و بعضی از محققان فرموده اند که هر که این پنج آیه  
 که مذکور شد در کند هر روز یا زده بار هر چه کمالی بخرد که در نماز  
 بنویسد هفتاد و حاصل شود خواص بیانت کلام الله که ابتدا با اسم  
 است خواهند و دیگر در کلام مجید یا فیه بکلمه و کلام الله و اسم  
 خداست و نطق است و نطق ندارد اگر معنی باشد یا نباشد که در دست خوانند  
 پیش و روشن نیست که این دو اسم عظم اند و هر دو در سوره اخلاص واقع

و بیک بار از سوره انما فتحنا که اول  
 است و علی الکفار است فالخر  
 سوره بنویسند در مکان خلوت  
 یا طهارت و بقیه مراد حاصل  
 کردی اینصاف و سبب در جمله  
 بکلمه هر روزی جمله و بک  
 نوبت بنویسند بعد از آن سبزه  
 مرتبه غای یا مقصود فی ثابته از  
 که در کیفیت ختم حمد مذکور شد  
 بنویسند حاجات بنویسند و بخورد  
 او بر آورده شود ختم این کلمه  
 در کتابه منبر از کتب علمای شیعه  
 بنظر خیر است که در باب شریف  
 آیه الکرسی و وقف است هر که وقت  
 خواندن آن و وقف یا بعل او  
 و بعد غای کند غای و منجانب  
 و فاعله آنرا بنویسند که ابتدا  
 از آنست که چنان معنی نماید و هر  
 وقتی آنک را عقد کنند و تا آنکه  
 ایها رب



# در سر کلمه یا که الله الصمد

(۱۳)

الله الصمد یعنی الله مذکور شد معنی صمد پناهنده است  
 و جمعی فرموده اند که در شرح یکا از بزرگان یافتیم که هر که را گنا  
 صعب واقع شود و امر مشکلی که بر او کشتن بود بجهت دفع آن بلبه نافع  
 کارها بید مجلس هزار بار سوره اخلاص بخواند بجزای یاد ما  
 بزرگی گوید که این فیض را یاری بود که با هم بام مردم ناملازم نشسته  
 هر چند بضمی کرد می قبول نیک کرد و کفنی که هرگاه مراد صعب است  
 دهد اسم عظم مرا تعلیم کنه بجزای نام یاد او را فضا فتا که حکم بر قتل  
 کردند و راه که فضلگاه میزند ملاقات کردم در این مجلس طلب اسم اعظم  
 کرد کفتم با هیچکس سخن نگوی تا پائی در هزار بار بگوی الله الصمد  
 و اگر با تمام زمین مهلت خواهد تا تمام شود خدا و او موقوف خود  
 یافتیم ابتدا کرد هنوز بیاد او رسیده که خیر فتح شنیده مرده خلاص  
 دادند و چند نوبت بخوان این سوره افتاء و هزار بار نوبت بقول  
 شیخ که عدل کبر قل هو الله است و نزد شیخ مغرب عدل و کبر تکبیر زو  
 اسم است و عدل تکبیر است و اسم بیایم بی نوع بیاعد کبر که علیا  
 این تکبیر کرده اند و هزار و هفتاد است صد و مؤخر تکبیر  
 کردیم با بیعدله فرود می آید سید تو و نه تکبیر است الله  
 اصم و طم لصل لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص  
 لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص لاص

کلمه یا که الله  
 خواهد از عمل خیر طلب کند و در  
 مباد و میهم تعلیم ما این باب  
 از مقوله دفع شیطان طلب نماید  
 و چون وقت تمام شود سوره  
 الا شریح سوره سوره قل هو  
 بخواند و سوره صلوات بخواند  
 و سوره سوره حاجت  
 و بعد از هر سوره حمد را بخواند  
 و بعد از تمام هر حمد را یک نوازش  
 آنکه از معنوی را یک نوازش  
 کشود تا ابتدا از آنکه در بیام  
 چنانکه ابتدا آنکه حضرت است  
 که با بدای عقد از او بوده و بعد از  
 فتح همه اصابع با سنان نظر کند به  
 و حاجت خود را بخواند و بعضی  
 و از دست که فایض اصابع بخواند  
 سورهها است در این سوره  
 است که وقت اصابع بخواند  
 که هر که را بدید



# صنایع ایله ویکار ایلک رساله

(۱۴)

طریق عمل کند بجز است و در بعضی  
 گناهها طریق اول را ناپسند  
 ذکر کرده اند و بجهت نقصان حاجت  
 تخلف ندارند و مواضع هوقف  
 از انبقر است **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۲**  
**لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ۳**  
**لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۴**  
**إِلَّا بِإِذْنِهِ ۵ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ**  
**وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ ۷ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ**  
**السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۱**  
**وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا ۹ وَهُوَ**  
**الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۱۰** از حضرت  
 مرویست هر که را مایه پیش آید  
 و در آن نماز خواند یا بدو غسل  
 کند بیست از عزم

ادل لعل در حال و عهد و سبب که عداصل است  
 دو بیت و سه و یکی است و عداصل بر طریق شیخ معتبر و نوبت  
 و مؤخر بکفر او صد جهل و چها و نزد بعضی سه نوبت است  
 العلماء سه نوبت است العلماء از عشرت احاد میگردانند و اگر  
 باز بقراستند مجموع را اعتبار میکنند از احاد را اعتبار نمیکنند  
 و عداصل بکبر مغروران بیست است هر از صد ده عداصل بنوعی که جز  
 مافوظ نکبر میکنند در شرح اسم الله شیخ فرموده است که الکریم  
 آیت است بر معظم و مکرم که زبان بیان از وصف عظمت و قاصر است  
 و آن آیه که بر احوال بسیار شاهد کرده اند اول از جهت زیادتی  
 وسعت حشمت و بزرگی و دفع عدا و مخالفان و بر خصما و سبب  
 بجاه و نجات یافتن از بلاها و هر حاجت که داود و داود کند بعد از هر  
 فریضه یا بر کیفیت خواند کرده و صف او زهر و قوی بکند بگردانند  
 از انگشت خود دست راست عقد آخر انگشت بزرگ دست چپ و در زمان  
 حین که بشغ عداست هر حاجت که داود در دل بکند زانند طلب حاجت  
 نگویند در میان که بکلم ما بین اید علم است دفع عدا و متعهد شدن  
 ان جمع رضا طرا و در و چو آیه که بر همه تمام کند سه نوبت سوره الفتح  
 و سه نوبت سوره اخلاص سه نوبت ضلوات فرستد بجانان است  
 و هر عقد بل یا سوره فاتحه الکتاب بخواند یا در وقت رکعت دست برد



# در حقن بهر یک از این کتب (۱۵)

و بر تمام اعضا برساند و چون این دو کند هر جا جگر دارد برو  
 مقرون با جابجاء گردد و از بزرگوار بی نهایت است که ابتداء با الله  
 و ختم با اسم اعظم میشود و شارحان اسما و ربانی گفته اند که  
 اگر فی المثل گدائی که در تباش هرگز بزرگی نبوده باشد نخواهد  
 که بساطت دست او و ملک بیوی تفویض کنند باید که در و از ده روز  
 ترک جوئی کند و روز دوازده و افطار بحال کند هر روز غسل کند  
 و جگر پاک در پوشد از اول غسل سخن کند تا بعد از آنکه دو کف نما  
 بگذارد و همچنان برود و سجاده هزار یا دایه الکریم بخواند چون را این را  
 مذکور و این شرط قیام نماید بصد پاک البته مراد باید مقصود حاصل  
 گردد و آنچه خواهد بدان رسد در از شک بناید آورد در مغرب قصه  
 سلطنت صالح شبانچین بود و قصه و طولی در مناسبت این قصه  
 اهل تحقیق گویند که هر که را نوبت رفیق کرد که هر روز هزار بار  
 بگوید یا الله خدای او را از اصحاب یقین گرداند و این اسم مستجاب  
 کسانی است که مبتدیانند و هنوز بد رجحان نرسیده اند و عدد  
 این اسم شصت شش است و اگر کسی را طایب جاه و بزرگی باشد این را  
 در شرف حل بر اطلس سرخ شش شش رنج کند با هر وقت نام خود  
 و در نای محفوظ سازد و اگر شرف حل زود بپس نرود چو در خانه  
 خوابد قرآنی با وی نظر باشد و از محفوظات منفضل با سعه

و این الکریم را بخواند بطریق  
 وقف زکوة و زهد و عین  
 کسب عین از نام و با جابجاء  
 بگذرد از آن وقت بخوبی بخواند  
 او بر آید و هر جا میگذرد از نام  
 مستجاب است و اگر در شرف صعب  
 باشد به نیت قتل و بکشد از او  
 سوره و چشم نماید تا چند روز که  
 میتوان بخواند و چشم نماید  
 ما بین اینها و چشم نماید و چشم نماید  
 البته از شرف شک معلوم گردد  
 و گفته اند که این عمل از چهار چیز است  
**ا** بجزایر کاتب و کاتب  
 اگر کسی بعد از نام بخواند با او  
 برود و آنگونه کرد و سعادتی او  
 و مباد و فقر و فاقه از او دور  
 و اگر از برای تجدد شرعی بعد از اسم  
 طالب و مطالب بخواند شرف عجب  
**ب** بجزایر کاتب و کاتب  
 که اگر کسی



# در سر و نحو لفظ جلالا

(۱۶)

متصل رقم نهد که این خواص دهد و طبق مربع ز این است  
 نموده شوالله محمد ال ل هم ح م د و این هشت حرفت و از بابا  
 در مربع شش و شش میباشد نهاد و روش این است که از هر ضلع  
 اسم این حاصل شود در وقت نوشتن بخورد لیوزد و در جای پاک  
 بخورد ل نویسد تا خواص بسیار بیند در پیش بزرگان احترام بود

و مربع این است

د	ح	م	ه	ل	ال
ل	ه	ال	د	م	ح
ه	ال	ح	د	ل	م
ال	ل	ه	م	ح	د
م	د	ل	ح	ال	ه
ح	م	د	ال	ه	ل

و از عالم غیب انواع فتوحات ظاهری و باطنی متواتر بوزن  
 کرده هر روز بعد از فراغ از فریضه صبح هزار بار این اسم را  
 باین نوع بخواند یا الله یا هو و عدد این اسماء نود و نه است  
 موافق با نود نه نام بار نیچا و بزرگی فرموده که هر که بنام شبلی  
 طهارت کامل رو با سمان کند نود و نه بار این اسم را بگوید حاجت  
 الدعوه گردد و چشمه ها معرفت از دل و سر بزند و از عا و م  
 با نصیب گری و اگر این دو اسم را با نام خود کند که در روش فرزند

مهمی باشد خواهد که زود کفایت  
 گردد بصر این رود که در آن زود  
 نباشد و خطی در گردن خود بکشد  
 و زو قبیله تبو وضع بنشیند و  
 یا زایه الکریمی زانا و هو العلی  
 العظیم بخواند بی شک در دنیا  
 روز حاجت و برآورده شود در  
 آن نسخه نوشته بود هذا بحرب  
 و مؤثر و لا شک و لا ریب  
 خیر سوره مبارکه انعام  
 روایت شده که هر که خواهد روز  
 بزرگ فراخ گردد و حاجت او روا شود  
 شب بخشنده یا زو سبیه یا جمعه  
 زو قبیله کند اول سوره فاتحه را  
 بخواند و بعد شروع کند بخواندن  
 سوره انعام تا آیه مثل ما اوتی  
 رسول الله پس بلافاصله بر خیزد  
 و در رکعت نماز کند و در هر رکعت  
 هفت بار سوره حمد هفت مرتبه  
 آیه انصر



# در سر کلمه عالم العیب

(۱۷)

در مربع پنج در پنج عدد بنهد طریقی است که از جمله عدد  
 طرح کند و باقی بر پنج قسم کند و یک قسم را در خانه اول بنهد  
 اگر کسر داشته باشد بدین شود که نهم درج کند مقبول اول کرد  
 و مخلقات هر مستوی گردند دارند این مربع را از عالم  
 فو حاکم شد و این خوشدل خرم کند را بد در هیچ مجلس روز  
 نکود و هر چه بخوند یاد گیرد و این مربع را خواص بسیار است مثل آن  
 محمد را خواستیم با ایند اسم عدد کبریم عدد مجموع صد بود یک  
 شصت عدد طرح کردیم صد سی و یک باقی ماند بر پنج قسم کردیم  
 قسمت بیست و شش کسر یک عدد ماند در خانه بیست یکم اصفا  
 کردیم اگر کسر و یا باشد یکی در خانه شانزدهم اصفا کنند اگر سه باشد  
 در خانه یازدهم اصفا کنند و اگر چهار باشد یکی در خانه نهم  
 اصفا کنند چون تمام کند معطر ساخته ریخته با خود دارند  
 نیک ای قرص و خصوصاً حاجت نیا و آخرت برآمدن مرادان کلی و جزو

۷	۱۳	۱۹	۲۵	۱
۲۲	۳۸	۴۴	۵۱	۲۶
۲۰	۲۱	۲۷	۸	۱۴
۴۰	۴۷	۲۷	۳۳	۳۹
۳	۹	۱۵	۱۶	۲۲
۲۸	۳۴	۴۰	۴۱	۴۸
۱۱	۱۷	۲۳	۴	۱۰
۳۶	۴۲	۴۹	۲۹	۳۵
۲۴	۵	۶	۱۲	۱۸
۵۰	۳۰	۳۱	۳۷	۴۳

آیا باید که هر روز کس از  
 نود نه بار بخواند و شکل  
 این است بر کس فرود  
 که هر که هر روز صد بار  
 بخواند هو الله الله

و گفت رسول خدا آیتا اعطتانا را  
 بخواند و جو فارغ شود همان  
 و بقیه از اینست الله اعلم  
 خب تکبیل رسالته ما اخرتوه  
 بخوند و بعد بجهت  
 بگوید لا اله الا الله محمد رسول  
 الله انکما حاجت خود را بخواهد  
 که بیدت خدا بر او در نگویند  
 ختم شود صبار کس هر  
 بجهت حاجتی نرسد نوبت بخواند  
 مراد حاصل کرد و ان شاء الله  
 ختم شود بر سرش و یا بر  
 عطا می مهلکه خطایی پیش آید  
 از علاج آن عاجز ماند باید بکشد  
 چهل بار یا از بر سوره را بر سبیل انصاف  
 بخواند و بجز بجهت ضرورت کل وقت  
 و نماز از جای بر خیزد از آن و در طه  
 خلاص شود و هر مکروهی باو برسد  
 ختم شود بر سرش و یا بر  
 چهره او

لا اله الا الله



# شرح کلیه عالم الغیب

(۱۸)

لا اله الا هو ویدین مذا ومنت بد خصصا اورا اذا اهل بقدر  
 گرداند بمقام اهل تحقیق در جمیع اهل توحید سدا این خولود  
 کشف شود و اگر بعد از در هر صیاح پیشانویس بر هفت موطن  
 خوانند و بنا شنا بگویند کند هر چه تا بخورد بر فهم کرد تا بسبب  
 پوشیده چنین کند البته فهم و چنان شود که هر چه بخوانند یاد کرد  
 و هر که فراموش نکند اگر مرتب پنج در پنج که ذکر او کردیم در هر  
 زهر مینویسد بر آن کوه بند البته و ذاعقل و ادراک بمراتب  
 که اهل عالم متعجب او گردند شرح فرموده اند که هر که با خلوص  
 اعتقاد تمام بعد از نماز با صد بار بگوید عالم الغیب و الاشیاء  
 خدا بشناسد او را اذا اهل بقدر گرداند و از اصحاب کشف شود  
 چنانکه اسرار عالم صوت و مغیبه بر او روشن گردد و مشکلا آن کلی  
 و خرقی از فادی بن اسماعیل گشاید در هر کاری که شروع کند  
 پیدا و از مضیبات هر هفت کرد و شرح گفته که هر که نود و نوبت  
 اصل اسماء بگوید بخواند عداصل اسماء هزار و هفتصد مرتب  
 است کشف قیود او را حاصل شود و مطلع شود بر نیکی و بدنام  
 اهل گورستان و هم شرح گفته که بعد کبره تپش شود که در نود  
 و هفت بار نود و نوبت بعد کبره بخواند بر مخفیات دفای عالم  
 مطلع گردد بر تمام معانی که خزانه خداوند است عالم شود و عدل  
 کبره

صعب و مشکلی که او را درود دهد  
 حاجت و مطلبی که داشته باشد  
 هفت مرتب بلا فاصله تلاوت  
 نماید البته تمام او کفایت کرد  
 ختم شود و هر طریقی که بخواند  
 رو او برسد از جان که بخواند  
 باشد از طلوع در خانه که بخواند  
 این خود را تلاوت نماید در روز  
 نازده روز و با او که نماید در روز  
 از برای او نعم گردد و در دنیا و آخرت  
 این ختم شود بر هر کاری که  
 هر که را بخواهد باشد از برای او  
 وضو بگیرد بنیت قصداً و استیجاب  
 دعا و تلاوت قرآن در بیست و هفت  
 در خواندن سوخته باشد در هر  
 در سه موضع ظاهر بگرداند و از  
 خداوند بخواند هر یک بعد از امام  
 برین و یکی بعد از آن یکی  
 و یکی بعد از

عزیز



# شرح کلمات العیب الشها

(۱۹)

عدد تکبیر است عدد تکبیر موضع صد و مؤخر جهاد هزار و هشتصد  
 سی و دو و هم شیخ فرموده است که اگر صدبار شود که در نوزده روز اول  
 خواب کند و آنرا احتیاج کند در ایام مذکور بعد که بپرسد بفرموده  
 کند و عود و صندل بخورد و در هر روز صد عدد تکبیر بگوید  
 چهار هزار و چهار صد نود و شش است کشف غیب حاصل شود و عیب  
 مستحوی گردند حکام زمان می محتاج بشود روی گردند و او را  
 ایاطن بر تبه شود که از مشرف عالم فایده نماند الله بر او مکتوب  
 شود و احوال عالم مطلع گردد و عزل و نصب سلاطین را بگوید و مؤ  
 غریبه و داد است هدا ما باید که در آن ایام تقوی رعایت کند و ممانا  
 باشد اقطار بحال کند سخن که گوید خلوت گویند چون مراد است  
 و مقاصد و حاصل شود تقوی لازم است دیگر آنکه حکمت هر  
 بداند و خواص اشیاء بر ظاهر کردی الرحمن یعنی بپندارد جمیع  
 مخلوقات عالمی فرموده اند که هر کس بدین اسم مداومت نماید و بعد  
 از هر نماز فریضه صد بار بخواند خداوند تبارک و تعالی او را پاک  
 از ظلمت و غفلت و فراموشی حضرت سلطان اولیا و برها اقبالیج  
 الاصفیا سلطانا علی بن موسی الرضا علیه السلام در شرح اشیا چنین  
 فرموده که هر که بعد از هر نماز دو بیت نود و هشتاد و یک بار بگوید مخلوقا  
 او را دوست دارند دشمنان بر او مهربان گردند و اهل تحقیق گویند

سلام قول من زبیریم و چون  
 باید سلام برسد و از اسب چهار بار  
 یا چهارده بار یا با هفتاد بار مکرر کند  
 و چون از سوئه فارغ شود بگوید  
 سبحان المذبح عن کل محزون  
 سبحان المخلص عن کل متحزن  
 سبحان المنین عن کل مدبوم  
 سبحان العالی عن کل مکنون  
 سبحان من جعل خلائقه من الکافی  
 سبحان من اراد آوارشها  
 والنون سبحان من یکنون سبحان  
 ان یقول له ان یتکلم کل شیء  
 الذی یتکلم ملکون کل شیء  
 سبحان من یقول سبحان  
 انوار رحمتک و انوار عزتک  
 سبحان سوره بس و تقضیک و کرمک  
 یا ارحم الراحمین بس صد بار بگوید  
 یا مفتح کل قلوب و بعضی گفته  
 اند که در این و جمیع کلمات مخصوص  
 نیز حاجت بقاضی حاجت عرض  
 نماید قدرتی دارد



# شرح کلمه مبارک الرحمن

(۲۰)

و دعوی این اسم مناسب است که صاحب کرم باشند از این نفع  
 رسد شیخ ابوالهیم و شرح خود فرموده که هر که را مأمور باشد عاجز  
 گردد از نماز بیرون باید که در جمعه بعد از نماز عصر هیچ و روی  
 مشغول نگردد هیچ سخن نگوید یا حضور دل توجه قبله این هر دو  
 تکرار میکند یا الله یا الرحمن یا زمانیکه افسان فرود و بعد از آن  
 سر سجده کند حاجت خواهد آمد البته حاجتی را اگر در وقت این  
 نفیسم را از خواجگه لباس نرفته در کفایت تمام مسلمانان شرح این اسم  
 بسیار است بزرگی فرموده هم را بر مضمون که چه مشکلات غریبه  
 او کلمه بعد از نماز عصر و در جمعه منوجه قبله بود پس اللهم  
 الرحمن الرحیم قیام نماید چون باندک نماز بشنود بر سجده حاجت  
 نهد حاجت خواهد نمود آن تمام کند رو در پیشها بر دوشسته  
 صلوات فرستد مؤمنین و مؤمنات را فراموش نکند و امرش  
 خواهد برای هر مهتر که باین و در نماز و من کاید را در آن حاصل شود  
 از بزرگ اسما و هم بزرگی فرموده که از اسناد خود چنین یاد دارم که  
 هیچ اسمی از اسما و خدا بزرگوار تر از این سه اسم نیست پس هر که  
 اگر بزرگ بود مقدم بر کلام خود و در برابر او هر روز مکتوب  
 گشته و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در فضیلت این سه  
 فرموده اند که من قال لیسم الله الرحمن الرحیم مرة لم یبق من ذنوبه

انجا بی مشاهده نماید که  
 آنکه سوره را بخواند چون بگوید  
 برسد هفتاد مرتبه تکرار کند  
 مطلب از خداوند خود خواهد  
 که چیزی بطلد بقیه دیگر آنکه  
 از روزی شروع کند تا در پیشینه  
 و هر روزی بخواند که در هر روز  
 بد هفتاد مرتبه بیکار خواند شود  
 و هر روز بعد از فروع دعا یا من  
 نقل به عقدا لکاره در از دقیقه  
 بخواند و اگر بتواند در این  
 مجلس بیست و یک مرتبه بخواند  
 و بعد از آن بزمه عاوا بخواند  
 برای هر مرد و مطلبی بجز اینست  
 کن بخت و سعادتی و سعادتی  
 همیشه در روزی پیشینه بخواند و  
 دفع دشمن سه شبانه و هفتاد هفت  
 و غزف روز یکشنبه بخواند  
 ختمش در روز یکشنبه بخواند  
 تمام حضرت را در حضرت



# در شرح کلمه مبارکه الرحمن

(۲۱)

ذرة راوی اینچند پیش از الله بر مسعود است که خضر رسالت شاه فرمود اند که هر که بکتاب بگوید این سه اسم را باقی نماید از گناهان آن بگذرد و هم شیخ فرموده که هر که بجهت فتح کارها و محفوظ بودن از بلاها و این بود از مکر شیطان در مربع جهاد و جهاد یا بنظری نویسد یا خود ادا اما اگر در شرف افتاب نویسد یا

۱۹۶	۱۹۹	۲۰۲	۱۸۹	بسم الله الرحمن الرحيم
۲۰۱	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰	الرحمن الرحيم بسم الله
۱۹۱	۲۰۴	۱۹۷	۱۹۴	الرحيم الرحمن الله ليم
۱۹۸	۱۹۳	۱۹۲	۲۰۳	الله بسم الرحيم الرحمن

ساعات مسعود خاص عظیم دارد و هر کس این مرتب را بخواند و در کند هر روز هفتصد و هشتاد و نوبت تکرار کند هر طریقی که خواهد تواند گشود و همه مشکلات بر او آسان گردد و بعد از فراغ این باید که بکصد سی و دو نوبت صلوات بر محمد و آل محمد و سوره مستجاب الدعوه گردد و روز بروی گشاده گردد و صنعا باطن او را حاصل گردد و هیچ کاری بر او مشکل نکرد و فوخاصت بود رساند برکت این مساوی از نده این مرتب باید که در ایم باطنها رت باشد معطر ساخته یا خود دارد و غیره دارد که گناهان صغیر و کبیر قادر را محو

منقول است که هر که این سوره را چند  
کتابت نماید هفتاد و هفتاد مرتب  
مهمان او برود کتابت شود اگر این  
سوره را که بنویسد یا خود ادا  
شده بود بر این باشد در نظر خانی  
با صیبت بود مردم او در دست  
خمس و هفتاد و هفتاد در کتابت  
القران وارد است که هر که در مملکت  
گردد و سوره این سوره را بخواند  
خدا صیبت بر او نماید و الله خیر  
و البرکات از انحصار ما نور است  
هر که این سوره را بخواند حاجت او برود  
بیش و بکبار و محبوبت حاجت او برود  
بر میانند و او را پیشتر خیر می رسد  
و لذت و طلاق و غیره را از  
از برای بر پیشتر و سفید را از  
سفال و منزه بودن مرتب است  
بنوعی که عقل و او کار از کفایت  
عاجز باشد مدد و مسکون و این چهار  
سوره است همواره

کنند



# در کلمات مبارک الرحمن

(۲۲)

کنند این پنج را خواص بسیار است شیخ فرموده که همراه و هر غای  
 که در اول آن اللهم یا الله باشد آن باجابت نزد بکرات از  
 دعوت آن روز مقصود نماید و جهت بزرگی حکومت و عزت طلبان  
 و در تمام در اعمال و اوقات فراخ روز و هر روز که دارد و  
 ساخته هر روز هزار بار و یک نوبت بخواند الله لطیف بعباده بر روی  
 مرتب است و هو القوی الغریز آنچه مقصود او باشد بزود تر از آنکه  
 گمان دارد بگردد و اگر برای دای قرض و خلاصه زحمت رسید  
 بعل که از او مغزول شده باشد طلب حرمش و دفع شهن قوی با  
 بدین گردانند لشکری زرگرد شهر که محاصره کرده یا شمشیر روز  
 هر روز سه هزار و سیصد سی نوبت بخواند و این عدد را جهت محاصره  
 و خلاصه زحمت و جمعیت تمام خواند اشکر عظیم دارد و اگر کسی  
 این اسماء را در بگین عقین مینویسند یا خود دارد خواص بسیار  
 بدیند و خاصیت اول آنست که بر دشمنان غالب بد در نظر خلاق  
 عزیز بود و در پیش هم پیکس شرمند نشود و از مقلحا این بود پس  
 این نام را از اسم اعظم ترتیب فرموده اند در این لوح روح بر  
 و خواص کلی دارد اول الله دوم رحمن سوم رحیم و شیخ فر  
 که در معنی بند اسم الرحمن الرحیم فرقیست زیرا که رحیم بنیاد  
 یک معنی دارد هر که رحیم است بخشاینده است و بخشاین از رحیم

بر کبیل استمرازا و اگر یک روز  
 فوت شود شش ماه تا بد این عمل  
 عجز و از عجز با تضرع است و عمل  
 بالحق بر همه آنچه مداومت کردن  
 سوره و الذاریات در هر روز  
 موجب ثروت و دولت است و تضرع  
 سوره قاف که کسی خواهد در  
 دولت و نعمت بزرگ گشاده کرد و  
 این بر خیر و موقوف شود هر روز  
 سه مرتبه با وضو و بقیه با برین عمل  
 متصل هم بخواند و از خداوند بخواهد  
 فرزند خواهد شد  
**اذا وقت از برای سوره**  
 توسعه در امر عیبت از غریب دارد  
 و از جمله عجز بابت که مخلوق ندارد  
 باید ابتدا از شب نشین کند هر  
 سه نوبت بخواند و شب جمعه هفتاد  
 بخواند نامکذیب هفتاد هفتاد  
 مکتوب دارد و قبل از شروع عدد روز  
 در هر شب این دعا بخواند



# در سر کلمه مبارکه الرحمن

(۲۳)

الرحمن یعنی مهربان بر بندگان شیخی فرموده که هر که هر روز صد نوبت این اسم را بخواند دختر رجم او را مهربان و مشفق گرداند بنا خلق و مخلوق با او این دولت عظیم است در جهان و عوارض است که گناه است که مضطرب احوال باشند در ماه تم و کار خور و مانند باشند و یکی از بزرگان فرموده است که هر که خواهد دعوت اسمی کند از اسماء الهی باید که اول شرایط آنرا مرعیه دارد و شرط در خواندن آن که چون شروع کند پیش از آن چهل روز هوش و غایت کند و ماکول و ملبوس از خلل ترتیب دهد بزارت بزرگان و ائمه اقدام نماید بخش نکند و نا احتیاج کلی نبود و بنا خلاق نباشد سخن نکند آنچه نتواند دهد اگر مپرس شود هر روز غسل کند و با وضو باشد جامه های پاک پوشد بویها خوش بجا خود دارد کفایت باهای بد از آب باران و اغلب بام شریف صائم باشد بزارت الدین خود بسیار و اگر در جوده باشند ایشانرا عزیز دارد و همت خواهد بپس بعد کبیر خواند و عدد کبیر خواندن اسماء عدد کبیر است و اگر بعد کبیر مپرس شود زیادت از هزار بار هم دعوی کبیر گویند و نفر از کافرموده اند که هر که چهل شبانه روز هوشبانه روز پنجاه روز با صد نوبت این اسم را بخواند جمیع مخلوقات از پرند و غیره بر او انگیزند و حکام و سلاطین مطیع فرمانبردار گردند مقاصد اهل عالم

الرحمن از قهارین و اسما  
 حلاله طهارت من غیر کلام  
 دعوتی من خیر و اعوان  
 من فضیلتی القضا و الهی  
 ادفع عنی هذا بنی یقی الزمان  
 السیطان محمد و الحسین  
 یا ارحم الراحمین اخص  
 دیگر آنکه ابتدا از شب بخوابد  
 و شب و این بار بخواند و شب  
 یازده بار بخواند و باقی شب با دیگر  
 سی و پنج بار بخواند که در یک هفته  
 چهل و یک بار بخواند و باقی  
 بعد از اتمام هر روز یک مرتبه  
 الاصح ان کان رقی فی السماء  
 فان له وان کان فی الارض فان  
 وان کان بعد اقصاه وان کان  
 و تدبیرا فبینه وان کان  
 قلین و باول لنا من جنک  
 یا ارحم الراحمین طریقه  
 و بکسی علی الرضا



شش کلمه مبارکه الرحمة (۲۱۴)

اذا وكفايتك شود اما چون مراد حاصل شو نبايد كه دست از عود  
 بدارد و اگر بدان عهد نشو اند خوند بعد ز صغرت با فضل كه بهتر  
 گردد بخواند اما اگر هر روز از هزار بار زياد تر خواند بجزه مندا  
 و بزرگان كفتند اند كه شجر قلوب و ارواح را بن اسم است بزرگ  
 گفته كه اين دو اسم الرحمة الرحيم ذكر خايفان است مناسب كسان  
 است كه در كليه امور مضطرب باشند و هر كه در چين خوف و  
 ضرر و فتنه و اضطراب غم و خون شدن گرفتاري در امور  
 امور بنا يقرض حاجت و عجزه بدن اسماء خدا وقتك بايد كسان  
 ظاهر و شيد رحيم مهربان او گردند دعوا بن اسماء در محل  
 اضطراب نه شيار و زانست هوشيانه روز بعد تكبير مع  
 پانصد پنجاه و هفت اگر خواهد بالف لام تعريف خواند با پيا  
 ندهد و مقبوس است اگر محل تقاضاي آن نكند جمع منفق  
 كند بيك مجلس پنجاه هزار و يكصد سي نوبت بخواند پنجاه  
 او در نه شيان روز خواهد خواند اگر اسمين عدد گرفته در  
 مرتب چهار در چهار دهند با بنطبق و با خود دارند ان بلبه  
 بزود رفع گردد و قاهران عالم مقهور او گردند و بر همه غالب  
 آيد مرحوم مخلوقات گردد و معمونا ند و از بيمار بها گونا  
 گونا بن بود و مقبول القول گردد و ابواب فتح بر او گشاده شو

انحصار شمس التجار عليه افضل الصلوات  
 اذا كان اول شهر يوم الاثنين فاذا  
 تفرغ من صلاه الاذنيه اليوم الرابع عشر  
 من كل يوم على عهد الایام بحسب  
 يوم الرابع عشر بقية عشرة في كل  
 خمسين مرة الدعاء وهذا العمل  
 الختم النوسعة لرفع وتسهيل امور  
 المشكله واداء الدين بحسب  
 مراتب لیکه من الجمال والسمو  
 البسوا لا رخص قد شاولا تبذل  
 مهرانا والدعاء فدايا واحد  
 يا فاجد يا جواد يا حليم يا جبار  
 يا منان يا كريم استسئل الخفة  
 من تخفانك تله بها سعي و  
 تفضي بهاديني وتصل بها  
 شيان بر خمتك يا سيد اللام  
 ان كان رزقي في السماء فازله و  
 ان كان في الارض فاجزها وان كان  
 قبلي فقبلي وان كان قريبا فقبلي  
 وان كان بعيدا فقبلي



# شرح کلمه مبارک الملک (۲۵)

و حاصل این مربع رخصت خداوند تبارک و تعالی باشد مربع بن  
**الملک جل جلاله** پادشاه فرزان و ابرجمیع مخلوقات است  
 خواهد که دعوی این اسم کند باید که بحقیقت حق تعالی را بزرگداند و  
 هر چه طلب کند از وی خواهد طمع ز مخلوقات قطع کند همه را چون  
 خود فقیر و محتاج نا الله تعالی او را از ملک ملکون بهره مند کند  
 و نزدیکان گفت اند که ذاکر این اسم محتاج نکرد و حضرت امام علی ع  
 الرضا علیه السلام فرموده اند که هر که هر روز نوبت این اسم تکرار کند  
 خلوتی بنا کرد و دولت دنیا و آخرت بنیاید شخص از شرح جلال الدن  
 محمود چنانکه صاحب گلشن ناز است سوال کرده سخننا اسماء الله را  
 خواص فرموده اند و لوح عدد تعیین کرده اند مگر اسم الملک الکبیر را  
 شرح فرمود که نحو اسم عوام را بر خاصیت از طالع افتد که بسبب  
 ایشان کرد و اگر نه خواص در بیع نداشته اند و فرمود که هر کس بدعوی  
 اسم یا ملک خداوند نماید شرط مذکور به بجای آورد و شبانه  
 در روز هزار بار تکرار کند بر تبت سلطنت پادشاهی رسد این  
 نسبت طبع فارسی کس نباشد که پادشاهی در عالم معنی خواهد کرد  
 باشد که در عالم صورت و خواص الکبیر رحمت خود شریف پادشاه تعالی  
 و مربع ملک این است **الفدوس جل جلاله** یا از هفت  
 نعت حضرت امام هشتم علی موسی الرضا علیه السلام فرموده اند که

د	ح	ی	م
ی	م	ر	ح
م	ی	ح	ر
ح	ر	م	ی
۵۷	۷۰	۶۷	۶۴
۶۸	۶۳	۵۸	۶۹
۶۲	۶۵	۷۲	۵۹
۷۱	۶۰	۶۱	۶۶
یا	م	ل	ک
ل	ک	یا	م
ک	ل	م	یا
م	یا	ک	ل
۱۵	۲۸	۲۵	۲۲
۲۶	۲۱	۱۴	۲۷
۲۰	۲۳	۳۰	۱۷
۲۹	۱۸	۱۹	۲۴

و این کلمات  
 کتب اقبال و کتب  
 و در سوره علی بن ابی طالب  
 و در سوره یوسف  
 و در سوره یونس



# در سر کلمه مبارک اَلْقُدْسِ اَلْمُبَارَكِ

(۲۹)

هر روز بوقت وصال بکصد هفتاد بار بگوید یا اوصاف کرد و اثر  
 نفس و سوسه شیطان تا آن باید و یکی از بزرگان فرموده که ذکر این  
 اسم را باطن پاک و مصفی کرد از کدورات قلب و تقاواهل تحقیق  
 گویند که هر که هر روز بکصد یا زده مرتب بخواند از بیماری ظاهر و باطن  
 صحت یابد هر که در جمیع بیک لغت نان نویسد سُبُوْحٌ قُدْسٌ  
 رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ و بخورد صفت ملائکه پیدا کند و مربع  
 اَلْقُدْسِ سِرِّ اَلسَّلَامِ یعنی پاک و عبادت نکوهش و تقاضا  
 حضرت امام هشتم علیه السلام فرموده اند که هر که بکصد سی بیک نوبت  
 بر بیماری خواند نیت صحت از بیماری از رنج خلاص شود و اگر بکصد  
 هجده نوبت بر سر تن خواند و بدشمن دهد تا بخورد مهر بان گردد و اهل  
 تحقیق گویند هر که خواهد احصا این اسم کند اول خود را مقصر  
 داند و هر روز این اسم را بکصد یا زده نوبت بخواند خداوند عالم  
 دل او را از بیماری در امان دارد و در دار السلام در آورد و عبادان  
 این اسم صدایی یکی است و عدد دیگر صد شصت و دو اگر مربع با بر  
 طریق وضع کند یا خود دارد از جمیع مرض علل چون جذام و برص و  
 انواع بلبه ایمن نباشد از برکت این اسم مربع السلام این است  
 اَلْمَوْمِنِ یعنی راست کننده و عده های خویش حضرت امام هشتم  
 علیه السلام فرمودند هر که این اسم را بر نقره نقش کند و ایم یا طهارت

ق	د	و	س
و	س	ق	د
س	و	د	ق
د	ق	س	و

۳۵	۴۱	۴۵	۴۲
۴۶	۴۱	۳۶	۴۷
۴۰	۴۳	۵۰	۳۷
۴۹	۳۸	۳۹	۴۴

بگویند بیک نوبت  
 اَلْقُدْسِ اَلْمُبَارَكِ  
 شَقِيقِ النَّبِيِّ حَيْثُ يَكُونُ اَنْتَ  
 عَلَيَّ كَلِمَةٌ قَدِيرٌ يَا رَحِيْمُ يَا عَمِي  
 صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

س	ل	ا	م
ا	م	س	ل
م	ا	ل	س
ل	س	م	ا

۲۵	۳۹	۳۵	۳۲
۳۶	۳۱	۲۶	۳۱
۳۰	۳۳	۴۱	۲۷
۴۰	۲۱	۲۹	۳۴















# شرح کلمه مبارک البقره (۳۰)

مشکل نکرد اما باید که در وقت نوشتن عدد گرفتن با طهارت  
 یا شستن بخور لبود خود را بپوشد و با خوش معطر شود و لوح را عزیز  
 دارد بیشتر اوقات رواج نهد اگر این آیه را با اسم عزیز عد کند  
 و یا این روش در لوح بیج در پیج بر مس نقش کند در شرف زهره بانا  
 خود و نام هر کس که خواهد هم در شرف ان لوح بکشد یا خود دارد  
 مثلا این عدد و عدد نام خود و عدد نام یکی از سلاطین یا حکام بانا  
 و الدین مجموع حساب کند مثال ما هم از لوح که شیخ از برای خود عمل  
 کرده یونانی و سنما مشکل نکرد و عدد آیه که بر هر پایه از نبط صد و سی  
 بود و عدد نام صاحب ساعید الحمید و الله او دین و سی و وسطا  
 عشر و الهه او چهار صد شصت و یک مجموع هزار و شصت و یک و  
 چهار پیش و از این جمله شصت کردیم هزار و پانصد شصت و چهار  
 این مانند از اینج قسم کردیم قسمی سیصد و دوازده بود چهار عدد کرد  
 داشت این عدد را در لوح مس نقش کند و با خود دارد و یکی از اکابر  
 فرچنان کردم بخدمت سلطان حاضر شد بنده را تعظیم و تکریمی  
 کرد که بوصف رسانید از مقام معهو بگذرانید هر بر خود مقصد  
 نشانید و رود بگردن خونند پیش گرفت بر من حجت استناد تعظیم  
 کردی بحد که چون را مدعی و برخواستی با سنیار روان شد  
 و آخر او را منع کردند گفت اسما فرستد بگردن لوح در سر گذار

این ختم را از سر و کشته از اکابر  
 از چهار شهر اندر ختم شد  
 بجهت تمام بظانم بجزیر و از فو داشت  
 بدین طریقی نوشت همه در جاحلوتی  
 رو بقبله بنشیند یا وضو هفت  
 نوبت فاصله بخواند و بعد از آن  
 این دعا بخواند **اللهم انزل علی**  
**الکفره انزل علیک** و غیره  
 و بعد از آن یا قدر بر و یا کینند  
 یا حکیم و یا رحیم یا در سخن بکنند  
 یا ممان آن محظنا یا لا یمان  
 قائما فاعدا را کما و سا جانا  
 و بقیه حیا و میتا و علی کل  
 حال عود یا الله من شرفه و  
 کلمه شریفه و من شرفه و  
 ان ربی علی صراط مستقیم صلی  
 الله علی محمد و آل جمیع خیر  
 سو و من قل هر که این سوره نوشته  
 یا خود دارد در چهار روز







# در شرح کلید مبارک المنگیر

(۳۲)

برایش آفرار گیرد هر که از پادشاه نرسد برابر او دوازده  
 نوبت بخواند از سر تا این کرد و هر پادشاه که خواهد سلطنت  
 با و بماند هیچ دشمن روی نخواند کرد این اسم اندوخت نماید  
 و بعد از نماز یا مذاذ و بیست و شش بار یکوبد هر کس از روی نرسد  
 در چشم خلایق با هبت باشد هر گاه بعد از مستحان غسلی  
 یکبار یکوبد از سر سلطان این بود و دعوی این اسم بعد کبر هر روز  
 یکبار و هزار و بیست و سه نوبت است مع صد مؤخر و جهت است  
 کوند این مرتب را نویسد در زیر نگین کند اگر ناخود آرد از شر  
 جن و جباران این باشد و از مود بان ضرر بوی رسد مرتب  
 این است **المنگیر** یعنی ظاهر کنند بزرگواری خوبان  
 فاطم بر اهل آسمانها و زمینها حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند  
 و عامه هم در این قول متفقند که هر که در لب خویش از صحبت  
 یا حالا خود یا در این اسم را یکوبد خداوند سبحان و تعالی او را فرزند  
 صالح کرامت فرماید شیخ فرموده که این اسم مناسب است حول ملوک  
 و سلاطین و کسانی است که طالب خشنود و دام جاودام دوست  
 و مظفر شد بر اعدا باشد مداومت نمایند آن عزیزان  
**المنگیر** و طریقی دعوی این اسم است که در ساختن هر روز بعد  
 تکبیر یا بعد کبر بخواند بعد طلوع صبح یا بعد نماز صبح پیش از

بخواند او خلاص شود و اگر کسی  
 در اندام باشد سوره قمر را  
 بر وزن با نام بخواند و بر اندام  
 جریض بماند صحت یابد و اگر تنگ  
 در دگر باشد این سوره را هر روز  
 ناچهار روز بخواند و روز بیست و نهم  
 میزد شود اگر کسی را سحر کرده باشند  
 روز یکشنبه سوره را بخواند و  
 محور بخورد دفع شود ایضا جهت  
 دفع مسمات باز در روز هر روز باز  
 بار بعد از نماز یا مذاذ بخواند هنوز  
 روی باز در تمام نشد بخواند هنوز  
 حاصل کرد و در هر روز

ج	ب	ا	و
ا	ر	ج	ب
ر	ا	ب	ج
ب	ج	ر	ا
۴۴	۵۷	۵۴	۵۱
۵۵	۵۰	۴۵	۵۶
۴۹	۵۲	۵۹	۴۶
۵۹	۴۷	۴۱	۵۳



# در شرح کلمه مبارکه الخالق

(۳۳)

سخن کفین با طهارت و توجه قبله بگرد که خواهد خوه بالف  
 لام تعریف خواه بپا، نداء و عدد تکبیر مع صد و مؤخر هشتاد  
 یا ضد می است و این اسم مرکب از ده حرف است سوا حروف  
 مکرر در متن مشرک یا بتثلیث است پس هر و مشرک در لوح  
 در ده بحروف وضع کنند یا خود دارند بر کاغذ مهره زرد بر نواح نگاه  
 دارند بر و مکرر که بطریق که وصف نمود کرد و مربع کبیرین است  
**الخالق** یعنی فریدگار هر چه بر معداد و انداز که شاید  
 و اهل حقیقت گویند هر که در شب این اسم را بسپا گوید حسیب  
 و تعالی فرستد خلوق کند تا روز قیامت عبادت میکنند ثواب آنرا  
 در نامه عمل آن بند ثبت میکنند و حضرت امام علیه السلام فرمودند  
 هر که صغیر یا کارنازیکی یا خط بنویسد از خلل آن منوهم است یا  
 کاری که تعاقب بلا طهری دارد و از نفسان میترسد باید که این اسم  
 در مربع چهار در چهار بحروف تکبیر نوشته بخورد و هر صباح صد  
 بار این اسم را بگوید کار او بد نخواهد او شود و از آن شغل و عمل نیکو  
 بیند هر کس که مداومت نماید بعد کبیر یا بعد تکبیر شش فرموده که  
 حسعا ظاهر و باطن او را بنور عنایت خود متوجه گرداند و او را از  
 جمله مقبولان در گاه خویش گرداند و مخلوقات و زاد دوست دارند  
 از برکت این مربع مداومت این اسم متا کسافی است که ایشانرا اولاً

ما را این دعا بخواند یا صبیح  
 فتح فتح یا مفتح قویج یا مفتح  
 سهل یا مسد کبیر یا مفتح  
 بر حمتک یا از حمتک یا از حمتک  
 بجای آنکه بر شش سلیمان گوید که از  
 برای هر طلبی شش و ع عموم و یک  
 صبح بخواند هر روز  
 فانروز

۱۶۵	۱۶۸	۱۷۱	۱۵۸
۱۷۰	۱۵۹	۱۶۲	۱۶۹
۱۶۰	۱۷۳	۱۶۶	۱۶۳
۱۶۷	۱۶۲	۱۶۱	۱۷۲

شش مشرک و طهارت و تسلیم هر و مشرک

م	ت	ک	ب	ر
ب	ر	م	ث	ک
ث	ک	ب	ر	م
ر	م	ت	ک	ب
ک	ر	ب	م	ث

مطلب اصل  
 انصاف از مشرکین  
 بجز قضای حاجات و علود بیجا  
 اهل عالم و نفسا این هفت سوره را در ایام  
 هفت بار این ترتیب بخواند  
 هر یک را در روز



# در سر کلمه مبارک البای

(۳۴)

و این پنج حرفند که با هم نامند دعوت یک و این اسم نزد بعضی از بزرگان  
 زیاد است نزد بعضی زبیرگان دو هزار و سیصد هشتاد و پنج  
 و اگر صد و زیاده باشد بخواند او را بود باطن صا و دل خرم و بیضا  
 از مشکها که حضرت عیسی بر دست او است از گردانند و هر کاری کرد  
 او را از دست و بر او باشد خدا بیخا او را بر سر قوم و دیگران و کمال  
 شاد و اگر صغیر باشد در آن کار بگانه حضرت شود و از غفلت نیز صغیر  
 گردد اما باید که با طهارت باشد مرقع یا خود از خود صواب بایند  
 و تریخ این است **البای** یعنی فریبند هر چه صغیر خاصیت اهل  
 تحقیق گویند هر که خواهد که احصا این اسم کند باید که با خلق باز  
 تعالی هم زبان و موضوع باشد تا حضرت صغیرا خلق را محکوم و ضعیف  
 وی گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر چه صغیر  
 این اسم را بگوید حضرت عیسی در قبر او را نهان کند و در مونس فرستد اهل  
 تحقیق گویند هر که با هفت هزار و بیست و پنج خواند خداوند جل جلاله  
 فرستد را خلق کند تا روز قیامت او مونس کند و شیخ فرموده که از  
 اسم **الرب الخالق** ایستاد که کلمات است که محتاج باشد بر تو و هر که  
 که راه نماید ایشان را و طایفه خفیه باشند شیخ جلال الدین حسیبی  
 گوید هر روز یا نزهت نویت این اسمها را بخواند اطفا خداوند بناو  
 آخرت هم تریخ حال او باشد رفیق روزگار او گردد و قبر مونس او در

چنانچه مرتب بدین کم و زیاد است  
 اگر فاشنا بکشتن در دو شبانه اذنا  
 و قه سه شبانه از زمین چهار شبانه  
 از حیث شبانه تیرا از جمعه که بخواند که  
 مطلب باورده است سخن مونس که  
 عینا که عمل از قه نام خدا در بیلی  
 منقول است که هر که سه روز در هر روز  
 دوایم ناده روزی نازده مرتب بخواند  
 مجموع و در هر روز شود  
 از بزرگان مطایفه

خ	ا	ل	ق
ل	ق	خ	ا
ق	ل	ا	خ
ا	خ	ق	ل

۱۵۷	۱۴۹	۱۸۵	۱۸۲
۱۸۶	۱۸۱	۱۷۶	۱۸۸
۱۸۰	۱۸۳	۱۹۲	۱۷۷
۱۹۰	۷۸	۱۷۹	۱۸۴

چنانچه مرتب بدین کم و زیاد است  
 اگر فاشنا بکشتن در دو شبانه اذنا  
 و قه سه شبانه از زمین چهار شبانه  
 از حیث شبانه تیرا از جمعه که بخواند که  
 مطلب باورده است سخن مونس که  
 عینا که عمل از قه نام خدا در بیلی  
 منقول است که هر که سه روز در هر روز  
 دوایم ناده روزی نازده مرتب بخواند  
 مجموع و در هر روز شود  
 از بزرگان مطایفه



# در شرح کلمه مبارک المصوق

(۳۵)

ب	ا	ر	ی
ر	ی	ب	ا
ی	ر	ا	ب
ا	ب	ر	ی

۶۹	۸۲	۷۹	۷۶
۸۰	۷۵	۷۰	۸۱
۷۴	۷۷	۸۴	۷۱
۸۳	۷۲	۷۳	۷۸

بسم الله الرحمن الرحيم  
 ما و الله  
 علمهم بذات الصدوق  
 از سوره العنکبوت  
 و الذین امنوا معنا  
 من قبل رسول الله  
 و از سوره انفصاف  
 ما یجیدون و یتقون  
 علمنا ما کان

م	ص	و	ر
و	ر	م	ص
ر	و	ص	م
ص	م	ر	و

۸۹	۱۰۲	۹۹	۹۶
۱۰۰	۹۵	۹۰	۱۰۱
۹۴	۹۷	۱۰۴	۹۱
۱۰۳	۹۲	۹۳	۹۸

ممد او باشد مرتب بیست المصوق یعنی مقبول گشته هر چه در  
 مخصوص و شکلی که بدان معنا زگردند از یکدیگر و خسترا قام علیه السلام  
 فرموده اند هر چه عظیم که طالب فرزند باشد باید که هفت روز  
 دارد در وقت اقرار بیست و یک نوبت در دل بخواند و بر این مد  
 بیاشامد مصلحت او زیاد و صالح گرامت فرماید اگر روز شوی  
 هر روز ده بار در بهتر باشد نزدیک فرموده که هر که طالب فصاحت  
 و بلاغت شعر گفتن و دانش و طلاله نشان بود بدگر این اسم  
 بعد تکبیر مع صد مؤخر بخواند سر آمد و زکار گردد و عدا کبیر  
 این اسم و هزار در هفتاد و اسباید که چو بمقتور شد با بندگان  
 خواند هر روز صد مرتبه شش مرتبه بخواند زله نکند تا در و نشند  
 بود و مقصود حاصل باشد مرتب از اسب الغفا یعنی پوشاننده  
 ز شیطانها و معا پندد کان از انواع کناه و فیه خسترا قام علیه السلام  
 فرموده که هر که بعد نماز جمعه در سازد و صد نوبت بگوید یا غفا  
 اغفر لی ذنوبی از جمله مغفون بگردد و مصلحتا پرده او و مانند بعضی  
 خوانده اند یا بعد از نماز کان فرموده اند بطریق تکبیر مع مرتب خاست  
 عقوبت نفس کرده دست در اندازد و لپا را در و نظر خسترا قام علیه السلام  
 دانند بیکدیگر نمایند در حق و می عا خیر کنند اگر از خاتم ناما خو  
 بقبر بر از غذا یا این بود اما طریقی مغربان و نوع است عمل حجرا



# در شرح کلمه مبارکه اللهم ربنا واهلها

(۳۹)

اما نوع خرافضل است از اول و مرتب از است الفها پیش میکنند  
 گرد ز هر کس نکند با نوع رنج تنواری اهل حقیقت گویند هر که باند  
 این اسم را بگوید بخت نیا از دل او برود و خیر انام رضا علیه السلام  
 فرموده اند هر کس که این اسم را بگوید خدا بخواهد رنج و محنت دنیا  
 از دل او بردارد و نیز خیر جو غالب آید و هر که میبافرض سندنک و جمع  
 بندت قهر و شکر صد بار بخواند خصماوی مقهور شوند و صفا باطن او  
 حاصل آید در صغیر بر او گشاده کرد و مرتب پیشها **الوهاب** پیشها  
 با انواع عطاها و نعمت ظاهری باطنی بندگان بغرض هر که بعد از نما  
 پیشین سر بسجده هفتاد و نوبت این اسم را بگوید از خلوص مغفرت کرد  
 و خیر انام علیه السلام فرموده اند که این اسمی است بجا پیش از خاصیت  
 سبب از جایزه و خوص از پیش از آنکه بشرح است صاحبان دعوت  
 این اسم فرموده اند که از نور گواهی این اسم هر که دعا کند با این طریق  
 که بعد از فراغ از نماز دستها را بردارد و هفت نوبت این اسم را بگوید  
 و حاجت خواهد آید معای او مستجاب گردد و خداوند مفا صلی و را  
 محصور پیوند و اهل حقیقت گویند هر که در سار و هر روز هزار بار  
 پنج بار بگوید یا وهاب یا ذا الطول روز بروز فراخ گردد و اگر  
 مداومت نماید با این اسم از جای که گمان نداشتند باشد روزی او برسد  
 و در روز او برود ازند شیخ فرموده هر کس که ماهی پیش این اسم را

ف	ا	ه	ر
ا	ر	ق	ه
ر	ا	ه	ق
ه	ق	ر	ا
۶۹	۷۹	۸۲	۷۶
۸۰	۷۵	۷۰	۸۱
۷۴	۷۷	۸۴	۷۱
۸۳	۷۲	۷۳	۷۸
غ	ف	ا	ر
ا	ر	غ	ف
ر	ا	ف	غ
ف	غ	ر	ا
۳۱۹	۳۲۲	۳۲۸	۳۱۲
۳۲۲	۳۱۳	۳۱۸	۳۲۳
۳۱۴	۳۳۰	۳۲۰	۳۲۷
۳۲۱	۳۱۴	۳۱۵	۳۲۹

و در کتب معتبره  
 از بزرگان علمای  
 و مشایخ کرام  
 و در کتب معتبره  
 از بزرگان علمای  
 و مشایخ کرام  
 و در کتب معتبره  
 از بزرگان علمای  
 و مشایخ کرام











# شرح کلمه مبارک الزان

(۳۹)

کبیت پس اهل تحقیق گویند که هر که احصا این اسم کند باید که طهارت  
 و شرب آب زینده های خدا در بیع ندارد و نم روز نخورد و اهل طهارت  
 گویند هر که چهار طرف خانه خود در هر روز صد بار بگوید این اسم  
 بیایند افسرد و رویش را راه در آن خانه نباشد و دعوی این اسم  
 مناسب است که شکر روز در پیش حال باشد این جمع را  
 با خود دارند و بعد کبیر یا بعد تکبیر نماز است تا بنده هر روز پیش  
 از صبح و یا در اوقات خود و جوانب عالم دهند تو انگر کردند در دنیا  
 پیشه و در پیشی در آن خانه و بعد تکبیر این اسم هزار و هشتصد  
 چهل و پنج است هر که چهل روز هر روز چهار عدد تکبیر بخواند  
 خدا بیغالی چنان دنیا را که امانت فرماید که صفت توان کردن و  
 تو انگر کرد و چهار عدد تکبیر هفت هزار و شصت و هشتاد و پنج  
 است اگر هر روز یا بعد بنوازد بخواند باید که در چهل شبها  
 روز چهل هزار هزار و چهار هزار و هفتصد و نوبت بخواند و در  
 آخر مرتب بر نرفته نکر کند با خود دارد و چون اربعین تمام شود  
 دو رکعت نماز قبول ختم و استجاب است عا یکبار در دعا کند صد  
 بار هد بخند تواند خدا بیغالی نعمت بچسباید با و از زان فرماید  
 انشاء الله تعالی و مرتب مذکور در صفت بعد از آن چه شود  
**الفلاح** بفرستند هر که این کلمه را بخواند خدا

خداوند این کلمه را در روز  
 اولاد و سالها خوانند از این جهت  
 چهل مرتبه یا و هو آله و اولاد  
 و بر کوه که بنده ساله خوانند  
 و الشمس چهل مرتبه طهارت و روز  
 وقت طلوع قلاب بچین و در  
 سوز را بخواند و در قاطعه  
 نجو طریک و انداخته زینجهن  
 البینه از حاجت رها ن روز  
 خواست با در بنده از در چهار  
 و هجده ختم کند و اگر طلب  
 وقت نماز است این اسم را  
 بنا و در سجده و در چهار  
 از جهت تو انگری و در چهار  
 ماه صفت هر یک از سوره الزان  
 و از اجزاء نضایه و قل هر یک  
 نور بخواند از مال دنیا غنی  
 ختم است و در هر روز  
 اول سوره فاتحه و سوره  
 بار صلوات نبی است و سوره  
 بخواند بعد از آن هر یک  
 سوره



# شرح کلمه مبارکه الفناح

(۱۴۰)

۷۶	۸۲	۸۸	۶۲	ر	ز	ا	ق
۸۶	۶۴	۷۴	۸۴	ا	ق	ر	ز
۶۶	۹۲	۷۸	۷۲	ق	ا	ز	ر
۸	۷۰	۶۸	۹۰	ز	ر	ق	ا

این اسم کند باید که کار و بسنگی که او را پیش آید رو با ستانه  
 مفتوح الابواب او رو بداند که ابواب حمت و دایم گشاده است  
 حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر روز بعد از نماز  
 صبح هفتاد و هفت نوبت بگوید دست بر سینه فرود آورد و درنگ  
 غفلت از دل او برود و بگردی که او روز پیش بر فرار و بگری  
 از آکا بر گوید هر که هجده شبانه روز هشتاد و هفتصد نوبت  
 نوبت بخواند که سه عدد تکبیر است و راضی واقع شود که هرگز خضر  
 و بسطه نبیند در باطن او و از عالم غیب فوج منواتر رسد  
 چند از صفای باطن باید که مطلق رو از دنیا نباید اما باید که  
 از قرائت این اسم بازماند و بعد از این دولت هر روز یا صد نوبت  
 کند گوید شرح این اسم جای دیگر خواهد آمد مرتب در صفح بعد است  
**العَلِيمُ** یعنی خداوند انا و ازل بر همه یونینها انبیا و پند نا  
 ابد اهل حقیقت گویند هر که خواهد خصا این اسم کند باید که

نویسنده این کتاب در حقیقت نام و فاضل را  
 بنویسند و صد صلوات بفرستند  
 ضامن که سه روز نکند و در هر روز  
 کند و بجهت وسعت دینی چهار و یکجا  
 سوره الم نشرح را بخواند نافع است  
 ختمی که در کتابها آمده است  
 کتاب عقده ای از حضرت رسول  
 مرویت که هر که نماز بعد از نماز  
 صبح و در جمیع قبل از طلوع خنای و در  
 این سوره را بخواند و صد بار صلوات  
 بفرستد باین طریق از دستش  
 التبتی الایم ختمی که در کتابها  
 زیاد و مفصل است که در این کتاب  
 بر آورده خواهد شد راوی گوید من  
 بخوبی کردم ختمی که در کتابها  
 بعد از نماز صبح بخواند و قدر خورا  
 مشاهده نماید و از جمله خیرات است  
 ایضا بعضی از اهل اهل عالم گفته اند  
 که اگر کسی سوره را برای هر حاجت و  
 مطلبی بخواند و صد بار بفرستد  
 بخواند



# در سر کلمه مبارکه الفناح

(۴۱)

خداوند را عالم الیسر و الخفیات داند بحقیقت خود را در نزد  
 همیگر و انا عیننا نکند و مواضع شدنا عالم اعلام او را بر عالم

۱۲۲	۱۲۵	۱۲۸	۱۱۴	ح	ا	ث	ف
۱۲۷	۱۱۵	۱۲۱	۱۲۶	ث	ف	ح	ا
۱۱۶	۱۳۰	۱۲۳	۱۳۰	ف	ا	ت	ح
۱۲۴	۱۱۹	۱۱۷	۱۲۹	ا	ح	ف	ث

عالم گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که این اسم را  
 در دل خود بسپار کند زاندا ز علم لدنی بهره مند گردد و اگر خواهد  
 که از امر پنهان آگاه شود سه شب متعاقب صوم سازد و در وقت  
 نماز بگذارد بعد از نماز صد پنجاه نوبت این اسم را با وضو بخواند  
 و صلاوات بگوید تا در خواب شود از عالم غیب نام برده نماید و اگر  
 این جمع را در ساعت نوبت با خود دارد بعد از نماز در شبها  
 جمیع صد بار صلاوات فرستد بعد از آن بعد تکبیر که چهار صد  
 پنجاه نوبت است بخواند صد مؤخر یا فاتحی هزار و هفتصد  
 بیست و یکبار روئای تا اوصد و مؤخر سی هفت نوبت بخواند یا  
 صد بار صلاوات فرستد تا چنان ساختن کرد که خوابی در  
 آن متصیر ماند و صفای باطن ظاهر در او حاصل کرد و اگر همین  
 در خاتم نفس کشد در آن کسای رود در محل دعوت در لوح نگاه میکند

این حاجت برآورده شود و همین عالم  
 از برای وضع فقر و فاقه و درویشی  
 و احتیاج ز برای غنی و ثروت و انبیا  
 و ادای این بن از سجده است و از حضرت  
 ضاق آید و او را دست که در آن  
 کند این سوره را و او را دست که در آن  
 که گمان نداشته باشد بجز کفنه  
 که در خیم از بس صد حاجت امام  
 ده از فقط در آن از حضرت امام  
 خمس ضاق آید منقول است که هر که  
 جعفر صادق را در هر کار یک در مانده ضاف  
 سوره را در هر کار یک در آن که هر چه عد  
 بار بخواند خلاصه نماید و اگر  
 بیوی یا اسیر بخواند نجات یابد و اگر  
 این ماعقل بر یک الکریم را از این  
 سوره بر پوست سبوی نوبت بخواند  
 دارد روز او فراخ کرد و در مقام کار  
 صنعت تمام باید باشد آنکه در وقت کار  
 از خود و کند که بجهت خلاصه است و اینها  
 ها مختص است و اینها نافع است و اینها  
 بیست و یکبار بخواند نافع است و اینها  
 اگر این سوره را وقت نیازان



# در سرگله مبارک الفایض

زود اثر میکند مراد آن و بنویس و عجب متبر کرد اهل خبیثت گویند  
 این اسمی است که کودکان از برکت این اسم گویا و دانند و صاحب  
 دعوی این اسم خدا بیغالی معرفت کرامت فرما بدانشا الله و مربع این

۳۷	۴۰	۴۳	۳۰	ع	ل	ی	م
۴۲	۳۱	۳۶	۴۱	ی	م	ع	ل
۳۲	۳۵	۳۸	۳۵	م	ی	ل	ع
۳۹	۳۴	۳۳	۴۴	ل	ع	م	ی

**القایض** یعنی خدا نیک کننده این خواهد بود بعد از حکمت خویش  
 حضرت امام رضا علیه السلام فرمود اند هر که را دشمنی قوی باشد  
 و از او ترسد این اسم سه شب مشرب بنماید و هزار بار بخواند البته  
 آن دشمن دوست گردد یا هلاک گردد یا او را ره شو اهل خبیثت گویند  
 هر که بچل روز این اسم را بر چهل لغه فان نویسد بناشنا انجود خدا  
 تعالی او را از خوف جوع و عذاب قبرا بمن گرداند و این عمل مناسب  
 کسان است که اول لیلوک د آمده باشند و این اسمی است که ملک  
 الموت بقوت این اسم جان بندگان قبض میکند عوت این اسم بمول  
 جمعی از اکابر از جهنم دفع دشمن حد تکبیر است و حد تکبیر در هزار  
 هفتصد نداشت مع صد و مؤخر پنجاه و چهار صد و دوازده است  
 و قبول مغرب آباد و هزار هفتصد نداشت مع صد و مؤخر پنجاه و

عبدنار بخواند از خدا بیغالی  
 بخواهد البته آن خلیف روا شود  
 و اگر این نموده را بر کلاب بخوانند  
 قدر از آن در چشم کشند روشن  
 چشم زیاد شود و اگر این نموده را بر  
 چشمی خوانند که در مدد داشته باشد  
 نامرغ بگرشایا بدالبسته ختم  
 سحر نکا تو از برای هر مطلق از  
 خصص صفاق منقول که در وقت  
 بیست و پنج بار در خلوت بخواند و بخورد  
 خوش نماید بعد از آن هزار بار صلوات  
 بخیرستد که انشاء الله بر او رواست  
 ختم سوره مجاد که به چشم غلب  
 کردن دشمن بسیار در وقت غلب  
 و بطرف دشمن اندازد مقهور گردد  
 اگر بر بنیاد خواندنا خوشه و لشکر بیاید  
 و اگر بخواند از این سوره مداومت نماید  
 از مشرکانی شرک این کرد و اگر میان  
 اینها غلبه بکند از هر چه بود و مقصد  
 این باشد ختم سوره و مقصد  
 اگر کسی بخواند



# در سر کلمه مبارکه الباط

(۴۳)

چهار صد هجده است اگر بعد مغربها خواند و از ده روز مداومت نماید بیست هر که خواند اگر از آهن و سنگ بود چو از زنگبارد و لوح مربع این است الباط جلا که بفرستد فراخ کند

۲۱۸	۲۲۲	۲۲۸	۲۲۵	ق	ب	ا	ض
۲۱۹	۲۲۴	۲۱۹	۲۳۱	ب	ض	ق	ا
۲۲۳	۲۲۶	۲۳۴	۲۲۰	ض	ب	ا	ق
۲۳۲	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۷	ا	ق	ض	ب

اچیز خواهد بکشد خوش اهل حقیقت گویند هر که خواهد که  
 این اسم کنی باید که طعام و شراب از بندگاری خدا بماند و در  
 ناخوش باسط او را بندگ کرد اند و هپت حرم و خوشد باشد  
 هر غم زده را که نظر بر او افتد هپت بفرج میگرد و این نامی است  
 که میکانیل بارانها را بر کشتن نام میفرستد خضر طعام و ضا  
 علیست فرموده اند هر که در سحرگاه یا طهارت رشت دست دارد  
 و ده بار بگوید یا باسط و ده روز خود فرو آورد هرگز مغمو مقبو  
 نشود و دعوی این اسم مناسب کسی است که تنگدست باشد و بدای قسط  
 مبتلا باشد دعوت این اسم بقوانست که شنبانه رفته عدتکبر  
 بخواند و عدتکبر این اسم دو بیت شانزده است مع صد مؤخر  
 چهار صد و دو عدت است در این شنبانه روز یکبار دو بیت و

در روز و از شانزده او برداشته شود  
 چهل و بار با این سو و از این سو  
 او محتاج نگردد خوانند او را  
 حفظ و طاعت خدا را نماید تا روز  
 دیگر ختم شود  
 برآمد هر طالبی که میخواست برود  
 با دست خود بخورد یا بخورد او را  
 مشک باشد بنویسد یا بخورد او را  
 او سبب گشت  
 اگر کسی بی سوره را با این خواند  
 او استوار و ضامن از خوف این گردد  
 و اسباب سعادت و نجات باشد  
 و اگر بعد از آن و نازل شد است  
 که این سوره در شان و نازل شد است  
 روز او برسد و نازل شد است  
 که گمان نماند از جهنت و نجات  
 آری این کلمه از جهنت و نجات  
 شیخ و شنبانه باز شد و نجات  
 این سوره را بخواند و در هر روز بعد از  
 اتمام سوره ای با این کلمات  
 و سبحان و الحمد و  
 و اقلوا



# در شرح کلمه مبارک البسطا

نود و شش صد میشود و اگر پیش از خواندن تواند این عدد را در مرتب چهار  
 در چهار براطلس سفید کشد در محل دعوت و پیش سجاده نهاده و در رو  
 نظر کند بزرگتر بفرده مجروف تکبیر مغز که نقش کند در وقت اردو در وقت  
 خواند در خاتم نگاه کند خوشحال و توانگر کرد و هم بظاهر هم بیاطن و  
 در سر او نبطا باشد که سلاطین عصر رنزد او و نظر او خورد نماز و بجز  
 دنیا و آخرت کامل گردد و بماندک دنیا که او را باشد چند تا کرامت سخا  
 کند که اهل دنیا نتوانند کرد و نشاط و خرمی و بیاطن خود اند و هر چه  
 که با صاحب دعوت ملاقات کند مفرح و شادمان شود و بر تعجب که با بندگان  
 کند این است که کار او در دنیا بگشاده شود و دیگر خوار آمدن زینبند  
 اما یا بد که بعد از دعوت در دو پست پیوسته دو نوبت که عند تکبیر است  
 بخواند و ترک نکند تا در آن حالت ایمان داشته باشد الله و مرتب این است

۱۷	۲۳	۲۹	۳		ط	س	ا	ب
۲۷	۵	۱۵	۲۵		ا	ب	ط	س
۷	۱۳	۱۹	۱۳		ب	ا	س	ط
۲۱	۱۱	۹	۳۱		س	ط	ب	ا

الخاقص یعنی فرود آورنده آنچه خواهد بعلوم قدیم و قدرت با الله  
 هر چه در ازاده او بود و این نام است که حضرت موسی و ابراهیم علیهما السلام  
 از برکت این اسم و خصایص این نام یافتند و منظر گشته اند هر که را خصم بسیار

تکلمه نقلی که در اینجوانند و  
 یا نزهت یا در صلوات و این فرمود  
 بجز که کند صاحب خود را  
 بخواند که بر آورده است ختم  
 سوره اینیل در بعضی کتب  
 مسطور است که هر که در شب  
 سه شنبه یا چهارشنبه این دعا را  
 بخواند بعد از هر مرتبه که در خود  
 این سوره است هر دفعه که در  
 بجانب دشمن کند و بگردش  
 هلاک شود و این سوره بیست و سه  
 کلمه در دو هشت حرف است  
**یا دعا** در دعوت مغفله  
 از آنکه ظاهر علی است از  
 شیخ نظام الدین علیه الرحمه  
 نقل است که هر که را نامی بی  
 چهار خط بکشد یا یک خط در  
 میان از چهار خط بکشد و در  
 قریب هر چیزی که سوره  
 قوس و قوس



# در شرح کلمه مبارکه الخافض

(۴۵)

بود و دشمن قوی و دایم منوهم باشد خواهد که احصا این اسم  
 کند اول با بدست و زرتوه دارد و افطار بحلال کند اندک  
 خورد و در این سه روز این اسم عذ منوید و در چهارم وزه دارد  
 و بخون بود و در رکعت نماز بگذارد و منوچه قبله برای دفع عذ  
 هفتاد هزار نوبت بخواند چون با تمام رسد بسجده هفتاد دفع  
 دشمن از خدا خواهد از شر شیطان ایمن کرد و عذ که هر دو برای  
 محافظت بد استخوان بود انقدر این است بکنار او یا نصد هشتاد و  
 یک و اگر بزبان نفس کرده بتکبیر شیخ در کند بر اعداء غالب آید  
 و اگر در شش بر خاتم نقره مربع چهار وجهی یا بنظر بوق که حروف  
 اسم را منقوش سازد و پادشاه در آنکس کند یا بر صفت نقره  
 چهار وجهی نفس کند الخافض الرفع الرقیب الخفیظ و نام یا  
 میان مربع یا بنظر بوق نوشته این صفت بر سر علم بسند لهر لشکر  
 که در و انده هزم شوند سپاهی که این صفت در آن میان باشد  
 هر چند اندک باشند نظر اعداء بسپا نمانند مهیب باشند  
 عذ مغلوب گردد و اگر در جانب دقا بوق شرف نگاه دارند در وقت  
 نفس از عجایب و غرایب این لوح از دهن چنان ماند شیخ مغرب گوید  
 بسپا بود که در لشکری همراه بود و این صفت نمانند بود لشکر خصم  
 یا نکه در برابر آید و او میبوند قدم مرا پادشاه بر خود مبارک

گفت

نماید و نظر در همان خط مبارک آید  
 قیر قرض کرد بنما بد است نام آید و  
 دوازده هزار بار بگوید صلی الله  
 علیک یا رسول الله و حال دست دهد  
 شود و خوانند و حال دست دهد  
 که لذت نرادر یا بدیجرت  
 لا اله الا الله از برای جمع مطهر  
 و مفاد صجرت و زقوه است باشند  
 ابتدا کرد یازده هزار بار بگوید و  
 دو شنبه یازده هزار بار بگوید و  
 همچنین یازده هزار بار بگوید و  
 بگوید که مجموع هشتاد و یکبار  
 نوبت گفت شود مطلب بر او دست  
 بجهت غسل الکس او در وقت  
 و قبح خلق استجاب دعا و شاکاها  
 دوستی خرابی این بود انجاند عذ که  
 در او سوی طه راست و عذ و شیط  
 هزار و سی و یک بار است کتب و القرآن  
 صد بار آید که چهره این است الذکر  
 ص و الکتاب از ذی الذکر  
 انکبیم ص و القلم و انبقر  
 و انکبیم ص و القلم و انبقر  
 و انکبیم ص و القلم و انبقر  
 و انکبیم ص و القلم و انبقر



# شرح کلمه صباک الحافظ

(۴۹)

گرفته بودند بنده زامعاوم بود که این از خواص آن لوح است  
 اگر کسی برای خود این لوح بسازد و یا خود دارد در هیچ محل شرف  
 و محل نشود و این مظهر و منصوب بود و از عمل عزل نکرده و هرگز  
 داده این لوح را بیک نرسد اگر خواهند که بد با و رسا با این

د	م	ح	ا	حافظ	رقیب	حفظ
ح	ا	د	م	رقیب	حفظ	حافظ
ا	ح	م	د	حفظ	رقیب	حافظ
م	د	ا	ح	حافظ	حفظ	رقیب
۲۴۷	۲۵۰	۷۴۵	۴۳۹	ض	ف	ا
۲۴۴	۲۴۰	۲۴۶	۲۵۱	ا	خ	ض
۲۴۱	۷۴۷	۲۴۸	۲۴۵	خ	ا	ض
۲۴۹	۲۴۴	۲۴۲	۷۴۶	ف	ض	ا

راجع شود و خواص این لوح بسیار است و اگر در دنیا او بکوشد بطول  
 می انجامد محض کرده و اگر اسم حامل چنانچه باشد و مکررند  
 باشد بدین طریق که اسم حد نوشته شد وضع الرفع بقیه  
 آنچه خواهد در فرجه اسفل با علامه درجه در وقت این نامی است که آنها  
 بیک این نام بیست و این داده پادشاهان را مملکت از برکت برسد

و مقایسه در و حصول حاکم و طلب  
 زندگی و توانگری سه هزار و سیصد  
 می و نیز بخواند که هر کس نباشد در  
 بل مجلس و الاطراف قسم که تواند  
 فانه خیر حافظا و هو رحم الاله  
 همه حصول حاجت و فلا ال دشمن و  
 دفع خوف و عقدا للسان حاکم  
 هزار و یکبار بخواند بحکم تا سخن  
 تر لنا الذکر و فانه حافظون  
 جهت و سفت و زوق و طلب خواجه و منصب  
 بزرگ و محنت سلاطین و عقدا للسان  
 اطراف و فرزانه به یکبار بخواند الله لطیف  
 بسیار و بزرگ و منزه و هو القوی  
 الغزیر ایضا بحکم از ای قرص بر آمد  
 حاجات و فلا صلا من در وقت  
 و اندوه بیاید درین موم هزار بار کمتر  
 نتواند و اگر زیاد خواند و بیست  
 دعای شایسته که حضرت رسول در جنگ  
 بدخواستند چون در کاری در جنگ  
 منبه بگو تا خالص تا خالص یا خالص  
 یا یا العبد یا یا العبدین  
 خلاص کرد







# در سر کلمه مبارک المعز

(۴۱)

مستقیم ماند و از زالی اندک از برکت این لوح ایمن باشد لوح این

۸۷	۹۰	۹۴	۸۰
۹۳	۸۱	۱۶	۹۱
۸۲	۹۶	۸۸	۸۵
۸۹	۱۴	۸۳	۹۵

د	ا	ف	ع
ف	ع	ر	ا
ع	ف	ا	ر
ا	ر	ع	ف

**المعز** یعنی عزت دهند انرا که خواهد از خورجی این نامه است که انبیا و اولیا از برکت این اسم بر ظالمان ظفر یافتند اهل تحقیق فرموده اند هر که خواهد که احصا این اسم کند باید که همه مخاوف خدا بنحالی را غزیرا در خصوص صوامعنا از که غزیر کرده ها خداوند که ان اگر تمکم عند الله اتقیکم فاحضت عزت نیز اورا و مکرم دارد در دنیا و آخرت و شیخ گفته که هر که شبها جمعه و شبها صد چهل بگوید صبا نماز شام و نغفان بخواند خصی و تعاف و خوف از دل او بر و او را شکوه هببتی در میان خلق پیدا کند و مراد از اول حکام سلاطین اند و اکابر و کار و شیخ مغرب که صاحب دعوت این اسم است بگوید هر که طالب عزت و حرمت و جاوید برتر باشد در دنیا و دنیا باید که چهل و یک و زد دعوا این اسم کند بطریق و مشربلی که مذکور شد در شرح اسم لرحیم و عدل تکبیر معز بصد چهل و یک و یک عدل تکبیر معز صد و مؤثر شصت و بیست و هشت و هفت صد

یا خفی الظواهرینا ما نمانحان  
یا لطیف اذ کنی بلطفک انخفی  
از برای جوانی و مردان این پنج  
کلمه دس هزار و بیست و سه بار  
بخواند بعد از طلوع صبح قبل از طلوع  
اقتاب بعد از نماز فریضه و بوی  
خوش کار برد یا کافی یا غنی یا  
معین یا فلاح یا در آن ختم  
برای وسعت معاش در روز پیشینه اول  
ماه شرح کند تا چهل و یک روز  
بدون تکلم که چهل و نه مرتبه بخواند  
هر آیه بیکار بگوید و بعد از نماز  
یا واسع ایضا هر روز سه مرتبه  
علیه که فرمودند که بجهت زیادتی  
وزن و استقامت و وسعت دنیا  
بنداند از جمعیت یا پیشینه یا و شبها  
تا بد چهل و دو مرتبه بگوید و شبها  
نه مرتبه بخواند و طهارت کند و  
خواند بعد از نماز  
باشد







# دستور کلیه مباحات المعز

خلافت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و او را بود و بر اصداء نصرت و طاعت تمام باید  
 و دشمنان وی مقهور گردند هیچ کس را بر او حکم نباشد مطلقا کرد  
 این در سینه اند و کما او را برهمنویان قهر چون کانهان فرود و نایب  
 و خرازد نباید چندانکه صاحب عوٹ خواهد نصرت تواند کرد و علو  
 خواه او بلند گردد و تسخیر قلوب زراء و اکابر درین مندج اوصیاء  
 دعوت عجايب و غرايب با خواهد بد صفت این اسم زختر بشود  
 اگر خواهد که بالف لایم بفریب خوانند و بیان عمو چند نوبت  
 بگوید یا عزیز یا معتز یا عزیز یا عزیز و هر شب چهاردهم از دعوت  
 در خلوت یا کوزه یا در مقام شریف و و بوی خوش بر اثر طهارت  
 وقت نباشد خاطر جمیع را در که وقت ظهور نبی انوار اسماء است و ظهور  
 عجايب و غرايب است محل نزول قمر یعنی ملائکه قمر بصورت خوب پیش  
 صاحب عوٹ باید که در این ایام مذکور غسل بسپا کند زاب و ان  
 یاد در خانه خلوت و بیحاجم نرود در این ایام جامه کما سفید بود شرط  
 نگاه دارد در مربع اینه که بر این است شیخ معتز گوید که اگر کسی تسخیر من  
 خواهد با بد این مهر را بر چهار منقار نقره نقره کند (قبضه مهر  
 در صفتی مقابل نموده شده است) و شبها چهاردهم ما بنور بسپا  
 بسود و این مهر را بر بخورد و در پیش جای نماز خود بنهد و اسمها  
 بخواند و در این مهر نظر کند که در بعضو و اصل شود و این مهر را

دینم از انرا کفایت می نماید  
 از من خاجان و خصمان از یک  
 راه عقد هفتا نیز با و بنی اند که  
 مجتهد کتب بعضی و اگر تو اند  
 کلام جمع در او وضع کند هر  
 در کلام را هر دو بیجا هر  
 این مجلس بود از این بیجا هر  
 انشاء الله از برای هر  
 کلیه خاصه از جهت خراسان  
 مجلس در شب جمعه بعد نماز مغرب  
 و عشاء و از ده هزار در هر روز  
 مجلس در تمام بخواند البته در  
 آورده است

یاغزنا	یاغزنا	یاغزنا	یاغزنا
بغزنا	بغزنا	بغزنا	بغزنا
یاغزنا	یاغزنا	یاغزنا	یاغزنا
بغزنا	بغزنا	بغزنا	بغزنا
۲۹۰	۲۱۲	۲۱۵	۲۰۲
۲۱۴	۲۰۳	۲۰۸	۲۱۳
۲۰۴	۲۱۷	۲۱۰	۲۰۷
۲۱۱	۲۰۶	۲۰۵	۲۱۶







(۵۲) در شکر کلمه مبارک اللّٰه

باشند باید که سب و بد و در این اسم را در هر شبانه روز ده هزار  
 نوبت بخواند بابت فتح خصم الله تعالی انخصم امعه و کوراند  
 بخواری و زاری از آن مملکت اواره کند اگر صاحب عود هلا  
 او را خواهد چون به چهل روز رساند دشمن هلاک گردد بجزفت و  
 بزرگواری این اسم گویند شجر عطار در این اسم است و بیماری  
 قوا پیدا بقار این اسم سدا که خواهد که دعوی و شجر عطار کند  
 اگر رعایت شرايط کرده قواعد نگاه داشته شصت روز و اگر  
 شرايط رعایت نکرده باشد نود و زده شبانه روز ده هزار  
 نوبت بخواند دعوی عطار در خاطر دارد نیت در کند  
 چون شرايط نگاه داشته باشد و زسی یک صوت عطار حاضر  
 گردد و با صاحب عود و سینه نماید الا در شصت روز نماند و  
 تمام شوع عطار حاضر شده او را گوید ای بنده خدا یا علی تورا  
 از دعوی من مقصود چیست گوید مراد من و سنی تو و از طلب معاد  
 و علم و هنر تو عطار قبول کند مراد از عطار ملک عطار  
 که حاضر میگردد باید که صاحب عود نشانی طلبد و مبالغه نماید  
 عطار و نیکویی بدهد که اسمی او نوشته باشد و خواست کند  
 تا اسم بدامود با صاحب عود نگاه که عطار خواهد این اسم را  
 هفت بار بخواند صوت عطار با ملک عطار حاضر کرد و مهم

در کوزه از جمله عریان که همیشه  
 از نیت این است که سه نیت متوالی  
 در گوشه خلوتی بنشیند و در هر شب  
 هزار مرتبه بگوید اللهم اظفر  
 انقطع رجائی عن الخلق و انت  
 که خود عمل نمودم بکرات و مکرر  
 اتفاق افتاد که در انشای ذکر با  
 رسید از این است که بنشیند  
 نیت یکصد نیت و نه دانند باشد  
 این عمل مخصوص شصت و شصت  
 یا جمعه اگر شب جمعه عمل نماید باید  
 روز پنجمشنبه را در زوزه داری و اگر  
 و انظار کنی بجز جوانی و مال حال  
 در اطراف باشد که کسی را بخواند  
 نوبت باشد اول دور کند نماز کنی  
 نیت حاجت بعد و نیت نیت  
 از نیت بعد نیت نیت نیت  
 یا لطیف بعد از تمام هر روز  
 الامم تقام و دعوی اللطیف  
 انجیر بخت



# در سر کلمه مبارکه السميع

(۵۴)

کتابتند و این از خصوص این اسم است که صاحب دعوی با مذکور بود  
پای نداشتند و در موشافند مقصود بر این بود که لایزال است

یا	م	ذ	ل				
ذ	ل	یا	م				
ل	ذ	م	یا				
م	یا	ل	ذ				
۱۹۲	۱۹۵	۱۹۸	۱۸۵				
۱۹۷	۱۸۶	۱۹۱	۱۹۶				
۱۸۷	۲۰۰	۱۹۳	۱۹۰				
۱۹۴	۱۸۹	۱۸۸	۱۹۹				

السَّمِيعُ یعنی شنوند هر دای ازین بیلت اهل حقیقت  
گویند هر که خواهد حقا این اسم کن باید که زبان و گوش را از  
دوغ و غیبت نگاهدارد و از مالایه کفن شنید و بعضی بپند  
که اسمی ز دشمن که باشد با بجای آوردند منجاب الدعوی گردند  
اسم است و حضرت سبحان و تعالی در کلام مجید فرقان جمیع خود  
چند جا اسمیع بصیر اسمیع علم او زده و هر ای و دعائی که کلمه اسمیع  
علم در آن صدج است خاصتها کنند و حضرت طبرنی موجودات  
علیه فضل الصلوات احد فرموده اند که هر که هر صباح سبعت  
بگوید سَمِيعُ اللهُ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ سَمِيعُ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي  
السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و بااد برهد و کند سبعت مد و برود  
خود فرود آورد در آن و بر هیچ بلا و زحمت مبتلا نشود و اگر در شب  
با این دو قیام نماید در آن شب از تکلیف محفوظ و سالو نماید حضرت

اگر کسی در هر روز  
شود که بگوید و بعد از آن  
شب بگوید که ای خداوند  
از نماز عشا در این مجلس  
الله یار قاه بابت باده البتة  
کفایت شود انشاء الله تعالی  
امش که هر که این دعا را  
برای قضاء حاجت یا تقاضای  
البتة حاجت او شود و هیچ  
نیست خصوصا از برای بیماری  
شفای او بخورد سبعا لاله  
عواند بحیرت دعا این است لاله  
الا الله یحییك و یرزقک لاله  
الا الله فرج بر حیرت کلمات  
چند هم طلب هر حاصل شود  
عواند سبعت حاصل شود با  
التوحید البتة یا حی یا قیوم یا  
یا ارحم الراحمین یا سبحان  
یا ذا الجلال و الاکرام یا سبحان  
یا ذا الجلال و الاکرام یا سبحان  
یا قیوم یا قیوم یا قیوم  
یا قیوم یا قیوم یا قیوم



# در ذکر کلمه مبارک السميع

(۵۴)

امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر روز پیش از آنکه سخن  
 دنیا گوید بعد از ادای صلوٰه فجر هفت نوبت بگوید سَمِيعُ كَيْفَ كُنْتُمْ  
 اللهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ خداوند گوا از برکت این کلمات قرآنی  
 جمله مهمانان و زاد را روز کفایت کند و اگر در سازد بعد از نماز  
 قریبه بقراست این به پیام نماید هر که هیچ چیز محتاج نگردد و مراد  
 او را حضرت مسمیع بقدرت کامله کفایت نماید و اگر این کلمه را  
 با بی نظری که نموده میشود در مربع وضع کند در شرف فنای با  
 خود دارد محتغالی او را در نظر خلق عزیز گرداند و اگر کسب را بیشتر  
 گردد بر کاغذ مهره زرد بطلای بنویسد و در جات و دقائق شرف  
 نگاه دارد که هیچ منور ناظر شمس و شمس نباشد معطر ساخته  
 در و الا ای نرگردد و دواج نهاد نزد پادشاهان یا حرم و مقرب  
 گردد و نزد خلایق مکرّم شود هر که او را ببیند عزیز دارد و مهمانان  
 از پیش او کفایت و طرک کار و هر کس که منوجه شود بمقصود رسد  
 کار و عمل خود فتح ببیند که منصوران نبوه باشد حضرت مولینا  
 شرف المله و الدین الیزدی چند جا این کلمه را کرده او دره اندر  
 غیر مکرر و هر نشی با خواصی گفته اند از جمله فرموده اند که اگر کسی  
 سنگی در فرماند و عیال بسا و قرصا در باشد این مربع را  
 با خود دارد دفع در کار او ظاهر گردد و روز بروز ترقی در کارها او

باشد

از زندان و نجابت از دست ظالمان  
 و دشمنان این کلمه را هفتصد مرتبه در روز  
 بخواند از صوره است لا اله الا الله  
 مستحقات این کلمه من الظالمین  
 حضرت مبارک اسم شریف بود  
 المؤمنین علیه السلام و زوای  
 گوید این سخن را از برای مطلبی بخواهد  
 کرد چهار روز نگذشت که در او شد  
 از برای هر مطلبی شروع در مسجد  
 یا در خلوت و از ده هزار بار بگوید  
 یا علی البته برادرسد این کلمه  
 اسم اعظم خداوند است هر وقت  
 در نماز این اسم را بخواند  
 حاجات و نجابت از شر او محفوظ  
 باقی ماند و عمل و چهار بار این اسم را  
 بخواند که از جمله عجز است و حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله در وقت  
 دشواری این دعا را خواند و در وقت  
 یازده بار یا سميع يا سميع يا سميع  
 معاش تو سميع در روز و در روز  
 سميع هفتاد و نه مرتبه این  
 اسم را بخواند







# در سر کلمه مبارکه السميع

(۵۴)

پیشک زعفران بنویسد بشوید با گلرنگ صاف با اسپر بخورد  
 از آن زخمهای ناباید و اگر بر سفید خانه نویسد بر خراب گردد و اگر  
 نوشته در تاج نهاد خاک قوم خود گردد و اگر با بنظر بود در مربع وضع  
 کند با خود دارد اما رعایت ساعا سفید کند تا مرائب بلند  
 گردد و وضع شربستحتاج وی گردند بی واسطه سابعه مردم و را  
 غیر نردارند و فوج مؤثر او را زد و مقبول القول گردد و اگر  
 بخواند تا بنا به ما بعد هشت جمعه قیام نماید در هر شب از هر  
 چهار هزار و شصت و هشت نوبت بخواند خدا بنعمت او را یا میسک  
 برساند اگر خوش طبع است روزی باشد اگر در این هشت هفته  
 در خانه بخواند دروهای بگویند بقا و زاد قیام نماید هر روز یکبار  
 نه نوبت اینها بخواند چون جمعه هشم شوسلاطین عصر اکابر  
 روزگار و پیا بوس و آیند از مشاهیر عالم گردد و اینها بخواند  
 بسیار کند و اینها که بر است **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** و اذ  
 بِرَفْعِ اَبْرِهِمُ الْقَوَاعِدِ مِنَ الْبَيْتِ وَ اَسْمِعِلْ رَبَّنَا تَقْبَلْ مِنَّا  
**اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** و اگر اینها بر او الای سفید در مربع  
 با بنظر نویسد بر گردن خروس سفید بندد در جاکه گمان داشت  
 دارد و بر طرفی بمداد نوشته اینها بشوید در آن مقام برایش  
 و آن خروس را بکشد تا مرغ بر او بر الای کنج قرار گیرد و اگر در

مدار و بنویسد این خواهد بود  
 آرد و ای هر چه باشد  
 دو سه راس هزار ششصد و هشتاد  
 مرتبه بخواند و در وقت شنبه  
 شام و شب با خود بخورد و در  
 قیوم از خرابی بگریزد  
 حکم صاف از چهارده هزار و شصت  
 صد و هشت نوبت بخواند  
 بارزاج بفرستد و هدیه نماید  
 عجب و از موده است با نخواست  
 اول بروج پس بخواند و هزار  
 دوم بروج املا و نین و هزار  
 هزار چهارم بروج فاطمه زهرا  
 پنجم بخواند بروج حضرت امام حسن  
 مطالب در غایب است بخواند  
 تسبیح تطبیق در یک فقره  
 بعد از آن خود بخواند یا حضور قلب  
 و اگر روز یکصد و هشتاد و هشتاد  
 از آن یاد منفعت کرد و در روز  
 بر طبع

انعام



# در سر کلمه مبارکه البصیر

(۵۷)

ان مقام در خوار و از عالم عقید و از اعلام گردانند بمقصود  
 رسد اینهم از برکت السميع است و اگر کسی بن اسم او و پند بگوید  
 نماز چاشت یا صد نوبت بخواند نماز حاجت که خواهد و اگر در  
 و اگر قاری یا بن قیام نماید بنجاب الدعوه گردد و در هر روز بطریق  
 او را و چنان صد و دو نوبت بخواند یا سميع یا بصیر هرگز  
 هیچ چیز محتاج نگردد و در سؤا شود و سميع و در از پریشانی  
 نگاهدارد و دعا های او را مستجاب گرداند و مستجاب باطن  
 او را حاصل شود و جلای قلب این واسم است و مرثیه ای که بر

این است البصیر

واذ برقع	من البیت	تقبل منا	السمیع
ابرهیم القواعد	اسمعیل بنی	انک انت	العلیم
تقبل منا	السمیع	واذ برقع	من البیت
انک انت	العلیم	ابرهیم القواعد	اسمعیل بنی
السمیع	تقبل منا	من البیت	واذ برقع
العلیم	انک انت	واسمعیل بنی	ابرهیم القواعد
من البیت	واذ برقع	السمیع	تقبل منا
اسمعیل بنی	ابرهیم القواعد	العلیم	انک انت

که چشم از صوب

خلق پوشد بعبودیت و بنیاد گرد و از آن خلاف شرع دیدن  
 نگاهدارد و داخل غرث و در دین باطن و در ظاهر دنیا کرامت

در این مظهر است و این  
 دولت و کثرت این کارها هر روز این  
 اید و اسبند بچاه بار بخواند  
 که از تجربات قل الفاضل  
 پیدا شد بونیب مرثیه و الله  
 ذوالفضل العظیم از برای  
 وسعت رزق و کثرت رزق و رزق  
 چهل روز بعد از نماز صبح هر روز  
 مرثیه یکم رزق و قیام با وضو بخواند  
 در اول دو رکعت نماز صبح و در هر  
 وصله شصت صلوات بخواند  
 در هر یک نماز نماز و اما در هر نماز  
 صلوات بفرستد مطابقت قصد نماید  
 و اگر در اول شش و هفت بار التور باشد  
 بهتر و اکمال است دنیا اقبال عالمنا  
 ما شیده من السماء تكون لنا عیال  
 و اولیا و آخرنا و اولنا عیال  
 و انت خیر الرازقین و اگر کسی در این  
 معنی رود هلا شود و در هر روز  
 اللهم انک انت الخیر  
 محمد و آل محمد



# در سر کلمه مبارکه البصیر

(۵۱)

فرماید این نامی است که انبیاء و اولیاء علیهم السلام از برکت این نام  
معجزات نموده اند و معراج یافته اند و اولیاء از برکت این نام  
مقرر گشته اند هر که مینافرض سنت نماز جمع صد بار نوبت  
بنویسد بقیه او درست گردد بنظر ان عینایت و مکاشفات اسرار  
اسماء الله تعالی و دیگر اهل حقیقت گویند هر که دعا بر زبان  
گذرد موفق نماید که دست نایب بدرگاه حضرت برآورد و دعا  
کند باینه راقول یا در آخر دعایا سمیع یا بصیر بگوید البصیر  
دعا او را با جانب مقرون گرداند و در دعا الحاح نمودن جمله  
شرایط است و دعوی این اسم مناسب کسانی است که در کارها فرود  
مانده باشند امرها کلی برایشان شکل گشته و در ممان خود  
سرگردان شده باشند شیخ معبر گوید هر که چهل روز هر پنج  
صد تکبیر تکرار کند عدد تکبیر پنج مغرب یکبار و ششصد و شصت  
پنج عدد است و پنج عدد تکبیر هشتاد و سیصد و بیست و پنج صد  
و مؤثرشان زده هزار و ششصد پنجاه است و شرایط کم خوردن  
و کم گفتن و کم خفتن و نظر از محارم نگاه داشتن و اگر معتبر  
شود در شب بخوند و اکثر اوقات دخول باشد تا صبح مراد از این  
و دنیا و صفا ظاهر و باطن و مهم مقصد که دار جمله بیدار  
او گردد و کارهای پریشان او جمع شود و او را جلا قلبی حاصل شود

آن شخصی که این دعا را  
و عدد کبیر این کلمات در دست  
شازده است و صغیر شصت  
البصیر نامی است که در  
حصول مطالب از روی  
مشبه شروع کرده اند روزی  
روزده مرتبه بخواند روز هر  
الرحیم یا مقصود ابواب  
والاستیجاب یا مقبل الطور  
و یا دلیل المستغین  
المستغین و یا ما لیسوم  
الدین یا لیسوم  
و یا ما لیسوم  
مطلبین و آورده است و در  
گوید بخوبی کردم **همچنین**  
**مطلبین** در این روز  
هر روز هر دو هفتصد هشتاد  
یا این نام را بخواند و اوقوس  
بصیر یا بصیر یا بصیر

کرکر



# در سر کلام مبارک الحکم

(۵۹)

که هر کس از پیش و گذرد ضمیر مزاج خود بلکه نام او را از بزرگوار  
این اسم بداند و بعد از وقوع مراد هر روز شانه زده هر روز  
پنجاه نوبت که عدد تکبیر است بخواند اگر صبر کرد بعد هر نماز  
سیصد و نوبت بخواند در آنجا تسکین گردد و مقیم ماند مقام

۷۴	۳۸	۹۲	۵۳	ب	ص	ی	ر
۸۹	۵۶	۷۱	۱۶	ی	ر	ب	ص
۵۹	۹۸	۷۷	۶۸	ر	ی	ص	ب
۸۰	۶۵	۶۲	۹۵	ص	ر	ب	ی

اوبی سعی او بر او زده کردد الحکم بقیه اذ دهند و جدا کنند  
بجگم خوبترینان خلق خود از باطل این نام است که مقرب است  
این قریب یافته اند با حواله دنیا هر که در نیمه شب چندان بگوید  
که از خوبتر و بارینجا باطن او را محراب سر او خود گرداند در آنجا  
صیبه دل او کشاد گردد و اگر زبانه بان و در قیام نماید صفا باطر  
و ظاهر زیاد از آن شود که بوی و مرتب با خود دارد و انبیرع نواست

۱۶	۱۹	۲۴	۹	یا	ح	ک	م
۲۳	۱۰	۱۵	۲۰	ک	م	یا	ح
۱۱	۲۶	۱۷	۱۴	م	ک	ح	یا
۱۸	۱۳	۱۲	۲۵	ح	یا	م	ک

و اگر مطلب حاصل نشود تا  
چهل روز بخواند البته بخواند  
بوسه بتجید بر سر سینه او را  
در ایام هفتاد روز یکشنبه  
در ساعت اول بعد  
هر یک در ساعت هشتاد  
از نماز صبح چهارصد هفتاد  
در مرتبه بگوید یا فتاح یا فتاح  
حضرت باید روزی یکصد و  
در ساعت اول هر که یکصد و  
بسیار و در مرتبه بگوید یا الطیف  
مال بی نهایت با و کرامت اول  
و در ساعت اول هر که یکصد و  
هر که طصد و سه مرتبه بگوید  
یا قاض از خدا نیانی هر صبر  
که خواهد عطا فرماید چهار  
در ساعت اول هر که یا نضد و  
چهل و یک بار بگوید یا نضد و  
خدا عزت دنیا و آخرت با و کرامت  
فرماید پنجشنبه هر که  
در ساعت اول



# در سر کلمه مبارک العَدَل

(۴۰)

العَدَل یعنی خداوند راستگفتار و راست کردار و داننده هر  
 چیز بر حد و مقدار آنچه را این نامی است که سحره فرعون بپرکت این  
 نام مسلمان شد هر که خواهد که دعوی این اسم کند باید که با خدا بیگنا  
 عدل و احسان پیش گیرد تا حضرت عادل شود همه چه مستحقان باشد  
 و نخواهد که از وی خیر عدل و احسان ظاهر شود و اغنیاء کند که بسو  
 و احکام حال بر او واجب افتاده است هر که ظلم کرد بر سر آورد  
 کبر یا حضرت عادل نگردد پنداشتن من جمیع لوجه اهل تصحیح گویند  
 هر که شب جمعه این اسم را بر پیشانی یک باره نان حلال نویسد  
 بخورد در خضر غریب و از کار نافرمود باز دارد و خالی بود اصغر  
 او گرداند و او را محرم اسرار خود کند بر او در از کجی و قلبی  
 دانا و دایم نماید ظلم از باطن او ببرد و دعوی این اسم کند  
 که بظلم ظالمان و جور جباران گرفتار شد باشد سوی و پیچرز  
 بصدق و شرایط مذکور دید شود که بر این اسم قیام نماید پیش از کلام  
 بعد از ادای نماز شام حضرت عادل است عالم انرا بر از ظالمان  
 مسلمان گرداند و جباران و منافقین و سوزان و اگر بعد از نماز صبح که  
 هنوز سخنزدینا تکلم نکرده بعد تکبیر نه نوبت تکرار کند که سحره  
 صد نوبت است و چو خواهد که تکرار گرداند تا نه نوبت بخورد  
 ششصد شانزده نوبت خواهد که چون در این ایام یا هر روز تمام

بسیصد هشتاد مرتبه بگوید یا  
 رزاق خداوند انقدر رزق و  
 مال باور دهد که حسابش را  
 خداوند روز جمعی در  
 ساعت اول دوپست و پنجاه و  
 شش بار بگوید یا نور در چشم  
 به این عالم شبرین گردد اگر  
 چیزی که کرده باشد در وقت  
 خواب دور گشته نماز کرده است  
 مبارک یا نور را بعد از کور  
 بخواند در خواب باو گویند که  
 برده است روز شنبه  
 هر کس در ساعت اول هزار و  
 نصد مرتبه بگوید یا غنی  
 گردد که جمیع مالداران بر او خد  
 بند و از جمله جبهات است که  
 در آنجا بخت برسد به است  
 قطعه این کلام  
 این کلام است که در وقت  
 و آن بر است که در وقت



# در سرگشته و بیابان لطیف

(۹۱)

نما پدید آید تعالی شکر آن ظالمان را دفع کند جباران را بندگان  
 دنیا گرفتار سازد و قاری بر همه منصوب و منظر این اسرار غیبیه  
 از باطن خود مشاهده کند باید که بعد از ختم هر نگاه که در کند  
 چهار نوبت بگوید یا عادل سبحان الله عود کرد این مربع را یا  
 خود دارد و مربع این است **اللطف** یعنی خداوند سنانند

۲۵	۲۸	۳۳	۱۸	یا	د	ل
۳۲	۱۹	۲۴	۲۹	د	ی	ع
۲۰	۳۵	۲۶	۲۳	ل	ع	یا
۲۷	۲۲	۲۱	۳۴	ع	یا	ل

نیکو بنها و نعمتهای پوشید و پنهان بر بندگانه سائے چنانکه  
 او را علی نباشد ران دور دنیا هیچ کس سزاوارتر اند این نایاب  
 مرغاید آنرا که ملائکه برکت این اسم اعمال مؤمنان را با شما بوند  
 اهل تحقیق گویند هر که خواهد که دعوت این اسم کند باید که  
 دایم بماند تا خدا بیجا با طاعت و نیکوئی و شفقت و نوازش قدا  
 نماید تا از دنیا او را مظهر لطف خود گرداند خضر امام رضا  
 علیه السلام فرموده اند که هر که هر روز هشتاد نوبت این اسم بخواند  
 از هیچ مفسد و ناسر او نگرود و مہمات او کفایت شود شیخ مفید  
 فرموده هر کس که هیچ از استماع این نام سبب باشد در پیش خدایا

در واقعه

طالع کو کب عطار و منظر کرد  
 بران این قطعه را یکبار بران  
 کو کب بخواند آنچه از خداوند بخواهد  
 عطا خواهد شد و هیچ شک  
 این عمل واجب است و هیچ شک  
 اسم الله طال ترقی قها  
 مساء کئی آو ال قافنا  
 انا قاصوف قوی آلمن  
 انا قاصوف الغافضیا نکرما  
 و درک العاوم الغافضیا نکرما  
 و ان تکفی الخطور و الشکر  
 و ان تکفی بامر ملک خالق  
 کله و ان تکفی بامر  
 الارض و السماء فقال  
 کس قطعه را بخواند که از  
 و انبار آید و خداوند  
 رسول الله و خداوند  
 بفرستد بعد از آن خداوند  
 بد در حق ظالمی کند که بر او ظلم کرد  
 البته از نظر امیر دنیا منسوب  
 از بعضی از امیر عالم  
 روا باشد که هر که از شقیات  
 مصلحت مفسد عالم بوده  
 باشد و کار خود



# در سر کلمه مبارکه اللطیف

(۹۳)

دوران فساد باشد از دیار و دستان یا غایبی دارد یا در سفر  
 بختیستند یا شد یا بیماری که از علاج عاجز باشد یا مرادی طرز  
 که نذر بر آن شود است نام همی که کفایت نمیشود این جمله که گفته  
 شد میخواهد که ساخته گردد نذر است که غسل کند با وضو  
 کامل بسازد و در رکعت نماز با خضوع و خشوع کند چون سلام  
 باز دهد همچنان بر روی سجاده با قلب سلیم منوجه قبله صدق  
 بگوید **اللَطِيفُ** باز نیت حاجات و مرادات حاصل گردد  
 و ممان کفایت شود و مقاصد نوعی شود که در صورتها باشد  
 یکی از اکابر در خصوص این اسم فرموده که **فِيهَا اسْرَارٌ عَجَبَةٌ وَعَوَاذٌ**  
**جَلِيلَةٌ فِي الْفَيْضِ فِي اَيِّدِيَانِ جَمِيعٍ مَا يَطْلُبُ فِي الْحَوَائِثِ مِنَ**  
**الْمَكاشِفَاتِ وَالتَّجَلِيَّاتِ وَاثَارِهَا بِرَأْفَةٍ مِنَ الْكَلَامَةِ**  
**الظَّاهِرَةِ وَالبَاطِنَةِ وَحُصُولِ رَبِّهِ الْحَبَّةِ وَذَمِّ الشَّيْءِ**  
**وَإِلَّا لَمْ يَفْضَلِ اللهُ وَرَحْمَتُهُ وَإِنْ شِئْنَا بِوَالْعَبَسِ فَرَمُوهُ**  
 اندر دعوت کبر این اسم صوت تکبیر بنا از این است که هر کس  
 دعوت خواهد کرد اول شرط بجا آورد و شرط دعوت آنست  
 که برنگین عقیق یا بلور یا نقره خالص تکبیر حرف این است  
 نشر کند با طهارت و تعظیم تمام از آن نگاهدارد و در زمان  
 دعوت گاه گاه نظر در آن کند و در آخر مجلس این کلام را از سر

دوران فساد باشد و طبع و جوارح  
 کاروانند و معلوم نیست  
 که اگر آن چه طریقی خواهد شد  
 بعد از نماز عشاء هزار مرتبه  
 بگوید تا بگردیم و بعد از آن  
 هزار بار صلوات بخروشند و  
 مطلب را قصد نماید و در بیشتر  
 بخوابد در خواب و زاد لالیت  
 بر منصف و کند و زاد لالیت  
 خیر دهند و این عمل از جمله  
 است از خواص نصیر الدین  
 طوسی علیه الرحمه منقول است که  
 از برای مطالب عظیمه و دفع عمل  
 اگر این نیت را یکصد مرتبه بخواند  
 بیش حاجت روا شود و هم  
 کفایت شود و بسیار از نزدگان  
 باین نیت مداومت نمودند و مقصود  
 رسیدند یا قاهر العَدُوِّ و یا و الی  
 الی علی از برای دفع  
 و عین



# در شرح کلمه ربنا که اللطیف

(۴۳)

تواضع نعظیم تمام بگوید یا لطیف الطیفی بلطفیک و  
 مدت عونت هفتاد و پنج روز است و اگر تکبیر این اسم بر  
 خاتم مفسر نشود برود پاره کاغذ نویسد یکی را بنویسد کند یکی را  
 در نظر دارد و در شبها روز هفت هزار و سیصد نوبت تکرار کند  
 و در هنگام دعوی در خواب یا بیداری بسوی چیزهای عجیب و غریب  
 بپندد داند و انواع علوم خواص اشیا بر او کشف شود و باید  
 که با اینها التفات نکند که سبب حجاب هر کس در اثری عظیم دارد  
 در اجابت عونت و اکثر اوقات کشف احوال و ظاهر شد خفاها  
 و سر حکمت و مدت و شیخ مغرب گوید که این مرتب الله لطیف  
 بیباده برزق مزینا اسماء را با بنظری بنویسد مکرر او  
 یکی نامصل در نظر دارد و اندک زاده و مکار و فرموده در نجاج  
 نگاه دارد و مرتب بن است در صفا باطن و جلای قلب و تسخیر قلوب  
 و وسعت زرق  
 شد اعداء و ساء  
 دارد و در وقت  
 و دعوی اعظم  
 دارد و بخورد لبوزد و در خلوت لباس ناپنجوشد و در بیشتر اوقات  
 روزه باشد شرایط اسماء مذکور شده در اسم اگر چه نفس خاتم

الله	دعا	برزق	مزینا
لطیف	دعا	برزق	لطیف
الله	دعا	برزق	لطیف
الله	دعا	برزق	لطیف

از روز پنجشنبه تا بار هفتاد و  
 صد و چهل و شش مرتب بگوید حتی  
 الله التبت از آن شصت کتابت شود  
 و عدد و وضع شود و از برای غیر این  
 مطالب هم خواندن خوبست جمعی از  
 بزرگان دین و مشایخ شیعه گفته اند  
 که از برای حصول طهارت و وصول  
 غایب هفتاد و یک مرتبه استغفار را  
 بخوانند که عجایب مشاهده است و اگر  
 گفته اند که تجربه شده است و  
 شب بخواند روز اثرش ظاهر گردد و  
 الحمد لله العزیز الرحیم  
 بالاعکس  
 ما حی یا قیوم یا حلیم یوم لا ینق  
 مال ولا یتون الا من اقی الله  
 تقدیر لیب و از لیب ایستاده  
 لا یتقین عیبها و در کتاب  
 صبح الدعوی وارد است که هر  
 حاجتی بوده باشد هفتاد و بیست و  
 کلمات را بخواند با وضو و قبله  
 بدون تکلم حاجت است  
 یا جمیل



# در شرح کلمه صبا که الحبر

(۴۴)

بروشنچ باید غیر آنکه نمود شد نفس نکند اگر شرح این اسم هر  
اسم بگو که زبا این خواهد که در این نسخه نوشته شد و جویش شرح که پیشین تمام

۳۴	۳۵	۳۱	۲۴	ل	ط	ی	ف
۳۷	۲۵	۳۱	۳۶	ی	ف	ل	ط
۲۶	۴۰	۳۳	۳۰	ف	ی	ط	ل
۳۴	۲۹	۲۷	۳۹	ط	ل	ف	ی

الحبر یعنی خدا اگاه بر نهاییها این نامی است که بنام مثلا  
بیرکت از بی نیاز گشته اند مقبول شده اند و اهل محبت گویند  
هر که خواهد که احصا این اسم کند بدین نحو از قیام نماید اول باید  
که بایندگان خدا بی عاظهار و باطن و پانک گرداند و اندیشه  
بگاز دل بپز کند و با هر کس بر فو خدا را و شفقت و مهر و  
سلوک کند حاضر خیر و را از اسرار طوبی باخبر گرداند و دعوی  
این اسم مناسب کسی است که به بد فعلی گرفتار باشند و خسرا ما  
رضا علیها فرمود اند هر که این اسم را بسا گوید از شر شیطان  
و جور سلطان و بلاهای ناگهان این مانند ما عذ معین کرده اند  
و شیخ بوالعباس فرمود هر که بعد تکبیر خواند تا بسبب بگردد  
از شر نفس و جمله حسون و مکر خصما محفوظ ماند و داناشو  
بر تر نهانی که باشد از خصما پروانند و که در خاطر خرابی باشد

یا علی یا فاطمه یا صاحب  
الزمان در زکون و لا ظلم لکون  
و بعضی گویند از برای هر مطلب  
که خواند شد اثرهای کلی  
نظمو رسید و انصاف در بعضی  
کتاب وارد است که اگر کسی با وضو  
در خانه بنشیند و تا سب  
یکت در میان هر شبی چند  
هزار و چهار صد مرتبه  
مرتبه بگوید یا بایط البسه  
و من حبت لا یحلب له لبن  
از برای او هر سردی و تنگی  
او بوسه و فراخی میدهد ل گردد  
و شخص بزرگتر شود که بارها  
بجز به کردم و از برای دلها  
زوال حسرت نظر و عذبتانند  
خمسای بجهت هر مطلب در  
مدت و ماه تمام هلاله هر روز  
هزار بار صلوات ببرد  
چون مدتی



# در سر کلمه مبارکه الحکم

(۹۵)

و از سر خواص شباه و غمزه واقف شود و عدد تکبیر این اسم و غیره  
چهار صد سی و شش عدد است عدد تکبیر مع صد و موثر  
چهار هزار و هشتصد چهل و دو عدد است و مربع این است

۲۰۲	۲۰۵	۲۱۰	۱۹۵	خ	ب	ی	و
۲۰۶	۱۹۶	۲۰۱	۲۰۶	ی	و	خ	ب
۲۰۰	۲۱۲	۲۰۳	۱۹۷	و	ی	ب	خ
۲۱۱	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۴	ب	خ	و	ی

الحکم یعنی بر دیار و ناخبر کنند و در عقوبت عاصیان است  
که غایب شدن از انعاله قدیم ممکن نباشد تمام مخلوقات در  
قدر و بند غاصب و مجرمان از دست قدرت او نتوانند گریخت  
اهل تحقیق گویند که مرتبه مرکب شدن اطبعا بر مخلوقات  
و اقامت عالم برکت این نام است اهل طریقت گویند هر که خواهد  
که احصا این اسم کند اول باید که بیدر حلم آتش خشم خود فرو  
نشاند هر چند خلقی طریق ادب غایب نکنند و تجمل و بویبار را  
شمار خود سازد تا اگر کسی بزیاد از او بر او شفقت و رحمت  
نماید و هر نیکد غضب نمند و گوید با وجود کمال توانائی و  
قدرت بر غضب خشمش بر بندگان نافرمان خود حلم میورد  
و روزی خواهد پدید آید هر چند گناه و بیادبی میکنند او پروردگار

تمام شود مطلب هم بر آورد  
خواهد شد انشاء الله تعالی  
ندارد بعضی از مشایخ  
شعبه و بزرگان درین کلمه اند  
که از برای عزت و حرمت طلبند  
و تقرب نزد سلاطین و بزرگان  
در بیان مجلس هنر و هوشنا درین  
میخوانند که مراد حاصل کرد و هر  
با بیعت میخوانند تا بیایند  
بود و صفات و عدل یکصد هشتاد  
با و نیز وارد است این است  
و الحکم آیه واحد لا اله الا  
هو الرحمن الرحیم و گفته اند که  
و گفت که هر دو اسد باشد این  
و نیز از برای انگیزنده نفس است  
و با خود دارد احکام بر او غالب شود  
و از کسب با و ازین نرسد از نفس  
بعضی از علماء فرموده اند که در این  
اگر هفت خا صفت است عزت و رفت  
و در وقت خواجه و هفت و هفت  
و قدر و اقدار و این



# در شرح کلمه مبنا که در جمله

(۹۴)

بر ایشان پیوسته در افشای پراشبار ضرب میکنند تعالی نشا  
 مشرانا نام رضا علیهم السلام فرموده اند هر که برای شریک شدن از غضب  
 پادشاه صبر کند و بگوید الحکیم خیر سلطان جمله مبدل گردد  
 اگر در وقت نیاز در کشت و جفت برکت را عین این اسم در کلمات بنویسد  
 و بر آن ایستد بدایت بر زمین که رسد برکت آن زیاد شود و از حال  
 قطع و برین خود را گردانان فرزند از افشای عالم طاعت و عودت بر اسم مبارک  
 مشایب است این باشد که خوف از ظالمی نباشند با جو سبباری بر این اسم  
 بسیار خوانند دفع سوازی و گناه انظار و اگر بداد و منافع بداید در هر حال  
 هشتم است نوشتن این کلمه از خود بد کرده و بخورد و پاک گردد از  
 افعال بد و آدمی را به عقوبت نیاز خود بنیست و شیخ مغرب فرمود  
 هر که بر این اسم یا فاتحه الکتاب یا زد و نوشت هم الحکیم فوجند بر مهابت  
 بداد خدا بیجا او را شفا دهد این را بزرگان از مؤه اند و اگر کسی را  
 مفسر کرد که نود و نه روز بعد از کسب بخواند شرایط مذکور را بر او عمل  
 که اگر حیاران عالم بر او جو و ظلم کنند و از صبر کنند ببرد بادی  
 و در دوزخ و جلم او بمرتب شود و سد که سلاطین عصر سر بر خط فرمان  
 او خط و جن و انس مستغیر و گردند و اگر تقوی را در حاکمیت  
 کند بمرتب بسیار بخت رسد و صفای باطن و جلالت  
 قلب و علم و خواص اشياء او را صبر کرد و بدست

این کلمه  
 در وقت  
 نیاز  
 خواند  
 و بر  
 آن  
 ایستد  
 بدایت  
 بر  
 زمین  
 که  
 رسد  
 برکت  
 آن  
 زیاد  
 شود  
 و از  
 حال  
 قطع  
 و بر  
 این  
 خود  
 را  
 گردانان  
 فرزند  
 از  
 افشای  
 عالم  
 طاعت  
 و عودت  
 بر  
 اسم  
 مبارک  
 مشایب  
 است  
 این  
 باشد  
 که  
 خوف  
 از  
 ظالمی  
 نباشند  
 با  
 جو  
 سبباری  
 بر  
 این  
 اسم  
 بسیار  
 خوانند  
 دفع  
 سوازی  
 و گناه  
 انظار  
 و اگر  
 بداد  
 و منافع  
 بداید  
 در  
 هر  
 حال  
 هشتم  
 است  
 نوشتن  
 این  
 کلمه  
 از  
 خود  
 بد  
 کرده  
 و بخورد  
 و پاک  
 گردد  
 از  
 افعال  
 بد  
 و آدمی  
 را  
 به  
 عقوبت  
 نیاز  
 خود  
 بنیست  
 و شیخ  
 مغرب  
 فرمود  
 هر  
 که  
 بر  
 این  
 اسم  
 یا  
 فاتحه  
 الکتاب  
 یا  
 زد  
 و  
 نوشت  
 هم  
 الحکیم  
 فوجند  
 بر  
 مهابت  
 بداد  
 خدا  
 بیجا  
 او  
 را  
 شفا  
 دهد  
 این  
 را  
 بزرگان  
 از  
 مؤه  
 اند  
 و اگر  
 کسی  
 را  
 مفسر  
 کرد  
 که  
 نود  
 و  
 نه  
 روز  
 بعد  
 از  
 کسب  
 بخواند  
 شرایط  
 مذکور  
 را  
 بر  
 او  
 عمل  
 که  
 اگر  
 حیاران  
 عالم  
 بر  
 او  
 جو  
 و  
 ظلم  
 کنند  
 و  
 از  
 صبر  
 کنند  
 ببرد  
 بادی  
 و در  
 دوزخ  
 و  
 جلم  
 او  
 بمرتب  
 شود  
 و  
 سد  
 که  
 سلاطین  
 عصر  
 سر  
 بر  
 خط  
 فرمان  
 او  
 خط  
 و  
 جن  
 و  
 انس  
 مستغیر  
 و  
 گردند  
 و  
 اگر  
 تقوی  
 را  
 در  
 حاکمیت  
 کند  
 بمرتب  
 بسیار  
 بخت  
 رسد  
 و  
 صفای  
 باطن  
 و  
 جلالت  
 قلب  
 و  
 علم  
 و  
 خواص  
 اشياء  
 او  
 را  
 صبر  
 کرد  
 و  
 بدست











# در شرح کاتبی مبارک العظیم (۶۹)

دارد و اگر این مربع دیگر یا خود دارد که عدد این از تکبیر مکرر خاصه  
 سید العلماء است بهند بطریق و فوق که مذکور شد طرح کنند  
 کسر بنهند عدد لوح فصد است ربع او و بیست هفت و کسر دو  
 و این مرتباً با خود دارد هر روز با زده عدد تکبیر بخواند شیخ مغرب  
 قرطاب که هر که این حق کند و این مرتباً با خود دارد چهل روز  
 روزی زمین بپاید و اسکنند که سلطنت بر او در اوام کرد اخو حی  
 او نازل شد از بوکت عظیم و تکریم این اسم بود حکماء و حکماء  
 شریک کرده بودند و در آن از عجایب و غرائب عامل و قاری خود  
 بدجا علی برسانند بعد از این یام هر روز یک عدد تکبیر بخوانند  
 مدام در آن عظمت بنانند در عظیم امور حضرت عظیم تقصیر نکنند پس  
 لازم بود و ایات عدد تکبیر و عدد تکبیر و هزار و بیست است  
 و بازده عدد تکبیر هزار و صد بیست و هشت عدد تکبیر مع صد  
 هفت و شصت و دوازده است مجموع هفت هزار و سیصد و چهل  
 العفو و بقره مرند جرم جناب پنا از معاصی این نامی است  
 که طاعت مطیعان و توبه غاصب بیکت این نام قبول است و اهل  
 محقق گویند هر که خواهد که حصا این اسم باشد که گناه جمله خلا  
 بیوشد هر چه از ایشان صادر شود عفو کند تا حضرت عزت عفو کند گناه  
 وی و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که هر چه بنامانند

وَالْأَرْضِ نَافِعَاتُ الشَّجَرَاتِ  
 رَوَى عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 أَنَّهُ مِنْ مَنَاقِبِ هَذَا الدُّنْيَا فِي كُلِّ  
 يَوْمٍ مَائَةٌ مِثْقَالُهَا مِنْ الْمَالِ وَكَسْرُهَا  
 وَزَقَّ اللَّهُ كُنْزًا مِنْ الْمَالِ أَرْبَعِ مِائَةٍ  
 مِنَ الْعَامِ وَفِي قَوْلِ الْخَارِجِيِّ  
 مَنْ أَنْتَفِضَ اللَّهُ الَّذِي فِيهِ  
 مِنَ الْقَوْمِ بِدِينِ الْكَلْبِ  
 وَالْأَرْضِ مِنْ جَمِيعِ ظُلَمِ الْأَرْضِ  
 عَلَى تَقْوَى وَأَتَى الْبَيْتَ الْكَلْبِ  
 وَكَانَ مِنْ كَلْبِهَا  
 وَكَانَ مِنْ كَلْبِهَا  
 هَذَا مِنْ مَنَاقِبِ هَذَا الدُّنْيَا  
 فِي كُلِّ يَوْمٍ مَائَةٌ مِثْقَالُهَا  
 مِنَ الْمَالِ وَكَسْرُهَا  
 وَزَقَّ اللَّهُ كُنْزًا مِنْ الْمَالِ  
 أَرْبَعِ مِائَةٍ مِنَ الْعَامِ  
 وَفِي قَوْلِ الْخَارِجِيِّ  
 مَنْ أَنْتَفِضَ اللَّهُ الَّذِي فِيهِ  
 مِنَ الْقَوْمِ بِدِينِ الْكَلْبِ



# در سر کسب رزق الخفق

(۲۰)

از خطبه و پنجاه اشین او و کلی هزار و پست بود نه نوبت  
 شما خوانند در چا اندازد و یکی از اکابر فرموده که از جهت و در  
 سر وجهه بیارینها که از علاج این عاجز باشند بر سر پاره کا خذند  
 و بر هر پاره سیار یا غفور بخوانند و بر بردار از امر خیر بماند و  
 مبتدی شود و اگر دل تنگی یا غمزه این عمل کند فرج یابد و اگر سرد  
 شود و هر که بدین اسم مداومت نماید و حال ندوه او بشادی مبتدی  
 گردد و این مرتب را یا خود نگاه دارد که بسیار نیک است

۳۲۱	۳۲۲	۳۲۳	۳۲۴	ر	و	ف	ع
۳۲۵	۳۲۶	۳۲۷	۳۲۸	ف	ع	ر	و
۳۲۹	۳۳۰	۳۳۱	۳۳۲	ع	ر	و	ف
۳۳۳	۳۳۴	۳۳۵	۳۳۶	و	ف	ع	ر

الشکوه یغیبه هنده کرام بسیار باندک طاعتی و مختصر خدای  
 این نامی است که پیش از خلقت ارواح بیان صد هزار سال از انان  
 عا و تا بیک این اسم می جو شد است اهل تحقیق گویند که  
 خواهد که احصا این اسم کند باید که رزاق مخلوقات ترا و غایب  
 داند و بیچو جز که مال و غیره نداند و محکم فرماید داند  
 حکوم سفر از حضرت حق کرد تا خداوند شکور و قایم و غیره

در این کتاب که در دعا و دعا می بخشد  
 شده است اینها هم که در دعا می بخشد  
 شام و سخن هزار در سخن بار  
 بگوید یا غنی صاحب شکر  
 نون گوید و در این مورد  
 ادعای تجرب شده است  
 روایت است که هر که در نفس  
 شب بخیزد و سر برهنه کند و بگوید  
 یا لا اله الا الله و الله اعلم  
 بگوید یا و هاب خدای و هاب  
 و قادر و سبب الاسباب او را  
 البته تو انگر که اندو بعضی از  
 علماء فرموده اند که اگر کسی  
 معنی بار بیهوش طریق مذکور بخواند  
 در ثواب آنوی خواهد بود و بعضی  
 شکر کرده اند که این عمل در روز  
 آسمان بیاید که او را  
 که هر که با نداد قبل از نماز صبح  
 در چهار روز و هر خانه شود



# در شرح کلمه مبارکه اشکو

(۷۱)

اعلی اگر طاعت حضرت امام رضا علیه السلام فرماید که هر که در حق  
 تم و کدورت را نخواهد چهل و یک نوبت بخواند و برآید مدد باشد  
 غمهای او دفع گردد و بزرگان گویند هر که نام معین است باشد  
 و روزگار بد شوری کند و نماند باید که بد کرد این اسم مداومت نماید  
 نام معین است و گشاده گردد اگر کسی چهار روز هر روز صد مرتبه بخواند  
 از هزار نوبت بخواند خصمهای باطن او را از غل و غش و غفلت باز  
 دارد و اگر کسی در چشم پاره گشته باشد این اسم را چهل یک نوبت  
 برآید که خونند و چشم را از آن چسبند نوبت بشوید شفا یابد  
 این مرتبه که در طاسهاست با خود آورد که خواص بسیار بیند  
**العلی** یعنی بزرگوار است که منزله است و شرکت و شید این نامی است که  
 اینست و اولیاء و ملئکه از عظمت این اسم در لرزه اندا اهل نجس گویند  
 که هر که خواهد احصا این اسم کند باید که حضرت او را بزرگ داند و  
 خود را خوار و خسته و ذلیل تراز جمله مخلوقات ناخست اعلی او را  
 نماید چنانکه فرماید بزرگ حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که  
 این نام را بسپا گوید بدان مداومت نماید و شرب بلبلند کرد و اگر غم  
 بخواند این اسم مداومت نماید با آب و بوطن خویش باز گردد و یکی از  
 اکابر فرموده هر که بنویسد این اسم را با هر طریق (طریق نهر) و با خود  
 دارد و بعد کبیر و سازد و بکشد در روز بخواند اگر خوار بود غم

ده بار بگوید انور انور و اینست  
 از دست راست کشد و چنانچه  
 قبله رود از مغز و فاقه مغز از  
 می یابد **ایضا** هرگاه در عین  
 اول هر روز صد مرتبه خواند  
 بگوید یا انور انور  
 او سستی کرد و مجرب است  
 مریوق گردد و مجرب است  
 کبیر حاجت باشد هر روز صد مرتبه  
 کبیر یا معنی التائب التائب  
 بار بگوید یا معنی التائب التائب  
 مفصود حاصل و حاجت  
 روا شود

ش	ک	و	ر
و	ر	ش	ک
ر	و	ک	ش
ک	ش	ر	و
۱۲۳	۱۳۷	۱۲۴	۱۳۶
۱۲۵	۱۳۰	۱۲۵	۱۳۶
۱۲۹	۱۳۲	۱۳۹	۱۲۶
۱۳۸	۱۲۷	۱۲۸	۱۳۳



# در بیان کلیت مبارکات اعلیٰ

گرد و اگر در مرتبه دینی بود عالی گردد و اگر غریب دیوین بود

دو دو برود

قوی و مظفر

کرد و او را

میان خلوت

صفت تمام

بود و تقویت

مملوک و مستلا

نابد و خواص

## العلیٰ العلیٰ العلیٰ العلیٰ العلیٰ

علیٰ	علیٰ	علیٰ	علیٰ	علیٰ
۱۲۵۷	۱۲۶۱	۱۲۶۸	۱۲۷۲	۱۲۷۳
۱۲۶۴	۱۲۵۸	۱۲۵۳	۱۲۵۰	۱۲۵۰
۱۲۵۲	۱۲۶۶	۱۲۶۳	۱۲۵۹	۱۲۵۹
۱۲۶۷	۱۲۵۵	۱۲۵۶	۱۲۶۲	۱۲۶۲

علیٰ علیٰ علیٰ علیٰ علیٰ

علیٰ علیٰ علیٰ علیٰ علیٰ

علیٰ علیٰ علیٰ علیٰ علیٰ

بسیار دارد اما در وقت نوشتن باید که افاضت در برچ باشد  
 تا نوزده درجه حمل و قمر باشد ناظر بود و از محسن و در باشد  
 و احتراق هیچ کویک نباشد در چند کتابت این لوح حساب او  
 بخور لیخود و در جانی شریف خلوت پاک و نهانی جایز دارد و با  
 حضور دل نویسی اگر بانه روز هزار و سیصد و نسی و غیره  
 از هزار بگویم با مردم کم اخلاط کنند در خلوت بخور لیخود و نما  
 بجاعت گذارد خلوت و در اگر تواند در این ایام هر دو غسل کند  
 جامه پاک پوشد چون از نمازها بیخاکه فارغ شود بخواند  
 آیه الکرسی تمام نماید با خبر گردد باطن او از علم لذت و علوم غیبی

دو بار بگوید اگر قرآن را با  
 از دست راست کند و با چپین  
 دوه از فقر و غافه خلاصی نماید  
 اینضامه که در سناعت اول  
 از هر روز سیصد و هشتاد دفعه  
 بگوید یاوزان ایستاده  
 او سیم کرد و در هر روز  
 طلب مرزوق گردد و عورت  
**هرگاه** که را حاجتی باشد  
 هر روز شصت بار بگوید یا  
 معنی الشاکلین ایستاده  
 مقصودش حاصل شود و اگر  
 در نصف شب بگویند کند  
 دست بدعا بردارد تا شب متصل  
 این اسم را سیصد و نوزده مرتبه  
 بگوید ایستاده مطلب او روا  
 حاجت او بر آورده خواهد شد  
**هرگاه** که را مطلبی باشد  
 عظیم بعد از نماز صبح قبل از  
 شستن نماز یا عینده تمام این  
 دعا را صد بار باز  
 بار



# در شرح کلمه مبارکه العجل

(۷۳)

و عجايب و غرايب ناله و خواص اشياء و اطاعت سلاطين و اعدا و  
 شود و دوستي خلافت چنانکه هر کس او را بنده کرد و بگردد شهن بود  
 مطيع و کرد و هر که نام او شنود محبت او کرد و محبوب مخلوقات شود  
 و همچو کس از اطاعت او ببرد و در او در امور دنیا حاکم خلافت شود  
 و بجز آن فرقه توجه کند اسلام آورد و از هر عفو ضعيف و اقوي  
 گرداند اما بايد که بعد از دعوت هر دو صده نوبت بگويد که عد  
 نام است و اگر خواهد ناده خواند بايد که در شب بار و در بعد کس  
 حرف و لغو است اسم بگردد و بکصد هشتاد و يك نوبت است مع  
 و موخر بخواند اين بعد نيز تمام دارد و در نوحه شايه او رده که هر که از  
 از دنا و دولت بخواند بگري صدمه نازد نوبت بخواند و طلب چاه و در  
 کند بنا بدانه مقصود او است **الکبير** يعنى خدا بزرگ و پاکست

۲۵۸	۲۶۱	۲۶۲	۲۵۰		ال	ع	ل	ی
۲۶۳	۲۵۱	۲۵۷	۲۵۹	۲۶۲	ل	ی	ال	ع
۲۵۲	۲۶۶	۲۵۹	۲۵۶		ی	ل	ع	ال
۲۶۰	۲۵۵	۲۵۳	۲۶۵		ع	ال	ی	ل

ذات او از صوت و خیال و مشبه مثال شیخ جلال الدین فرموده  
 که روزگار از شیخ بزرگ سوال کردم چو لنت که شرح بر اسم نوشند  
 فشد است شیخ فرمود نامی است که از هفت این نام اسمانها و در  
 و غلب بر

بخواند اگر مقصود حاصل شود  
 ماست و در همین دست و در عا کس  
 البته مقصود حاصل است و چون  
 دعا تمام شود بیکبار و بگوید  
 یا ذوالجلال و الاکرام و ده  
 نوبت بخواند بفرستند و چهل  
 بگردد و بیک نفس بگوید یا الله  
 و علماء گفتند ز نهار ز نهار  
 این دعا را از انبیا اهلان نیا موزند  
 که از مخبرات است و باید در کلام  
 و آنچه طلبت ما مطلب است و شاطر  
 بگذراند و اگر در خواندن بخواند  
 معانگ کند بخوبی طلب بخواند  
 بهتر است و در اکثر اوقات بخواند  
 بخوبی برسد است و دعای مذکور  
 یا من لکن فی السموات است که در  
 باب پنجم مذکور خواهد شد عجیب  
 عجایب و شایگان  
 و غلب بر



# در سر کلمه میا که الکبیر

(۲۴)

و عرش و کرسی طشت و دوزخ و قلم نیرمانی ثابت اند  
 هر که خواهد که دعوی این اسم اعظم کند باید که خضر کبیر را  
 بزرگ خواند و بزرگ داند و هیچ کس را در نگاه آنحضرت عظیم  
 و بزرگ نداند که اندیا و اولیا و اقطاب بر او استناد او بزرگین  
 نهاده و او را بزرگ داشته اند تا بدان مقام رسیدند پس هر که  
 طالب جاه و بزرگی کند در عالم صورت و سپرد روزی هفت هزار مرتبه  
 بخواند و در شرف یابد اما باید که یان فرقی نشود در طلب جاه  
 و ترسانا عالم باشد تا زیانکار نگردد و یکی از بزرگان فرموده  
 هر که صد بیت و زود دعوی این اسم کند بشرایطی که در اسم الرحیم  
 گفته شد و شبانه روز هزار و چهل صد شصت و شش مرتبه  
 بخواند یا خصوص دل و خلوت اصل و در بعضی آخر خلوت نشیند  
 بی ضرورت بیرون نیاید ترک حیوانات کند حلال خود اشک  
 گردد بر او ارواح انبیاء و اولیاء و مسلمین و ملانکه و با او  
 گیرند و بیشتر در شب او باشند اسرار عالم ارواح و ملکوت  
 عجایب عالم کبیر یا او بگویند مستحق صاحب عوف گردد قلوب  
 اکابر و قضاة و امراء و وزراء و ملوک و سلاطین و رعایا و  
 خلایق طالبی بدار و صحبت او گردند و او را بود بزرگی در عالم  
 صورت و معنی در اربعین باید که شب و روز از تکرار غافل نشود

بعد از فریضه صبح قبل از طلوع  
 افتاب بعد از خود تا چهل روز  
 بخواند بحرب امن مجرب  
 المضطر از آذغاه و بگشاید  
 النسوة ایضا منقول است که  
 هر که بین این پنج روز بخورد و به عبیر  
 بخورد کند و هزار و یک بار این  
 ایام را بخواند ان شاء الله هو الرزق  
 ذوا القوة المبین ان شاء الله  
 یا زحوظ عمل کند البته مقصود  
 عمل بد خصوصاً اگر مسکن  
 روز و تحصیل مال حلال باشد  
 از هفت گشتا کبیر روز در  
 نصف شهر از شب بگوید  
 سبحان الملك الحق القیوم  
 الذی لا یموت بسیار نافع است  
 از هفت هزار بار در شرف  
 از شش هزار بار بگوید القاضی  
 البتة

دکتر



# در سر کلمه مبارک الکبیر

(۷۵)

و کثیر از هفتاد هزار بار بخواند و اگر زیاده خواند یا کم نیست  
و بسیار در خائمی از نفهم خالص در ساعت سعد و نظرات خوب  
چون شایسته است شکر و شرف ستند و نقش کند هر وقت اسم را بر  
از خاتم یا بن طریقاً ما باید که چون خاتم تمام شود روز یکشنبه یا

۵۷	۶۱	۶۴		۵۰	ر	ی	ب	ک
۶۳	۵۱	۹۶	۶۲		ب	ک	ر	ی
۵۲	۶۶	۵۹	۵۵		ک	ب	ی	ر
۶۰	۵۴	۵۳	۶۵		ی	ر	ک	ب

دو شنبه یا پنجشنبه پیش از صبح غسل کند راب و آن یاد در خانه  
خلوت و شکر و وضو بگذارد و استغفار گوید در وقت فرستادن نگاه  
خاتم در آننگ کند چنانچه دعوت کند با بد اول با تعظیم و حضور  
دل بگوید یا کبیر یا کبیر و در هر دعوت و نقش خاتم نظر کند  
مغز ستم ردل میکند زانند در آخر هر مجلس بگوید یا کبیر کبیر  
و چند نوبت در وقت در اول و آخر هر دعا در وقت فرستادن سبب  
اجابت غایت در دعوت کبیر شرح بن اسم نوشته اند و عمل نموده اند  
و بعضی از بزرگان فرموده اند که در آن سه روزه هر شب آن روز  
بعد اول خواندن بود اجابت است و عداوت هفتاد است ...  
الحقیقاً یعنی نگاه دارند هر چه از اضعاف او بتوانی نالی است

از یوم افضا حوایج دنیوی و  
آخر وقت و غفران ذنوب و حصول  
مقاصد عالی بنخواندن دعا عادت  
محبوبت بیدار عصر و زجمع طریقت  
مشروع که بخواند با اجابت مقبول است  
و اصل دعا با شرح از در مقبول است  
مغزی که معتبره مستور است و هم  
بسیار مبارک و مبرور است و هم  
خبر است خواندن دعا که آن نیز  
آخر روز جمعده نوبت حوایج  
از برای قضاء حاجت با چهل روز  
دفع دشمن تجلیت است و مجتهد  
جمعده از تقیبت است و نماز طهارت  
گنا این دعا در میان نماز است  
و عصر روز جمعده بعد اسم خواندن  
تجربه حاصل شود و در روز  
توسعه روز در روز  
در شنبه



# در سه کلمه مبارکه الحفظ

(۷۹)

که نوح پیغمبر علیه السلام زیورکت این نام از طوفان نجات یافت  
 هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید که دل و چشم و زبان و  
 خود را از جمله مناهج و خطا نگاه دارد تا حضرت حفیظ او را از  
 بلایا محفوظ دارد و شیخ مغرب گوید هر که خواهد از شر فرشتگان  
 در آب سوختن در آتش و سردی و یوان و دیگر حرام این یور این اسم را  
 بنویسد نموند نساد و بر یاز و بند از نکبات این بود حضرت امام  
 رضا علیه السلام فرموده اند هر که بعد از این اسم که غصه نمود و غم  
 مگر در روز جمعه بعد از نماز بنویسد بخط ناریک و طویا کند  
 بر یاز و بند از وسوسه شیطان و خوف سلطان دیدیم سبب و طار  
 و غم و خبال از افسان و مانع است از غم بوده باشد شیخ فرموده

۲۴۸	۲۵۷	۲۶۶		۲۲۷	ح	ف	ی	ظ
۲۶۳	۲۳۰	۲۴۵	۲۶۰		ی	ظ	ح	ف
۲۳۳	۲۷۲	۲۵۱	۲۴۲		ظ	ی	ف	ح
۲۵۴	۲۳۹	۲۳۶	۲۶۹		ف	ح	ظ	ی

اگر کسی باین که نموده شد نشر کند بر لوح نقره و یا خود دارد  
 که از شر تمام مخلوقات و حرکات مفاضا و مرض و دیور و جمیع امراض  
 آخر الزمان و عجم ایضا نیکبند دارد و اگر نقره مکتوب شود روز سه شنبه  
 بر کاغذ نویسد هر خواص هدا اگر این نوشته را در مال نهادند بر این

وقت طاری آفتاب شهنواز و شصت  
 بار بگوید یا قیوم از نموده است  
 ختم چهار ضرب اگر چه بکینند  
 از طشت وجه در کتب نقل شده  
 لکن در دست و جان بهتر نیز وجود است  
 که در این ساله بر او میسر است  
 قیامت که عمل اعصاب جمیع علما  
 است و از این است که در روز شنبه در  
 زیور اسمان هفتاد و یکبار از نزدیک  
 بپسندید و سی و هفت دان از این است  
 و سی و هفت دان از این است  
 دست از این است که در دست  
 چینی بطرف چینی گذارد و بعد در دست  
 نماز ساجد گذارد و بعد در دست  
 طرف راسته مرتبه صلوات بنویسد  
 مگر در این آخری که بر او صلوات بنویسد  
 نبردند که مجموع بیست و شش بار  
 شود و بعد در یکجا و طرف چپ را  
 بر هر یک ده مرتبه  
 چهار مرتبه



# در سر کلمه مبارکه الحفظ (۷۷)

گردند اگر اهل کشته بخوانند در این اسم قیام نماید سالها دریا جل  
رسند از امواج و جانوران بلبه دریا این یونند و دیگر فرموده اند  
هر که نفس کند این اسم را بتکبیر بر عقین یا باورد یا نفم و لوح زنا  
با بنط بقره نموده پیشو که لوح زینج خرو ملک خرو از طلا باشد و

<p>نفاش ناظران باشد یا صمد دستودرد و جمیع مخلوق مشوره قبله یار زد و شنبه عا شعبد و قرناظ لبسو و این نا حفظ الحفظ درده سطر میرا سر وزمام را نتوسید سطر دانش کند هر دو در چن نفس کردن اگر باشند هیچ سخن نگویند چون مشتر کرد صاحب عود معطر خسته ان لوح را نگاهدار در روز شنبه</p>	<p>ی ح ف ی ا ح ف ط ن ی ی ی ن ا ط ح ف ف ح ی ا ط ط ی ای ی ن ح ا ف ط ف ح ح ط ف ی ط ا ف ی ای ح ن ن ح ح ط ای ف ای ی ط ا ان ف ح ط ا ح ی ی ای ف ف ان ی ف ی ح ط ا ی ح ح ف ی ا ط ا ن ح ی ی ن ف ح ی ف ی ح ا ن ط ا ا ف ط ح ط ی ن ف ای ح ی</p>
--	--

یا بکشید با جمعه سحر گاه در آب و از غسل کند یاد در خلوت و بخواند  
و در خلوت و در کت نماز بگذارد و بعد از آن بعد تکبیر بگوید  
و لوح در پیش سجاده نهاده و در نظر کند اگر مجموع عدد تکبیر  
در مرتب نهاده نگین خاتم از عقیق یا باورد یا بنط بر بنویسد (ظهور)

بخواند مکرراتی که بر او شنیده  
منه بخواند بنحو صلوات و بعد  
از آن سید عابد داشته مطاب  
از خدا بخواند پس از آن در کلمات  
اول را در آب روان نماند و در کلمات  
دوم را در دریا نماند و در کلمات  
و در آن نماز که تخلف نماند و در کلمات  
چهارم باشد و چهارم در کلمات  
روز شنبه یا چهارشنبه سبب  
سخت نشی است و در کلمات  
کتاب و طبابت بود و در کلمات  
یکشنبه چهار ضربت بخواند تا تمام  
شود و بعد در گودال بریزد و آن  
گودال را بنیان کند و بر روی آن  
بول نماید برود بشرط آنکه گودال  
قدم یا سه قدم چهاراب مانده کنند  
شود و این طریقه شنبه بخواند  
است و چهار صد و بیست و پنج در یک  
روز بخواند در میان قبر  
کشته گویا  
بکند



# در شرح کلمه صبا که الحفظ

(۷۸)

و خاتم در انگشت کند بهتر است و در وقت غروب روح خانة نظر

کند و اوست تکرار میکنند

یا حیض و الحفظ نیت	۵۱۳۸	۵۱۵۰	۵۱۴۹	۵۱۴۳
است و در آخر محلی میگوید	۵۱۴۸	۵۱۴۴	۵۱۳۷	۵۱۵۱
یا حیض الحفظی اگر	۵۱۴۱	۵۱۴۷	۵۱۵۲	۵۱۴۰
مبستر شود بر این مداومت	۵۱۳۵	۵۱۳۹		۵۱۴۶

هشناد و شش روز است که بعد تکبیر بخواند و اگر بعد از آن کم کند  
 شاید مائزک بنیاد کرد و آن کسر که این دعوت بجای آورد از جهات  
 افات و بلبان شر و دشمنان و حاسدان و مکاران و قهر سلطان  
 و کید مان و سحر ساحران و بیماریها گران و شر شیطان و افات اخر  
 الزمان محفوظ باشد پیوسته در کف عنایت و حرز حجاب خصمها  
 باشد باطن او را بود جمعیت و سلامتی از سوس و خبال افات  
 و باید که خود را از بکار پرنگاه دارد که اسم عظم است و شریف  
 جل جلاله حافظ و ناظر او است قایم باشد که خاطر از اندیشه  
 دارد و این و حق میشود که اگر وضو نداشته باشد وضو کند و اگر  
 مبر نشویند و در وقت جنابت و وضو حاجت شریف لوح از  
 خود و در کند و غیر دارد نامقا صلا بکله و برود مبر کرد و در آن

رو قبلا بطریق دیگر مریه چهار  
 فیه را بنویسند و در کوه ال اندازد و  
 بر روزان بریزد و برود و اگر دفعه  
 بمطین سرد و شبانه دو م و سوم  
 عمل نماید که مطین سد بخت  
**هلاک دشمن** و ستمکاران روز  
 چهارشنبه قتلوع افتاب چهل  
 یک دفعه قادی که مذکور میشود  
 یک شانه اوید مداومت یا هلاک شود  
 یا ذلیل گردد و مکرر بخیر شد است  
 بفضل بی تو الله الرحمن الرحیم  
 بی تو الله الرحمن الرحیم  
 اغثنی فاد علیا مظهر العجاوب  
 فله عونا لک فی التوائب کل  
 هم و هم سبیلی و لا ینک یا علی  
 یا علی یا علی از برای قضاء  
 حاجات ابتداء از روز  
 چهارشنبه



# در سر کلمه مبارکه المعیت

(۷۹)

مدام بنامد و نزد بعضی تکبیر الحفظ مشهور است و بکصد هفتاد  
 چهار عدالت است مع صد و موخره دوازده هزار و سیصد و چهل و  
 هفت عدالت است عدد تکبیر یا حیف شش هزار و پانصد و چهار عدالت  
 است مع صد و موخره هزار و یکصد و چهل و نه عدالت است عدد  
 تکبیر حیف و هزار و هفتصد و نود و چهار عدالت است مع صد و موخر  
 پنجاه و نه صد هشتاد و هشت عدالت است عدد اصل حیف  
 نود و هشت عدالت المعیت یعنی خدای توانا بر نگاه داشتن  
 هر چیزی هر کاری بقدر و مقدار آن این فاجحه است که پروردگار  
 افریدگان بیک نام است اصل تحقیق گویند هر که خواهد مصداق  
 این اسم کتباید که خود را بر آن دارد که دائم اوقات خود را صرف  
 بندگانه خدا بنماید کند دائم خواهی او باشد که افتاده را دست  
 گیرد و فروماند را خاطر جوئی کند یا صیغتها فرود تو کند و شفقت  
 و رحمت از دست دشمن دریغ ندارد تا حاضرش عزت نفس او را  
 مطیع و گرداند و قوتی کرامت کند که تواند با از دها هفت ستر  
 طیار وجه مجادله کرده او را مستحرا گرداند و حضرت امام رضا  
 فرموده اند هر که این اسم را هفت نوبت بر آید و آن را با باران بخواند  
 و طفل بد خویش خود خوشخوی گردد و خوشتر از هر چه شود که هر چه بخواند  
 نام گیرد دیگر فرموده اند هر که خواهد نفس خود را بعد از تشنگی

بسم الله الرحمن الرحیم  
 یا مفتح یا مقلب القلوب یا غنی یا قنی یا ذا الجلال  
 و الاکرام یا ارحم الراحمین یا مالک یوم  
 الدین یا ایاک نعبد و ایاک نستعین  
 و باید در اثنای خواندن  
 حرف نزنند و اگر حاجت روان شود  
 میشد و بگوید بخواند که فیض الهی در  
 میشود و این کلمات خط مبرور است  
 علیه الرحمه نقل شده بود از ابو  
 هرطی و در شیعه بسیار است  
 میشد بخواند که بحیرت باشد  
 الرحمن الرحیم یا مدبر الهمم یا  
 یا مسکن الهمم یا صاحب  
 قدر یا ارحم الراحمین یا ارحم  
 بر خیمتک یا ارحم الراحمین یا ارحم  
 من کان عدو لایفک علی  
 و قد فلیعل

در کتب



# در شرح کلمه مبارک المصیبت

و کسب که معنی گرداند و هر آن قادر نباشد با دروزه و سلاوک  
 طاقت ندارد با در سال محظ بطعام اندک صبر ننواید کردن با خدا  
 شیرینا ز کرده بویا در غریب جغای کوفتار گشته یادربا بانی یاز  
 بی طعام مانند این نام راهفتاد و هفت نوبت کوزه طی با اعتقاد  
 تمام بخورد و یاد در دوزن کوزه مدو پراکت از ان ایستاد  
 جمله علمهای مذکور را مقید بود و در بیابان و در کعبه پندار  
 او را صبر کرامت فرماید تشنگی ببرد و اگر بعد تکبیر قبول شیخ  
 که دو و از هزار یکصد بود عدد است مع صد و موخر بر خاک  
 پاک خواند اینر تعالی نگاهدارد هر قلب الصبر که او در جن  
 جوع و عطش قدر از ان خاک بلب ترکند و بگویند او را اسل  
 تمام حاصل کرد و غریب قاری این نام زود بوطن باز رسد  
 کام و توانگر اما مرتجع با خود دارد

۱۳۷	۱۴	۱۴۳		۱۳۰	م	ق	ی	ث
۱۴۲	۱۳۱	۱۳۶	۱۴۱		ی	ث	م	ق
۱۳۲	۱۴۵	۱۳۸	۱۳۵		ث	ی	ق	م
۱۴۹	۱۳۴	۱۳۳	۱۴۴		ق	م	ث	ی

الحسبیت یعنی خدای سینه است خلا بوی زود فضا کردن  
 حاجات و دفع بلیات این نامی است که کرام الکاتبین بر نگاه بند  
 کل

من الیقین الفینذیه و یقول  
 تکلموا احد منها حرة القوی و  
 یومنها الطیور یکم شریک و من  
 اکثر ذکر القادر عند و من  
 غلب علی خصمه و کما من اکثر ذکر  
 المشیق کفی امر عدوه از جمله  
 ظاهر که کشته شد و در دوزخ  
 غائب و اشکار اند معدنها و  
 اطلاع بر عاقبت کارها که براند  
 مجلس رویت و شیطنت در یک  
 حاصل کرد و دیگر بخواند که منصوص  
 ایبر است التعلیم ان الله  
 ان ذلك في كتابنا ان ذلك على  
 الله یسیر و ای قضا حوائج مشرعه در ایام  
 هر دوزخ را بر بار بخواند و ابتدا  
 از دوزخ بجهنم



# در شرح کلمه شبانه الحسب

(۸۱)

برکت این اسم اطلاع می‌ناید و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که از جنّت دفع دشمن قوی رود کند هر روز هفتاد نوبت بگوید از روز پنجشنبه بنده از شر او خلاص شود و اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید هر روز حساب اعمال زمیه بخواند از او پشیمان و نادم بوده چنانکه سروران اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و اله میکرده اند و منان برای کفایت خلافت در بیند و در حصول مقاصد خلوق شود کار خود را بخدا گذارد تا حساب قیامت بر او آسان گردد دیگر فرموده اند هر که خائف بود از شر دشمنان و بیم دزدان و چشم زخم و کبکد عدو و هیاهو همراه بد زوج و جبه نما سگار و ترس سلاطین و حکام جابر و بلای سفر و ترس فرسخ خواه و شر دزدان و مونیان بناید که از روز پنجشنبه تا روز چهارم این ایام روزه دارد در این ایام هفتاد و هفت نوبت بگوید **حَسْبِيَ اللَّهُ الْحَسْبُ** و شبانگاه همچنین میگوید مراد او حاصل گردد و از جمله علل نجات بناید و بعد از آن بگر حاجت برود بنیت هر که هر نماز و شبانگاه اینقدر را و در نماز از برکت این اسم مال و فرزندان و از جمله نکبات و افاضت لیل و نهایم باشند شیخ مغرب فرموده هر که این چهار کلمه که **حَسْبِيَ اللَّهُ** باشد

ناید در پنجشنبه بخواند و در هر روز هفتاد و هفت نوبت بگوید **حَسْبِيَ اللَّهُ الْحَسْبُ** و شبانگاه همچنین میگوید مراد او حاصل گردد و از جمله علل نجات بناید و بعد از آن بگر حاجت برود بنیت هر که هر نماز و شبانگاه اینقدر را و در نماز از برکت این اسم مال و فرزندان و از جمله نکبات و افاضت لیل و نهایم باشند شیخ مغرب فرموده هر که این چهار کلمه که **حَسْبِيَ اللَّهُ** باشد

کلمه



















# در سر کلمه مبارکه الرقیب

(۸۵)

و اینچه را بعد بر خواهد کرد باید که در سر افتاب یا در تناسل و سبک  
 سبک و غیره جدا متصل و از بخشنه منصرف باشد عدد این اسم را  
 یا عدد اسم خود در مرتبه هفت چنانکه سابقا مذکور شد عمل نماید خوب  
 تمام نماید اگر بر لوح نقره نقش کند اثر تمام دارد و اگر بر نقره مبر  
 نشود بر کاغذ نویسد همین خواص میدهد و چون الواح تا خود دارد هر  
 روز که از هزار و بیست هشتاد و یک نوبت بناید خواند  
**الرقیب** یعنی نگاهدارنده هر کس و هر چیزی در هر حال این نامی است  
 که حضرت شعیب بخیرای کوفته نام برفت این نام را ای پیامی گفت هر کس  
 این نام را سلامت بخواند اهل تحقیق گویند هر که خواهد خصما این  
 اسم کند باید که خدا بندگان او در نهان و آشکارا ناظر و نگهبان خود  
 داند و او هم منزه باشد که نیاید از او قول و فعل و اندیشه خسارتش  
 که مرتبه حضرت عزت نباشد تا حضرت رقیب بده دل او را ناظر ملک  
 ملکوت نماید حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که راد  
 قوی باشد هفت نوبت بخواند از شر او این شوقی گوید هر که بخواند  
 این اسم مداومت نماید چندانکه توندنیت اهل و فرزندان و نفس  
 مال و عیال او اینهم میرسد بنزد و از افاق و بلبانت اسم ماند  
 و اگر کسی را عیب و جبهه یا بصر صاحب جمال بود این اسم را باید  
 خواند خداوندانها را در حفظ خود نگاهداری (مجموع الرقیب ص ۱۰۰)

بیدار نماز صبح بپسندش بار خیر  
 بگوید یا قیطار بسیار از موه و غیره  
 و در جمیع دعوت داعی را میناید که  
 بعضی از شرایط و اولیای تقاضا میناید  
 تا بیشک بمقتضای تقاضا میناید  
 این است که در وقت خون در قبضه  
 پیشد و یا در وقت خون در قبضه  
 او بنامش در اشک ذکر سخن گوید  
 و از مناهای قوی نماید و یا عفتار  
 خلص تمام بخواند و از سر بگذرد  
 شود و دل حاضر دارد و الحاح بسیار  
 کند دعا و امر غالی طلب نکند  
 بر استجابت بخیر نماید و از دعا کرد  
 ملول نشود و در ماکول و ملیوس  
 غلاظه حلیت و حرمت نماید و در  
 اول و آخر دعا صلوات بفرستد  
 این شرایط و اولیای تقاضا میناید  
 و قاضیت قاضیت در حق  
 بنام حضرت محمد و علی و آله و  
 نماز نماید و در غایت حق  
 ایها انبیا و اولاد الله  
 لطیف



# در سر کلمه مبارکه الحُبُّ

(۸۷)

۷۷	۸۳	۸۹	۶۳	ر	ی	ب
۸۷	۶۵	۷۵	۸۵	م	ر	ب
۶۷	۹۳	۷۹	۷۳	ب	ی	ر
۸۱	۷۱	۶۹	۹۱	و	ر	ب

الحُبُّ یعنی خدای اجابت کننده است آنرا که خواهد این نامی است که  
 استغیث می کند و کار بر کاروی و کار نکرد و حقیقتا از حجاب  
 خدا فرستاد و نجات یافت چون کسی خواهد که احصا این اسم کند  
 یا بد که هر حاجتی که حاجت خود را بر او عرض کند یا بخواهد که تواند  
 ایجاب کند او را نویسد کرد اند حاجت خود را بجز خدا بپای نگوید  
 تا آخر عزت حاجات و بر او بر آورده گرداند و هرگاه تمام ضاع است  
 فرموده اند هر که صدقه یا ریگوید حاجت خود عرض کند حاجت او  
 بکلی بر آورده گردد و هر که دایم مداومت کند این بود از نیکیات دنیا  
 شیخ ابوسعید گوید هر که در آخر دعای بیست و شش بار ریگوید  
 یا سریع یا حُبُّ برود دعا او مستجاب گردد و شیخ سہما الدین سہم  
 فرمود هر که این سریع (در صفحه ظاهر) یا خود او در هر حال از دنیا  
 این بود اگر کسی زام می بود در مصالحت و از مصطر کشته  
 یا بک تن در یک مجلس این نام را بنویسد یا در بخواند البته از دنیا  
 ظاهر گردد و اگر پیش نشو نوزده هزار نویسد گوید در صفحه شاهی

یعنی او به بزرگی و بزرگوار است و هو لغوی  
 العبد و چون سلام دهد بر یا  
 السند و صد بیت و در مرتبه این  
 اسم را گوید یا الطیف و بعد از  
 رود و حاجت بخواند که انشاء الله  
 نماند با حاجت بخواند روزی یک بار  
 صبر کند اگر تا آخر قضاء حاجت شود  
 باز دور کند نماز بهمان نظر نویسد  
 و اسم مذکور را هر چند روز یکبار  
 بخواند ضرر تجریم نمود ام حاجت  
 هر حاجت شریعی هدیه بخواند  
 صلوات الله علیه و السلام که در روز  
 هر یک صد یکبار و هر سه روز یکبار  
 یکبار بخواند بعد از سلام دوم شب  
 صلوات فرستد و صد نوبت  
 استغفار بگوید یا سیدنا یا سیدنا  
 و حاجت کند که بر او در این دنیا  
 نماند طلب کند که بر او در این دنیا  
 ایضا حاجت کند در هر وقت از  
 اوقات











# در شرح کلمه مبارکه الحکمیه

فرموده اند هر که جهات شاهره شوری بن نام را بسپارد و بداند  
 آنرا که در اهل دانش گویند که در این عجاب و غراب بسیار است  
 هر که رامی پیش آید از قبض لبط و قرض و غربت و تنگمینی  
 و درویشی و امثال این باید که مداومت بندگرا این اسماء نماید اهل  
 حقیقت گویند هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید که زبانه  
 از اقرض نگاه دارد و در کارها مخلوقات مدخل نشاند و بداند  
 که هر چه از راه خضر حکیم بود موجود گردانیده و جمله موجودات را  
 چنانکه بخواست افزاید و هر چه ببرد که داده عین حکمت است و غیر  
 آن نمیشاید پس باید که بهر حال رضا بفضا دهد تا خضر  
 حکیم حقیقتش با او برکشف گرداند دعوت این اسم مستجاب  
 گسائیت که خواهند در علم حکمت شریع کنند آنچه دانند در زاید  
 او گوشند بندگرا این اسم قیام نماید و هر چند پیش خوانند باید  
 نایبند از آنچه خواهند این را عدد معین ساختند چنانکه بنظر  
 صحیح آورده اند که در هر روز خضر رسالت صلی الله علیه و آله  
 آمد و عرض کرد یا رسول الله پدر ما درم قدا تو باد قرض بسپارد  
 خضر فرمود این پنهاران بخوان روزی و عدد تعیین نفرمودند بار دیگر  
 آمدند اسند عا کرد که یا رسول الله و امم اداء شد اما از مناع  
 دنیا هیچ ندادم فرمودت تبرات همین ایات قیام نماید قدا آمد و

ایضا از جمله غارهای را و قضای  
 خیر بود و گفت که بطل حد هر دو گفت  
 نازد و بار سوره قرین را بخواند و بعد از  
 سوره مرتبه صد مرتبه تا هر چه در دنیا  
 نپوشد و بندگان را ببیند بار کوهی اللهم  
 انجیبی فیضک عن خلقی و دوده  
 بار کوبد اللهم اغنی بجزایک  
 عن خرابک و فیضک عن سواد  
 ایضا جمله قطار بعهده  
 دو سغیر زلف و غالب شد بر خصم  
 در شب جمعه یک ساعت پیش از  
 طلوع صبح بخیزد و در رکعت نماز  
 افتتاح بخواند و در رکعت نماز  
 بعد از حمد سوره اذا جاء نصر الله  
 تا آخر بخواند و در رکعت دوم بعد از  
 حمد سوره قل هو الله احد را بخواند  
 و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات  
 نپوشد که اگر او در عمل  
 فرستد

عز کرد







# در تفسیر کلام مبارک امام حکیم

قوله النور في السموات والارض وهو العدل الامم قوله  
 الحمد رب السموات والارض رب العالمين وله الملك  
 في السموات وهو العزيز الحكيم وشرح بنایان ابن محضره  
 قدر کتابت میکند بعد شرح مغرب که تکبیر کرده اند و عدد  
 کرده اند اول تکبیر است نزد استاد شیخ بوالعباس عدل کبیر  
 الحکیم یا ضد جهل و پنج عدالت یا حکیم چهار ضد جهل و پنج  
 عدالت است عدل تکبیر مغرب بالفت لام یا ضد جهل و پنج عدالت  
 و بنای ندای چهار ضد جهل و پنج عدالت بر مجموع و در قاری مختصراً

۱۹	۲۲	۲۵	۱۲	اقامه حید	م	ی	ک	ح
۲۴	۱۳	۱۸	۲۳	بیشتر است	ک	ح	م	ی
۱۴		۲۰	۱۷	فایده بیشتر	ح	ک	ی	م
۲۱	۱۶	۱۵	۲۶	دهلدن	ی	م	ح	ک

**الودود** یعنی خدای تعالی در دست مطهران است و دوست دارند  
 هر دو دست فرمانند و این نامی است که آدم خواستگار سلام را  
 مؤدبانه زیاد بهشت اهل حقیقت گویند هر که خواهد احسان این  
 اسم کند باید که اطاعت و دوستی بخاوقان بر میان جان بندد  
 و نامی ایشان که مخلوق خضر دوست دارند و از راه خدا  
 آیت هیچ انور در دل تکبیر ناخضر و در او را مخلوق خود محبوب

از این تفسیر در کتاب التوکل  
 و شرح التوکل و التوکل  
 علی نصرانی و ابواب الارض المقرب  
 انضج و استنک با بنایان  
 البی اذا دعیت بها علی ابواب  
 الضری الیه تیسرت و استنک  
 یا بنایان الی اذا دعیت بها  
 علی الضری و التوکل و التوکل و  
 صلوات الله علی محمد و آل محمد و  
 آقایی بقضاء حاجتی چون این  
 در غار الجاوردی بخلاصم که قدم  
 بر نهاده بخانه الاله حاجت و  
 روا شود **ایضا حکمتی و**  
 یعنی دین و دنیا و جمع مطالب بر  
 از سبب چهارشنبه و پنجشنبه  
 دو رکعت نماز قیامت و حجت  
 بعد از نماز سوره تسبیح در هر رکعت  
 از نماز سوره تسبیح در هر رکعت  
 و غیر اینست



# در بیان کلمه مبارک اَلْوَدُوْءِ

(۹۳)  
۷

گفته اند که هر که او را بپوشد و دست او در خضر امام رضا علیه السلام  
 فرموده اند هر که هر روز جمعه از جهت اقامت زواج بر هزار و یک  
 مرتبه بخواند یا بر طعام و هردو بخورد و او است ایستد یکی از اکابر  
 فرموده اگر کسی در شنبه قوی باشد یا جمعه در شنبه شخصی باشد بجهت  
 دفع آن خصم بزرگ چهل روز دعوت این اسم کند بعد که بر آن دعوت  
 و مهربان گردد بیاذن الله تعالی و یکی از اکابر در فضیلت اسم اَلْوَدُوْءِ  
 ایچند در جواهر افغان آورده که جهت جاه و قدر و قوت حرم میان  
 خلایق و عزت نزد مالوک و سلاطین و گشاده گی کارها و دفع غم و  
 خزن و خصم قوی و بخت های بسند و برآمدن حاجات و رفاهت بطن  
 و صفای باطن و جلای قلب و دفع وسوسه سودا و حصول آرزو  
 در روز آخر شنبه یا در وعده عید قربان یا در جمعه غره ماه هر ماه که  
 باشد بجز نیت که باشد یا بپند بخواند عدد یکپنجاه و هشت و بیست  
 دو عدد است عدد وسط هزار و صد پانزده است عدد هفت هفتاد  
 هفت است البته روز دعوت غسل کند روزه دارد و بیدار بماند  
 و بخورد و نهد و منوحه بنامه باشد بکنه معنی گوید چون متوقف  
 شود و از دعوت چیزی نماند باشد اقطار کند اما سخن نپایان گوید و چون  
 از طعام فارغ شود بازان بخواند و با تمام پیوسته صد مرتبه  
 آنچه تواند تصدق کند و از هفتصد مفاصله بجز اول پیوند و از برکت

ایضا بجهت قضاء حاجت  
 وقت و وقت و بنامه و در وقت دو  
 رکعت نماز حاجت بکند و در وقت دو  
 یا بصدقه بدهد یا بگوید که ای سر عظیم دار  
 و بجز بپوشد من کان سید  
 الیقین قال الله فیها جمیعاً و بعضی در  
 روز شنبه نیت بقیه این کرده است  
 ایضا از جمله نمازهای حاجت  
 این است که هر که را هفت و بیست و دو  
 باشد یا از کسی خوف داشته  
 و آبی باشد یا از کسی بیگانه  
 باشد یا از مشکلی پیش او آید این نماز  
 بجا آورد و قدرش حق را مشاهده کند  
 که از شب چیزی نکند و در آن نماز  
 و باید شک نیاورد و طریقه او این است  
 که غسل از برای قضاء حاجت بکند  
 جامه پاک بپوشد چهار رکعت نماز  
 بکند و بدو سلام و گوید و بعد  
 بجا آورد بجز این در رکعت اول بعد  
 امی آله ان الله  
 تعالی



# در شرح کلمه مبارکه الوداد

این کلمه محبوب خلائق گوید و هم آوردند که شخصی بود قطاع الطریق  
 و بزنا کردن مشهور و شارب خمر و عاق و الدین و کتاب که هر چه  
 نظیر کردی اغلب روع گفته و در ابتدای اهل اسلام کوشید  
 و ترسای بود نوبتی ناوی ملاقات کردم حوال قیامت بگفتم که گویا  
 بروی غائب گشت بعد از فر صبی گفت ریحون من عانی کن کفتم ملا  
 آوردن تو را کلمه چندینام نوم نابان قیام نمائی خدای تعالی نور  
 از این ضلالت بخارجت شد کلمه عرض کرد این به نوشتنم و یون تعلیم کرد  
 ناسه و ز این به را حفظ کرد و روز غره ماه رجب که جمع بود او را  
 غسل داده بدعوای این ارشاد کردم و بنده بجهت پنجر فلوب هم  
 در آن چنین خوانده بوم چو ختم را با تمام رسانید او را بدید که در آن  
 حقوق مسلمانان شروع کرده از هر کس که بجهل در قطع طریق چیر  
 برده بود می پوشید تا عوض نازدهد تا او اضعه قربان او را در عرفا  
 دیدم رنگ زر و شاد بر رجمی که تا او مصاحب بود ندهم رنگ او  
 او بر آمد در یک جانب از دست پر خلائق بسجده افتاده اند منجا  
 میکند نزدیک ایشان فهم چون دو از خاک برداشت گفت این شیخ  
 دید که خضر دست بند خود را از برکت این کلام خواند رجه اسفل  
 بلخه علی مهربانند یا شیخ لبرم و مندل آنچه در ضمیر خلائق است  
 و چند کلمه بیبا کرد که مشکلات در بین من از آن حل شد و او را دید

و در کتب و قوم بعد از حمد صد مرتبه  
 بگوید نصر من الله و فتح قریب و در  
 رکعت سوم بعد از حمد صد مرتبه  
 بگوید لا اله الا الله فی شهر الامور و در  
 رکعت چهارم بعد از حمد صد مرتبه  
 بگوید انما فتناتک فتنا مبینات  
 و چون سلام بآورد صد بار بگوید  
 غفرانک ربنا و انک المصیر  
 پس هر سجده بعد از سبزه صد  
 بار بگوید یا استغفر الله و اتوب الیه  
 هنوز سزای سجده بر نداشتی باشد  
 حاجت او روا شود ان شاء الله تعالی  
**انصاف** از اهل بیت عصمت  
 که هر که در رکعت نماز بگذارد در هر  
 رکعت ده بار بگوید یا شیخ یا شیخ  
 بیکبار بخواند و چون فارغ شود از نماز  
 یا بسند و سر برهنه کند و در سنهار  
 در گویند کند و قوطه



# در سر کلمه مبارکه الحمد (۹۵)

با صفا باطنی که بصورت نبود و صفا خلاقی عرفان در آمد و فریاد  
 میکردند میگفتند یا ودود یا ودود نا از میان آن جمع بیرون  
 رفتند و راه بادیه پیش گرفته برفتند دیگر ایشان را بدام و اگر  
 کسی بر آن عوثنوا اند کرد با این و در صبح که هفتا هفت است مداومت  
 نماید این کرمها شرح بسیار است در این مختصر بدین ملاحظه  
 کردیم تا بطویل بنا نجامد این است انّه هو سبک و سبک و  
 هو القور الودود و العرش الحمد فقال لما برید  
 الحمد یعنی خدای پاک و مقرر است از گرفتن مان و مکان  
 و رسیدن آثار و نور گواری هر کس از نامی است که آدم یعنی پسر  
 و علم آدم ال اسماء کلهما بیکت این نام رسید اهل محقق گویند  
 هر که خواهد عوثنوا این اسم کند باید یا نقداری که تواند بینندگان  
 خدای را شفق کند و رفع رساند منت تا حضرت شخصا او را نود  
 بستگان مکرّم گردانند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر سال  
 که قبض بود رفع نشود در باضت طالب بر این اسم مداومت  
 نماید ابواب هر و سلوک بر او بگشاید و یکی از اکابر فرمود در میان  
 اینای چنین جوهر که بی اعتبار است و در کرده هر روز بعد از  
 اتمام نماز یا مداومت نمودند یا این اسم را بخواند و یا در خود مدینه  
 رفت و جاه و طلب عیش و هر که ترسد فعلت بر عرض و جدا و نفس

و سوره بعد از اینست که  
 چون بر کوه کون برسد بجهت  
 کنند و سجده بگوید من سبحان الذی  
 بسیار ماکوت کل شیء و این  
 از عوثنوا و بعد از آن حاجت  
 خود را از خداوند بخواند و هفتاد  
 مرتبه سجد بر نداشتن باشد که  
 حاجت او روا شود انشاء الله تعالی  
 ایضا اگر کسی را مشکلی باشد  
 یا رفته بر او نیک باشد و در کتبت نماز  
 بکند و در کتبت نما و نصره چیزی  
 اخلاص و ایاقفتنا و نصره چیزی  
 بخواند و در کتبت و بعد از حمد سوره  
 اخلاص و آرزو شرح و نیز آنرا  
 تا آخر بخواند الهه گشوده خواهد شد  
 برای و در هر وقت که از آن الله تعالی  
 ایضا هر چه طلبت در وقت  
 بخشد و از در کتبت نماز  
 بکند و در هر کتبت



# در سر کلمه مبارکه البعث

وجمله علمها باید که ایام البیض روزه دارد و در این سه روز  
 متصل تیکر او این اسم قیام نماید تحسینا و تعالی او را از ان عمل  
 نگاهدارد اگر بعثت گرفتار بود خدا تعالی او را صحت کرامت  
 فرماید علی الخصوص از این سه علت **البعث یعنی**  
 برانگیزاننده هر نفس و تن مرده و پیدا کننده هر چیز زنده این نام  
 ناجی است که در روز محشر مردگان را بیریکت این نام زنده گردانده اهل  
 تحقیق گویند هر که خواهد دعوت این اسم کند اول باید که امر به  
 و نهی منکر لازم گیرد بندگان خداوند را و باعث طاعت شود تا  
 حضرت ملک عالم با پند دل مرده او را زنده گرداند در روز محشر  
 او را سفید گردوانگیزاند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود  
 هر از مؤمن را که عقد شهوت بود یا آنکه نفس خود را کشته بود  
 او را امری است که باید که با قیام نماید نود هفت روز هر روز  
 پانصد بار بگوید در مرتب نوشتن یا بنظر حق دریا زنده بگشتا

۱۴۳	۱۴۶	۱۴۹	۱۳۵	ب	ا	ع	ث
۱۴۸	۱۳۶	۱۴۲	۱۴۷	ث	ع	ا	ب
۱۳۷		۱۴۴	۱۴۱	ا	ب	ث	ع
۱۴۵	۱۳۰	۱۳۸	۱۵۰	ع	ث	ب	ا

۱۵۱  
 و در نظر همگیس خجل نشو و یکی از اکتا بر فرموده هر که واد دل در

بعد از حمد ده بار سوره فاتحه بخواند  
 و بعد از هر روز کلمه سلام بگوید  
 یعنی بار بگوید استغفر الله چون  
 از عمل خارج شود سر بجهت نهاد  
 از خداوند حاجت را بخواند البتہ  
 یا ذی القدر و فراموشی  
 از نوائی نوشته در امر محبت و غن  
 و توانگری تو در یک صبح و چند روز  
 رکعت نماز حاجت بجا آورد در رکعت  
 اول بعد از حمد هفتاد مرتبه قل یا  
 ایها الکافرون و در رکعت دوم  
 هفتاد مرتبه سوره قل هو الله احد  
 و در رکوع هر دو رکعت هفتاد مرتبه  
 ذکر رکوع هر دو رکعت هفتاد مرتبه  
 مرتبه که میبود و بعد از نماز هفتاد  
 مرتبه یا کلمه یا بخواند که بزرگ است  
 و گفته اند که از کتوز غفیب است و بهر  
 کسی بنام او زند **ایضا**  
 از حضرت رسالت

ادفعت



# در سر کلمه مبارک الباعث

(۹۷)

از غفلت هوا و هوس و وسوسه نفس و خیالاتی فاسد حرص  
 و جمع کردن دنیا و افراتش و بتکرار از اسم عظیم ملا وقت نماید  
 خاصه بوقت خواب نشسته پس نهاده صد بار این اسم را بگوید  
 حقیقاً او را مطلق نوار و مستخرج کرده اند در راه او را به  
 معرفت خود زندگانه و حیو و مستودر است شیخ مغرب فرموده که  
 دعوت این اسم بجهت باطن و کتابش ملوک و دفع سوسه  
 هر روز بعد تکبیر بخواند و بعد تکبیر شیخ مغرب الباعث هر روز  
 بیست عدد است و بعد تکبیر شیخ بولجاس با باعث سه هزار و پانصد  
 چهل میثون از این هر روز و بعد تکبیر با باعث هزار و هفتصد  
 نوزده است و قاری بخیر است طهر عتد و کفایت که خواهد بخواند  
**الشهید** یعنی خدا بی‌گناه و پیناست همه چیزهای اندک  
 و بسبب اینها و اشکارا اینها است که طفلان را در شکم مادر  
 بطغیبل این اسم سغان شهید اهل تحقیق گویند هر که خواهد که  
 احصا این اسم کند باید که هر چه گوید است کلمه الله را هیچ  
 کس در بیع ندارد از هیچ کس نخرسد اگر او را گواهی باشد در محل خود  
 راست اداء کند محل میل و کفان فرارند هداخت الله تعالی  
 در روز موعود و سپید حشر کند و بیایک و گواهی دهد یکی از اکابر  
 فرموده که راز و فرزند پاکیزه با کسی دیگر اطاعت نکند هر

روایت شده که هر که روز جمعه بخواند  
 رکعت نماز شب از نماز جمعه بگذارد  
 و در رکعت اول بگوید یا رب یا رب  
 سوخته آید و از پاره یا رب یا رب  
 و در رکعت دوم بگوید یا رب یا رب  
 و پانزده مرتبه تو جهید و در سوم  
 پانزده مرتبه تکبیر و پانزده مرتبه یا رب  
 و در چهارم بگوید یا رب یا رب  
 تو جهید بخواند و بعد از فراغ حاجت  
 خود را از قاضی الاجاب بخواند  
 بر آورده است **ایضا** از حضرت  
 خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله  
 روایت کرده که هر که را شیخ روی دهد  
 که از چاره آن حاجت باشد و در رکعت  
 نماز حاجت بکند و ده مرتبه بعد از  
 نماز حاجت صلوات بفرستد و در  
 دستها را برداشته و در هم نهد و در  
 باستان نماید و حاجت خود را  
 بگوید یا رب و حاجت خود را  
 بگوید یا رب



# در شرح کلمه مبارک الحق

(۹۸)

دست بر پیشانی او نهادند و پیشانی او را بگرد و بیدار کردند  
 بگوید یا شهید حقیقی او را مطیع فرمان بردار او گردان  
 و بلطف صلاح بازارد الحق یعنی خدای هستی و  
 بدست و سر او را بچندان این نامی است که بوسیله برکت این نام به  
 بقوت اصل گشت موسی برین سخن بزرگوار این نام در سید خاتم  
 سلیمان بزرگوار این نام قرار یافت و نویسد و م بقر سلطنت  
 نشد و غیر ذات این نام را مملکت بر او قرار گرفت اهل تحقیق  
 گویند هر که خواهد احسا این اسم کند باید اول بداند که تعظیم  
 و تکریم مرتبه خدا تعالی را با جزئیات و استغانت و امید زهر کس  
 یا طاعت و من کل الوجوه رو بخوارد تا خدا تعالی بدید دل  
 او را نور و حضور بخشد که در هر چه نظر کند خصلت او را معاینه و  
 مشاهده کند یعنی تجلی نور خود را هم بنور خود ملاحظه نماید  
 حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که نیم شب بر خیزد  
 و وضو نهد و دو رکعت نماز بگذارد دستها خود را بسوی آسمان  
 بردارد صد بار بگوید یا حق و بر اینها او منت نماید لا و نور را  
 گردد و بصفا باطن و جلا قلب بجائی رسد که ضمیر الهی بر او  
 منکشف گردد و شیخ مغز فرموده که هر که را چیزی ضایع شد باشد  
 و اسباب محزون از در او بیاورد که نام از چیزی را بر چها گوشه کاغذ

دو مرتبه بگوید یا حق  
 پس در عقبه و منتهای بلند کند  
 و بگوید لا حول و لا قوة الا بالله  
 العلی العظیم ایان یقین ایان  
 یقین اللهم کن عینی یا  
 الذین کفروا فانک اشد بیا  
 و انشد تنکیرا و بعد از آن دست  
 نماز کند که زودی فرود آید  
 نماید انضا بجهت رسیدن  
 بمقاصد عظمی و مطالب کلیه  
 بخشیدار و روزه دارد و با غسل  
 صد مرتبه صلوات بفرستد و  
 دو رکعت نماز حاجت بگذارد و  
 در هر رکعت بعد از حمد یا زده  
 مرتبه آیه الکرسی و بیست و پنج بار  
 قل هو الله بخواند و بعد از سلام  
 بگوید یا فاصله چهل و یک بار  
 بگوید



# در شرح کلمه مبارک اَلْحَقُّ (۹۹)

بنویسند در میان رفته سخن بنویسند یکی از بزرگان مکر  
 این فرموده یعنی بر چهار رکن کاغذ سخن بنویسند نام ضایع  
 در میان صفحه چون نیم شب شود با طهارت تمام آن نوشتند  
 بر کف دست همدور و بجانب اسما رکعت چند آنکه میخوانند  
 اسم با حق بگوید اگر چند شب این مداومت نماید خدا تعالی  
 آن غایب شده را بوی باز رساند یا عوض آن چیز که نیکوتر از  
 آن باشد بگردد و اگر از جهت مرده غلبه شده این عمل  
 کند از باد بپا و پود ببرد بدست بد خواص اسما حضرت  
 عزت هر چه و حریف است و آخر کتاب نوشته خواهد شد انشاء الله  
**الوکیل** یعنی خدا پیش برنده از چیزی که بد تو نصیب وکیل  
 گند است مریدگان متوکل را این نامی است که مخفی است  
 از بزرگان این نام رهوا صفت و کشته نوح از طوفان نجات  
 یافت و نورا بر اهلیم از اتر بلای شد همه از بزرگان این نام  
 بود اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصا این اسم کند اول  
 باید که اعنا و کل بر خدا بنماید کند کتاب تمام مخلوقا  
 از حضرت وکیل داند که در کلام مجید عرفان همه آرد است که  
 وَكُنْ بِاللَّهِ وَكَيْلًا وَشَيْخِ أَحْمَدَ مَسْمُومٍ دَرِشْرَحِ كَيْبَرُورُودَهُ كَرْدُ  
 جمیع متهافت شدند شنیدار بخواند کتابت کند دعوی این اسم

یا وَهَابُ اَدْفَاعِ تَجْرِ كَرْدَهُ نَد  
 و گفته اند بسیار سریع الزامات است  
**انصا** بجز قضا و حاجات روز  
 پنجشنبه چهار رکعت نماز کند و در هر رکعت  
 سلام رکعت اول بعد از حمد یا زود  
 بار سوخته اخلاص در رکعت سوم سب و بار  
 دو زنده بار رکعت چهارده بار بخواند  
 رکعت چهارم چهارده بار سوخته  
 بعد از سلام بچاه و یک بار سوخته  
 اخلاص بخواند و بچاه و بار صلوات  
 بفرستد پس سجده کند و در سجده  
 صد بار بگوید یا اَللَّهُمَّ عَظَمْتَ  
 خود را بخواند که از تجارب است  
**انصا** منقول است که هر که را حاجت  
 باشد از مقوله دولت و ثروت و غنی  
 عزت یا آنکه بیارگرفنا ریاست از  
 قبل فقیر و فقیر و غنی و  
 یا خوبه



# در سرکار مبارک الوکیل

مناسب کسانی است که ناسپاسی و سوسنة ایشان غالب باشد  
 طلب زو مضطر باشند علی الدوام رنک بود و سرگشته  
 این چنین که باید بدین اسم قیام نماید و دعوت این اسم چنان است  
 که عد این اسم شصت شتر است موقوف خدا الله باید که ضرر کند  
 صاحب دعوت شصت شتر و شصت شتر و بدین که چند عدد  
 میسوسه و زهره و زبانه بخواند بشرط صوم و طهر و خلوت  
 خدا بیجا او را از آن وسوسه بجات بخشد و فقیر محراب این رساله  
 حساب کردم عدد نوشته را اینست و زهره و چهار صد و شصت  
 میباشد خواند چون در این بام با این عدد بخواند دیگر بعد از هزار  
 اگر نواند شصت شتر نوبت بخواند و اگر نواند بعد از نماز باشد  
 هر روز پیش از آنکه سخن گوید شصت نوبت بخواند همین خواص دارد

۱۶	۱۹	۲۲	۹	و	ک	ی	ل
۲۱	۱۰	۱۵	۲۰	ی	ل	و	ک
۱۱		۱۷	۱۴	ل	ی	ک	و
۱۸	۱۳	۱۲	۲۳	ک	و	ل	ی

**الفواک** یعنی خدای توانا است بر هر چه خواهد این نامی است  
 که فرعون و شداد و نمرود از هبیت این نام هلاک شد اهل  
 تحقیق گویند هر که خواهد حصا این اسم کند اول باید که خورا

در وقت شب عجمه زشت را خرب خیزد  
 و در وقت صبح یکبار در وقت نماز  
 حاجت بگذارد بطریقه سوره که خواهد  
 و صد مرتبه صلوات بخواند بخود  
 از هزار و یکبار بگوید بسم الله  
 الرحمن الرحیم و نیاز صبر و استقامت  
 بفرماید و مطالب خود را از خداوند  
 بخواهد و این عمل را در شب جمعه  
 بخواند که تخلف ندارد و بارها  
 بخوبی شده است **ایضا** هر که در  
 روز خمر و بعد از نماز پنجگانه در هر  
 نماز حاجت بگذارد بیست و چهار مرتبه  
 رکعت سوره قدر را سه مرتبه بخواند  
 بعد از اتمام نماز صلوات بفرماید  
 حاجت خود را از خدا بخواند  
 خواهد شد **ایضا** نماز که در  
 از روزگانه و در این روز  
 کند



# در سر کلمه مبارک الفوی

(۱۰۱)

و تمام مخلوقات از در نزد قدرت حق ضعیف و خیر و مسکین داند  
 و خود را چنان اعتبار کند که خاشاک در صحرائی در زمین باد  
 افتاده که طهر سوزاده او را میسوزاند هیچ اعتباری این نادانند  
 و ناخود را در پیش قدرت حق تعالی چنان اعتبار نکند تمام است  
 نگاه او را خضر عزت قوت دهد و بر اعدا غالب باشد شیخ بوی  
 و شیخ معرب و جمیع دیگر بر این متفقند که هر که در دشمن قوی  
 باشد او را در پیش قهر خصم مضطرب سازد و بیاد و قدرت آرد  
 و خیر کند هزار و یک گلوله بسازد و بپربان بکند این اسم بخواند  
 و از چهره ها را بمرضانه هدا ما باید که در زمین پاک بپزد و در  
 دل دفع دشمن کند و انداخته عالی اندیشمن را قهر کند اگر بعد از آن  
 عمل بند کر این اسم مداومت نماید بعد که پیر شمره مالک شود و بیای  
 او فاجعه گردند و گویند خواججه نصیر الدین طوسی را و در ده  
 جهت خلفای عباسی بپنجل کرد و آن فتنه نکینت اهل طریقت  
 گویند هر که بدست نفس اماره گرفتار بود و سوسه شیطانی  
 برای دفع آن این چهار اسم عظیم را از وقت طلوع صبح تا ادا می فرض  
 نماید بعد از آن نماز تا طلوع افتاب نماید که این اسم قیام تمام  
 بی عدل حق تعالی او را بر نفس و شیطان غالب گرداند و در همین سوره  
 سلوک سالک و از ذکر این اسم غافل نباشد بود القادری و نقیض

و او را مؤثر یافتند و انا بولس  
 بعد از نماز خضرت شمس جمعه بمقام  
 خاوند نمود و در رکعت اول بعد از حمد سوره  
 بگذازد و رکعت دوم عن ایات شکر و  
 انعام تا رکعت سوم و سجود بعد از آن  
 بخواند رکعت دوم بعد از حمد از ایات  
 و در رکعت سوم او را می گویا تا با سوره  
 و بعد از آن نماز را بگوید بعد از آن هزار  
 بخواند و سلام نماز را بکند و حاجت را  
 صلوات بفرستد و دعا کند و حاجت را  
 صلوات بفرستد و دعا کند و حاجت را  
 بخواند البته با حاجت مستور است  
 اگر چه میان او و آن حاجت بعد از شکر  
 باشد از این جهت مرغ غنا برین صفت  
 نماز کن چگونه گشته و از تحریکات  
 بسیار مجرب شده است اگر مستوره را حفظ  
 نداشتند باشد از روزی که آن بخواند حاجت  
 ایضا بعد از آن کلمه شمس جمعه  
 عمل کند و در رکعت نماز حاجت  
 بگذازد و صد مرتبه  
 صلوات



# در سر کلمه مبارک القوی

(۱۰۴)

القوی القاسم وهم شیخ فرمود هر که را وقت بلا گرفتار است اسماء  
بعد کبیر چهل روز بداید و راقوت و قدر و توانائی در نفس  
که بدان غالب بد بر هر مگره سالک سر عجب در خلوص این نظام  
و شرح زود و صفت با بد صاحب دعوت این اسماء از مکاشفات  
حاله صفت اسماء و این اسماء واقف گردد دعوت این اسم صفت  
کسانی است که با اهل دولت سلاطین که از زوال ملک دور  
ترسند و دعوت این اسم قوی صد شانه و وفات بعد اسم  
اقاب کبیر باید خوانند هر روز یکبار و در هر یک محل خوانند و  
میان طلوع صبح صاف و برآمدن اقباب و اول است خواندن  
این اسم و اگر چهار اسم در صبح نهاد با بنظر نوی و با خود او که

۱۸۵	۱۸۹	۱۹۲	۱۷۸	القوی القاسم
۱۹۱	۱۷۹	۱۸۴	۱۹۰	القوی القاسم
۱۸۰		۱۸۷	۱۸۳	القوی القاسم
۸۸۸	۱۸۷	۱۸۱	۱۹۳	القوی القاسم

۲۸	۳۴	۴۰	۱۴	یا	ق	و	ی
۳۸	۱۶	۲۶	۳۶	و	یا	ق	
۱۸		۳۰	۲۴	ی	و	ق	یا
۳۲	۲۲	۲۰	۴۲	ق	یا	ی	و

۴۴

بهرینند بعد از آن مخصوص قلب است  
بکسند یا زده بار بخوانند که البته  
حاصل است و غیره و صد بار  
یا من لیترنی القوی القاسم  
منفی قوی بخوم الارضین  
القوی عینک احدی عندی  
تولت من غیرک یا الله ورج ما بنا  
و انما طلبنا قاتک اعرف  
مجا جانا یا از هم الراجحین  
و بعضی از علما گفتند این دعا را از  
جهت دفع شدا باید خوانند و غار از  
درین مجلس چهارده نفر هم باید کسند  
یا زده بار بخوانند که جمیع هر روز  
یا صد بار بخوانند که جمیع هر روز  
دفع فقره فاقه در دفع عشرت و از برای  
دستی و بر طرفت صد صد و از برای  
زیادتی دولت و غیره و از برای  
نیکی اعدا و غیره رسد و سعادتی  
و اهل اسم و غیره و از برای  
ذات

۱۴

باید از زده



# در سر کلمه مهیا که المثنی

(۱۰۳)

با دارند این لوح مجاوله کند مقهور گردد اگر ناپوشا با طاعت  
 یا شیخ فرمودید بر شقه علم دوزدهم لشکر یا او معاومت  
 کرد و در وقت نوشتن بخود شرط است تا عتق بعین کرده  
 و اگر مصل سید باشد بجز این پنج و غیر اینها  
**المثنی** یعنی خدای استوار کار این تا محبت که شپور  
 پستانها و آب و چشمها از برکت این اسم فریده پیشوا اهل  
 حقیقت گویند هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید که  
 حکم هیچ خاکم فای زار این عالم فای محکم نداند و هر که  
 حکم خالق داند و غیر خالق را هبایه مشور داند تا خدا پناه  
 او را بدرگاه خود بفرستد و قرا کند حضرت امام رضا  
 علیه السلام فرمود اندر از عونت را که شپور پستان که  
 باشد این نام را در کاشی بنویسد یا در نیا نیا نیا نیا  
 که دعا خوانده باشند بدهد تا بخورد شپور پاده شود و هر که  
 فیض و بطن در کار واقع شده باشد باید که چون قرآن بخواند  
 خارج شود و بسجود ناظر این مرتبه زاد ز طرف سفید با طبق چینه  
 یا ایکست بشک زعفران نویسد انانیت رهنش کند محکم نگاه  
 دارد و هر روز از آن قدر برکت است کند بر کمال و هنوز خشک  
 نشد رعدا برب و از شیوید پنج در کارها او پند شود در مهیا

بسیار مجرب است  
 علامه در شرح این روایت بکر کرده  
 که مجرب هر حاجت صفتست  
 بر خیزد و در وقت نماز یکند و بعد از  
 نماز هزار بار بگوید یا مجرب ایضا  
 مفسود او است بجز این  
 وارد است که در شب جمعه یاد رست  
 عباد صحیحی و در وقت نماز کن در هر وقت  
 و یا باک نشانه این برسی بکشد و در شب  
 این دو کلمه را مکرر کن پس حمد را تمام  
 و در وقت مرتبه سوره توحید بخوان  
 و بعد از سلام هفتاد بار بگو لا حول  
 ولا قوة الا بالله العظيم پس بعد از  
 و در وقت شنبه بگو یا رب یا رب و بعد  
 از فراغ هر حاجت که داری طلب کن سید  
 بر او درده است و در بعضی نسخ بخوان و  
 که بک بار سوره توحید بخوان و بعد  
 هفتاد بار بگو یا رب یا رب و بعد  
 بگو کن حاجت



# در شرح کلمه مبارک المبین

(۱۰۴)

مردم با ابرو کرده و این بزرگوار است که در سجد خدا بشارت  
و جنت و آن عمر زیاد گردد و زمین که دخل که دهد اگر از آن  
ایشینند قدر باریاب باغ و پیر و چندان برده که منصف و زارع نباشد  
و هر که از آن آب برد و رود و بنالد یا بخورد فیض او قبیح است  
پایند و اگر عورت بد شواری زاید از این آب شراب و داخل  
به اشک با در حد سریع بر است اگر محبوس است یا خواند بخوابد

۱۲۴	۱۳۰	۱۳۶	۱۱۰		ن	ی	ث	م
۱۳۴	۱۱۲	۱۲۲	۱۳۲		ث	م	ن	ی
۱۱۴		۱۲۴	۱۲۰		م	ث	ی	ن
۱۲۸	۱۱۸	۱۱۶	۱۳۸		ی	ن	م	ث

و دعوت این اسم مبارک است که در توکل استوار باشد  
این اسم را هر روز بعد تکبیر بخواند یقین استوار گردد و عدد  
تکبیر یا پیشین سهصد شصت و شش میشود جهت ذوق و قرض اگر  
ورد کند در هر روز یا این عدد بخواند کفایت گردد و اگر طفل را  
از شیر یا زکند صبر نواند کرد این اسم را بخورد خوانند و  
بندان کود که دهند یا بخورد صابر گردد **الولی** یعنی خدا که  
نیکو دارند و دوستها و بعد کار پاکیزه اعطاف و بمعنی دیگر  
خدا می دوست دارند و دوستها و این نامی است که محبت خلایق

و ایضا هر که در نصف شب نوبت  
روز رکعت نماز یکصد و بعد بخورد  
و در سجد هفتاد بار بگوید یا  
و قلاب و آنگوی باید و هر حاجت که  
خواهد بر آورد و خواهد البسه  
**ایضا** جفتا و خواجه و انعام  
مقام در مقام و از ده روز هر روز  
وقت رضی که دو ساعت از روز  
بیاورد یا باشد و رکعت از روز  
رکعت نماز یکصد و گوشت خورن و زود  
و در هر رکعت بعد از نیت حاجت  
میتبسته شود تا هر روز بخواند و  
بید از سلام هر روز و دست مرتبه  
بگوید یا بیدیع انجاشین یا بیدیع  
و مکرر گفتن افناد که در همان روز  
اول مطلب بر آورد است یا بیدیع  
بجای آورد **ایضا** الحوائج  
و در رکعت نماز که رویه  
باید و هر روز  
بسیار

۱۴۰



# در شرح کلمه صبا که لوی

(۱۰۵)

و گها مؤمنان بجنابیت این فایده میگردد اهل تحقیق گویند  
 هر که احصا این نام کند اول باید که بنام خدا و جوارح مطیع  
 او خدا باشد امر خلاف حکم خضر عیسی نکند و وسواس و مطیعان  
 خدا بر او دست آورد با هم باشد تا حجت و در بدین طبع زهر کین بر  
 نماند و مقصود در دنیا و آخرت ناصری باشد و در این اسم مناسب  
 کسای است که چشم ز ناصریان نگاه توانند داشت تا بدعونت این اسم  
 تمام نمایند هر روز در ساختن پنجاه و هفت نوبت بعد از نماز  
 بخواند و اگر کسی را عوارض طبع باشد یا کینگی بد بان این اسم در  
 ایشان نکتند امشب بخواند خدا بندگان ایشان ترا خوشبخت  
 و اگر کسی بعد از نماز چهل و شش نوبت بخواند خستگاری خلوت را  
 در وقت مهربان و گرداند و خضر امام ضاع علیه السلام فرمود  
 که اگر سلطان یا امیر از کس در غضب باشد خواهد که تسخیر  
 خلوت ایشان کند یا یکی از خواهر بچشمه را خواهد که مطیع  
 خود گرداند این نام را با اکرام بر کلی بامبو بقول شیخ مغربیه  
 عند تکبیر یا ولایت ششصد یا زده نوبت بقول امام رضا  
 علیه السلام چهل و شش نوبت چون آن گل را بسوی بد نزدیک  
 کردی بامبو را بخورد خدای تعالی او را در چشم مهربان گرداند  
 و باید شک بنام او را برسد نشاء الله و مرتجع یا ولی رخصت

نور و بیجا با یکدیگر الاله الا  
 انشکایانک انی کنش من الی الی  
 پیشک مطیع حاصل کرد انصا  
 از برای قضا و حوج دور کتبان  
 بگذار و در یک مجلس هزار بار بگو  
 کسب اکفین جمیع ارجین  
 کسب اکفین جمیع ارجین  
 سبحان الفادی القاهر الکافی  
 در این خصوص هزاره حاجت  
 است انصا هر که نصف شب  
 بر خیزد و در رکعت نماز بخواند  
 و سبب آورد سببند نه میگوید  
 ما شاء الله مراد او حاصل شود  
 انصا در مکارم الا خلاف  
 وارد است که هر کس حاجت باشد  
 در صباح بختند بنیت از حاجت  
 دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت  
 بعد از حمد معوذتین و اخلاص و قدر  
 و ان لا اله الا الله و لا اله الا الله  
 و ان لا اله الا الله و لا اله الا الله  
 و ان لا اله الا الله و لا اله الا الله



# در سر کلمه مبارکه الحمد

۱۱	۱۴	۱۷	۴	یا	و	ل	ی
۱۶	۵	۱۰	۱۵	ل	ی	ما	و
۱۹	۴	۱۲	۹	ی	ل	ما	و
۱۳	۸	۷	۱۸	و	یا	ی	ل

الحمد بجز خدای ستوه بدات خودت بسینه کرسنا این  
 و پرانتس بندگان و پنداشت هر بدکار این نامی است که  
 زبانا این اسمایا در تبرکت این نام میگوید اهل تحقیق گویند  
 هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید که دل و زبان خود  
 بجد حمد و ذاکر سازد و محبت صلحا و خاندان کرد خضر اما  
 رضا علیها فرموده اند جهت دفع سفاقت خود یاد بگری بنویسد  
 و هر بار که نویسد بر طریقه که اب مجوز اندازد و از آن بیانشا  
 ان فعل و قول در برود و دعوی این اسم مناسب است الان و محسن  
 گویند ها است حضرت شیخ فرموده اند هر که را عوت یا کنک با  
 که زندگانی در بر صورت صلاح نیکنای کند بر منع ایشان  
 نباشند این نیت این اسماء را بر طعام بخواند و با ایشان  
 نایم خوردن حقیقاً این اسم را بر صلاح باز آورد و هر که قادر  
 بر زبان خود و بنویسد محسن میگوید هر که میکند از قول و فعل  
 او ایند بر خلاق مبرس خود نیز از ایشان میباید اما ضبط

بخواند چون سلام دهد بسینه فاطمه  
 زهره علیها سلام را بخواند بگوید  
 مولای مولا یا انقطع الرجاء الا  
 بک و خاتم الامال الا بک  
 فاستسئلت بالله الی بنی من حقته واجب  
 علیک من جعلت له الخیر عند  
 ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان  
 ترضی حاجتی و مطلب را بخواهد که  
 البته حاصل است **انضام حمد**  
 هر حاجت بعد از نماز صبح دو رکعت  
 نماز حاجت بگذارد و مطلب را در دل  
 قصد نماید قنوت رکوع و سجود را  
 طولانی کند بعد از سلام پیشانی را  
 بپه کف کند و یکصد بار بگوید یا مولا  
 یا فاطمه اعمینینی بعد از آن نظر  
 راست صورت را بگذارد و یکصد  
 بار همین کلمه را بگوید و بعد طرف  
 چپ را بپه کف گذارد و یکصد بار بگوید  
 بعد پیشانی را بگذارد  
 و یکصد بار



# در سر کلمه هیکل الحمد

(۱۰۷)

احوال خود نمینویسد کرد یا حاکم یا بزرگ است مردم از انفعول  
 و بجهت خاطر میگردند خود یا غیبی این مربع بر کوزه که آب میجود  
 بنویسند اگر این مربع بر طرف ایستاده  
 و در ایام زان آب بخورد ز زبان و بجز و صلاح ایضا انصاف و  
 بر و و نیز کوه میسازد و عقاب افلوق با او را بحد شایخ  
 جادو سازد و نیز خلاق عزیز و مکرم کرد و هر کس که بداند و من این  
 اسم **الوئی** و الحمد مدت شصت و بعد تکبیر بنویسد اسم بسیار  
 نفاذ دارد و چهار صد سی عدد است بی با و الف لام عدد یکصد  
 صد سی دو بار پیش و چهار این شو کند پیدا آید در لیکن و  
 و خاصیت که بدان و شایع گردد و پسندیدند خود گردد و در  
 زبانها شود و معجز و مکرم امراء و وزراء و سلاطین علوم شود و  
 دها و مشهور شود کار کرد و غم بر او راه نیابد دام مشرب باشد مربع بی

ح	م	ی	د
ی	د	ح	م
د	ی	م	ح
م	ح	د	ی

  

۱۵	۱۸	۲۱	۱
۲۰	۹	۱۴	۱۹
۱۰		۱۶	۱۳
۱۷	۱۲	۱۲	۲۲

**الحمد** یعنی خدا داناست عدد چیزی این نامی است که  
 بندهکان نام خوب است این نام خواهند خواند اهل چین و کوهنگ

بگوید و بعد از آن بر زمین در یک جا خالو  
 سه یا با برهنه نماید کوهنگ را کج  
 کند یکصد مرتبه بگوید یا وهاب  
 و حاجت را از خداوند بخواند بقیه  
 بر آورده و از سجده است که خواست  
 حضرت میگردم و بخواهد همین  
 که هنوز عمل تمام نشد است حاجت  
 شد ایضا حاجت هر مطلب و در  
 نماز طاعت بگذارد بعد از حمد است  
 این را بخواند **اللهم لطیف الغیب**  
**بزرگ قوتی** و هو القوی العین  
 چون سلام دهد بر او بسیار  
 یکصد مرتبه نذر بار بگوید یا لطیف  
 و بعد بجهت کند حاجت و ناست  
 باجا بیست و ن خواهد شد و ناست  
 روز صبر کند اگر ناخیزد و حاجت نافع  
 شود بماند و در کتب از بهین طریق بگذارد  
 و اسم مذکور از نصد سه مرتبه بخواند  
 حاجت را و بی گوید من خود  
 بخند بگوید



# در سر کلمه مبارکه المعصنه

(۱۰۸)

احصا این نام کند اول باید که بداند که علم خدای تعالی بر کلمات  
و جزئیات محیط است پس رو بخضر دستاورد و ملازم مطیع  
خضر عزت باشد تا او را عالم بر خواص اشیا و مخلوقات  
گرداند و یکی از اکابر فرموده هر که در سازد روز جمعه هزار و پانصد  
پنجاه و پنج نوبت بخواند حتما قیامت بر او آسان گردد خضر امام  
رضا علیه السلام فرموده اند هر که شب جمعه هزار و پانصد پنجاه  
پنج نوبت بخواند روز آخر حشا وی سهل گردد اما اگر کسی در روز  
و هر روز هزار و پانصد پنجاه و پنج بار بخواند اگر حساب ملکوتی  
بوی دهند از عهد بپرز تواند آمد و بر او آسان گردد و دعوت  
این اسم مناسب کسانی است که در حشا عاجز باشند و ندانند که این  
اسم خصص پنجاه و چهار و بقول شیخ هزار یک عدد و این عدد کبیر  
است مدت چهار روز و یا این عدد باید خواند تا نسیان دفع  
شود و هر چه بشنود یاد گیرد و در حساب اشیا ننگد

۳۶	۴۲	۴۸	۲۲	م	ح	ص	ی
۴۶	۲۴	۳۴	۴۴	ص	ی	م	ح
۲۶		۳۸	۳۲	ی	ص	ح	م
۴۰	۳۰	۲۸	۵	ح	م	ی	ص

المبتدئ یعنی فریبنده هر چه بوی عدت و حاجت این نام علی است

ایضا هر گاه کسی را حاجتی  
باشد سه روز چهارشنبه و پنجشنبه  
و جمعه در روزها بخواند روز جمعه  
قبل از زوال بعد از غسل دو رکعت  
تاریخ نیت حاجت بگذارد و در  
هر رکعت بعد از حمد یا نیت و در  
قل هو الله و انخواند و در هر مرتبه  
رکوع قل هو الله و انخواند و در هر مرتبه  
در هر رکعت بعد از رکوع و در  
هر مرتبه در سجده اول ده مرتبه و در  
سجده ثانیه ده مرتبه و بعد از سجده  
دوم ده مرتبه هر دو رکعت همین  
طریق تمام نماید و بعد از خواندن  
خداوند بجای آورد و صلوات بر  
محمد و آل او فرستد و حاجت خود را  
از خداوند بخواهد که عجز است  
ایضا از سید کاتبان صلوات  
علیه و آله منقول است که چون کسی را  
حاجتی پیش آید

۵۲



# در شرح کلمه مبارک المیکه

(۱۰۹)

که ارواح زاده و اشباح برکت این نام در میان و زند اهل تحقیق  
 گویند هر که خواهد این اسم کند اول باید که حضرت عزت را فریاد  
 همه اشیا و خلایق بگوید تا خدا بیجا بعدت کامله او را از بلایا  
 و نیکبایا و در داود حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند  
 هر که در کاری شروع نماید اول باید که این نام با اکرام رانجا  
 و شش نوبت از سر تعظیم بگوید بعد از آن بدان کار اقدام نماید  
 البته تا تمام رسد شیخ فرموده هر که ظالمی فرزند باشد که این  
 اسم را نماید زایم در دل خواند وقت صحبت با حلال خود زن  
 شوهر هر دو صدا و صفت نماید حضرت عزت ایشان فرزند صالحا  
 کرامت فرماید اگر از فوشت حمل ترسند بهتر است بر لوح عقوف  
 یا بنیطریق نقش کنند یا بر شمشیر عورت بگردن خود بندند و مرد  
 انگشت شهادت را بر گرد شکم زن بر او زوا کر شوهر حاضر نماید  
 پیکر یا برادر غسل کنند بدین عمل قیام نمایند چون تمام نماید  
 بگذارد همچنان بر جانا نماز نشسته رو بر روح حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله فرستد نود و نه بار این اسم بخواند و بیاید  
 حامله مدتی در پاهای او و زچهارکتند آنچه در شکم زن بود  
 خدا بیغالی این وساله دارد و اگر حامله بند که این اسم صدا و صفت  
 نماید بیگانه وضع حمل شود و اگر عورت بود که زایم حمل او بیجا

دو رکعت نماز بگذارد و بعد سر  
 سجده نهد و سه بار این دعا را  
 بخواند البته هر چه او کفایت شود  
 خداوند التوفیق العظیم  
 بسم الله الرحمن الرحیم  
 اللهم انی استسئلتک باسمک  
 العظیم الکبیر الاکبر الذی لا  
 یحیی و لا یموت و انما استسئلتک  
 و عبت بک حاجت و انما استسئلتک  
 ان تعطینى ان تقضى حاجتی بحیرة  
 محمد و علی و فاطمة و الحسن و  
 الحسين ارضاء و اذانتک که  
 شخصی خدمت امام جعفر صادق  
 علیه السلام مشرف شد و شکایت  
 از فقر و فاقه نمود حضرت امام فرمود  
 که سه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را  
 زوزه بگذارد و در روز جمعه دو سه  
 ساعت کد نشسته در ایام خانان یاد نماید  
 حضرت رسول ص و از بار کند و بعد  
 از آن هر روز انوار برهند کند و  
 بر زمین گذارد و دست راست را  
 در جیب گذارد و زوزه  
 بگذارد







# در سر کلام مبارک المعین

(۱۱۱)

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که خواهد که  
 هیچ چیز از او فوت نشود باین ورد قیام نماید هر روز در چو  
 طرف خانه خود هفتاد نوبت بگوید یا معین ایزد تعالی  
 از خانه و اسالی دارد اگر غایب است دارد بزور و بطریقه حضرت  
 شیخ فرموده که اگر کسی غایب در روز و از او خبر ندارد شب جمعه دو  
 و پنجاه نوبت چون مردم آرام گهند بر خیزد و غسل کند باید که در روز  
 صد داده باشد و در رکعت نماز بگذارد و در پیشانی کند و  
 پنجاه مرتبه یا معین بگوید در هر رکعت خانه هفتاد بار دیگر  
 بگوید دست دارد و انقدر که تواند بگوید طلب غایب کند  
 چون در شب قیام نماید بزور غایب بخیر و برسد از چگونگی  
 احوال و مطلع گردد و هر کس که بدعوت این اسم مداومت نماید  
 چهل روز بعد کسیر که هزار بار است یا بعد تکبیر که مع صد  
 و مؤخر هشتصد عد است که باید خواند اما اگر بعد تکبیر خوا  
 در هر شبانه روز بگوید ده عد تکبیر بخواند که هشتاد بار  
 او را بود در میان صاحب دعوت اسماء الله تعالی که قدری  
 که از در یافتن عاجز باشد این اسم باین نحو خاص مجرب دارد  
 و در صد دعوت بر صاحب ظاهر کرد و مشایخی که دعوت  
 این اسم کرد اندک از صاف و صافیت کرده اند بدانند

والله اعلم  
 و این بزرگ داد شود  
 بجهت ادا این و نوسه روز و پنج  
 است منسوب بحضرت امام محمد  
 علیه السلام و این باین نحو است  
 چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعت  
 رکعت اول بعد از حمد و بار سوره حمد  
 بخواند و در ثانیه بعد از حمد و بار سوره  
 و آیه الکرسی و بعد از سلام از اول رکعت  
 سوره بخواند و بعد از آن آیه الکرسی  
 ده بار بگوید سبحان الله الواحد  
 سبحان الله الواحد سبحان الله  
 الله الفرد الصمد سبحان الله  
 الذی وقع السماء یغیر علی  
 بلا صاحبی و آیه و در رکعت اول  
 از دو رکعت ثانی بعد از حمد سوره  
 سوره الطه که آیتها و سبحان  
 و در این سوره



# در شرح کلمه مبارک الحی

این نام و دعوت این نام مناسب است که از شفا و شفقت  
روشنند مداومت این اسم فرمایند هر روز و اگر پیشرو بعد از هر نماز  
صد بار و چهار نوبت بگویند و بر سعات ایمان شود و مرغ این است

۳۰	۳۶	۴۲	۱۶	م	ع	ی	د
۴۰	۱۸	۲۸	۳۸	ی	د	م	ع
۲۰		۳۲	۲۶	د	ی	ع	م
۳۴	۲۴	۲۲	۴۴	ع	م	د	ی

**الحی** یعنی زنده کننده و جان دهنده هر جا در این نام  
است که استخوانها پوسیدند از برکت این نام لحم بیوند اهل جنین  
گویند هر که احصا این اسم کند اول باید که بداند که بیاند که بیاند و در  
کننده جمله مخلوقات است اول باید که بیاند که بیاند از فضل بها  
از چو خشک گناه سبز نرم برون مینا و رود کلام مجید فرمود  
که فانظروا الی انوار رحمة الله کبیر الحی الارض بعد موتها  
و چون بد خدا بخورد با بر صفت بدانند بد عوان این اسم شرف  
قیام نماید محیی قدیم دل او را زنده گرداند خیر امام ضاع علیها  
فرموده اند هر که از نوح صعبت و شیخ فرموده هر که از سلطان  
تو هم است از کتب پابند کردن بهم ذات هفت روز در نماز  
و فراغت این اسم نمودن نوبت بخواند بر خود طرز جمله فایده

سوره قدر و سوره مرتبه سوره اذا  
ذولنا الارض بخواند و چون فارغ  
شود در سجده هفت بار بگوید  
اللهم انی استسئلتک التیسیر  
فی کل عسر فان تیسیر  
التیسیر علیک یسر و سراز  
سجده بردارد و ده بار این را  
بخواند قلله الحمد رب السموات  
والارض وهو الغنی العزیز  
بجفت تو سعه درون و انواع فوج  
و دفع فقر این نماز سیرم الارض  
است از حضرت رسول صلی  
الله علیه و آله روایت است که  
هر که پیش از نماز یا بعد از آن  
نماز بگذارد و در رکعت اول هفت  
بار سوره حمد و یکبار سوره  
توحید بگوید بخواند و بعد از نماز  
بسیاحت اربعه بار و  
صلوات

۴۹



# در شرح کلمه ربنا که المہبت (۱۱۳)

و شیخ مغرب فرموده هر که خوانده رقبه زخم نبرد تا قیامت که روح در دنیا بنام اربعه تکبیر که بیست و نه بار بخواند سالها از پوسیدگی

۱۶	۲۲	۲۸	۲	ی	ی	ح	م
۲۶	۴	۱۴	۲۴	ح	م	ی	ی
۶		۱۸	۱۲	ح	ی	ی	ی
۲۰	۱۰	۸	۳۰	ی	ی	م	ح

**المہبت** یعنی بر آمدن هر روزه این نامی است که انبیاء و اولیاء و اکام از عهدی این نام بشکند اهل خیف گویند هر که خواهد حسا این اسم کند بد که خوراک پیش قدر حق چون داند در شمس سال تا خوب بخانه و کجا او را از زمین نگاهدارد در دنیا و آخرت و از بنو معرفت خود ریزد دارنا تواند باشد که بچند ثابت شد است خداوند نماید ریش است فرض نماید است ب خدا سبحا او را از ذوال ایمن نگاه دارد و دل و زانو اگر داند و دعا این است **اللهم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا الله یا الله یا الله یا لا اله الا انت استمک ان یحیی قلبی بنور معرفتک ابد یا قریب یا مجیب اللهم و لی الا سلام و اهله بدینی علی الاسلام محیی بقلی انک به اللهم حب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و رب محمد و آله**

در باره فرستاده شده در تبه گوید  
 یا غیبات المستغیبین اغنی عنی  
 حاجت که دارد از صفای طلب  
 کند البته روا شود تا تمام  
 در بیان مطلق و طوط و کلمات  
 مؤثره و اشباهه و افعیه بحال عبان  
**اللهم قاع علی الشیء ربنا**  
 اولی صبح و اولی و اولی و اولی و اولی  
 و وزیر او و اولی و اولی و اولی  
 باین خواست که در عهد اسم مطلوب  
 چند حرف است و بعد از اسم از اسماء  
 هشتم که در بیست و هشتم است و بعد از  
 الله بازا و از حرف مناسب حرف است  
 شده که هر یک مناسب است و بعد از  
 ذکر آن حرف که بازا و حرف و بعد از  
 الله را گرفته که بازا و حرف و بعد از  
 وضع شد و بعد از اسماء خداوندی  
 اسماء الله و خوانده و دعا و دعا  
 نماید



# در شرح کلمه مینا که المینت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ مَا مَقَّبَلْنَا الْقُلُوبَ  
 وَالْأَبْصَارَ رَبِّتِ قَلْبِي عَلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
 حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که آن کس که نفس اماره  
 بر او غالب نباشد خواهی که مطیع و گردد باید که بوقت خواب هر  
 دست بر سینه نهید و صد بار بگوید یا مینت بعد از آن همچنان  
 میگوید تا در خواب شود و صبح نماز او را مطیع و گرداند و اگر سلخ  
 ماه به نیت ظالمی صد بار نوب بخواند ظالم هلاک شود برای  
 دفع خصما قوی چهل روز هر روز بعد تکبیر که هزار و نیا صد  
 هفتاد نوبت است بخواند دشمن مفهومی گردد و در فضیلت این  
 اسم المصوّر المبیّد المعین المحیی الممیت شیخ

المیّن	المیّن	المیّن	المیّن
المیّن	المیّن	المیّن	المیّن
المیّن	المیّن	المیّن	المیّن
المیّن	المیّن	المیّن	المیّن
المیّن	المیّن	المیّن	المیّن

فرموده که این اسما  
 ذکر اهل عبادت  
 هر کس که یک این  
 بندگوار این اسما  
 نماید عالم گردد و  
 طالب علم بدعوت  
 این اسما قیام یابد  
 عالم گردد و فهم ادراک و عقل او را بود که خود منجربانند

مثلاً خود نامی اگر مطلوب باشد  
 بعد از حذف مکررات روح و  
 دست استیک در مقابل هم وضع  
 شده باری است عدد باری و درین  
 نبرد است همین عدد بخواند بعد از  
 آن اسمی را که مقابل حروف خاصه  
 شده است که یا مینت باشد به  
 علاوه که چهل باشد بخواند پس از آن  
 اسم مناسب و او که سلام باشد  
 بعد از او که صد سی و یک است بخواند  
 بعد از آن اسم مناسب دل را بگیرد  
 او که نوز و یک باشد بخواند عدد  
 آن شخص مطیع و مغرور گردد و  
 از سخن وی بیرون رود و بعضی گفته  
 اند که اگر سر عنایه خواهد  
 اسمیکه در مقابل  
 حرف







# در شرح کلمه مبارکه الفیوم

(۱۱۴)

۱۲	۱۵	۱۸	۴	ی	ح	ا
۱۷	۵	۱۱	۱۶	ل	ا	ح
۶		۱۳	۱۰	ا	ل	ح
۱۴	۹	۲	۱۹	ح	ی	ل

**الفیوم** یعنی خدای فایم و پاینده و همیشه زوال که  
 ذات او قائم بخیر است بواسطه عز این نامی است که هرگز  
 از عظمت این نام بزدان خود نصرتی حاصل نمیشود  
 خواهد حصا این اسم کند باید که قیوم پاینده را فایم داند و قیما  
 جمله مخلوقات و حرکات همه موجودات بقیوم کامل او شناسد  
 ایند قیوم نام و زاد مهتاب بندگان خود پاینده دارد خضر امام  
 رضا علیه السلام فرموده که ایند واسم او در ساعتی در روزگرم  
 و مرادات او حاصل شود و بر دشمنان غالب بود او را بود نصرت  
 دلها و مرادات او حاصل شود برود از کل و جز بیک اسم حی و قیوم  
 و یکی از اکابر فرموده هر که مداومت نماید بر تکرار این اسم خاص بقیوم  
 سحرگاه فاد کردد بر آنکه نصرت کند دل خلائی چنانکه خواهد  
 اکثر اکابر بر آنند که اسم اعظم ایند واسم است که از جمله اسما ذات  
 و از امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که فرمودیدم رسول خدا  
 در حالت اضطرار کفنه نوحی یا قیوم در خافوخ سپید و هم شیخ

یا غفار ۱۲۸۱  
 یا قیوم ۱۲۸۲  
 یا قیوم ۱۲۸۳  
 یا قیوم ۱۲۸۴  
 یا قیوم ۱۲۸۵  
 یا قیوم ۱۲۸۶  
 یا قیوم ۱۲۸۷  
 یا قیوم ۱۲۸۸  
 یا قیوم ۱۲۸۹  
 یا قیوم ۱۲۹۰  
 یا قیوم ۱۲۹۱  
 یا قیوم ۱۲۹۲  
 یا قیوم ۱۲۹۳  
 یا قیوم ۱۲۹۴  
 یا قیوم ۱۲۹۵  
 یا قیوم ۱۲۹۶  
 یا قیوم ۱۲۹۷  
 یا قیوم ۱۲۹۸  
 یا قیوم ۱۲۹۹  
 یا قیوم ۱۳۰۰  
 یا قیوم ۱۳۰۱  
 یا قیوم ۱۳۰۲  
 یا قیوم ۱۳۰۳  
 یا قیوم ۱۳۰۴  
 یا قیوم ۱۳۰۵  
 یا قیوم ۱۳۰۶  
 یا قیوم ۱۳۰۷  
 یا قیوم ۱۳۰۸  
 یا قیوم ۱۳۰۹  
 یا قیوم ۱۳۱۰  
 یا قیوم ۱۳۱۱  
 یا قیوم ۱۳۱۲  
 یا قیوم ۱۳۱۳  
 یا قیوم ۱۳۱۴  
 یا قیوم ۱۳۱۵  
 یا قیوم ۱۳۱۶  
 یا قیوم ۱۳۱۷  
 یا قیوم ۱۳۱۸  
 یا قیوم ۱۳۱۹  
 یا قیوم ۱۳۲۰  
 یا قیوم ۱۳۲۱  
 یا قیوم ۱۳۲۲  
 یا قیوم ۱۳۲۳  
 یا قیوم ۱۳۲۴  
 یا قیوم ۱۳۲۵  
 یا قیوم ۱۳۲۶  
 یا قیوم ۱۳۲۷  
 یا قیوم ۱۳۲۸  
 یا قیوم ۱۳۲۹  
 یا قیوم ۱۳۳۰  
 یا قیوم ۱۳۳۱  
 یا قیوم ۱۳۳۲  
 یا قیوم ۱۳۳۳  
 یا قیوم ۱۳۳۴  
 یا قیوم ۱۳۳۵  
 یا قیوم ۱۳۳۶  
 یا قیوم ۱۳۳۷  
 یا قیوم ۱۳۳۸  
 یا قیوم ۱۳۳۹  
 یا قیوم ۱۳۴۰  
 یا قیوم ۱۳۴۱  
 یا قیوم ۱۳۴۲  
 یا قیوم ۱۳۴۳  
 یا قیوم ۱۳۴۴  
 یا قیوم ۱۳۴۵  
 یا قیوم ۱۳۴۶  
 یا قیوم ۱۳۴۷  
 یا قیوم ۱۳۴۸  
 یا قیوم ۱۳۴۹  
 یا قیوم ۱۳۵۰  
 یا قیوم ۱۳۵۱  
 یا قیوم ۱۳۵۲  
 یا قیوم ۱۳۵۳  
 یا قیوم ۱۳۵۴  
 یا قیوم ۱۳۵۵  
 یا قیوم ۱۳۵۶  
 یا قیوم ۱۳۵۷  
 یا قیوم ۱۳۵۸  
 یا قیوم ۱۳۵۹  
 یا قیوم ۱۳۶۰  
 یا قیوم ۱۳۶۱  
 یا قیوم ۱۳۶۲  
 یا قیوم ۱۳۶۳  
 یا قیوم ۱۳۶۴  
 یا قیوم ۱۳۶۵  
 یا قیوم ۱۳۶۶  
 یا قیوم ۱۳۶۷  
 یا قیوم ۱۳۶۸  
 یا قیوم ۱۳۶۹  
 یا قیوم ۱۳۷۰  
 یا قیوم ۱۳۷۱  
 یا قیوم ۱۳۷۲  
 یا قیوم ۱۳۷۳  
 یا قیوم ۱۳۷۴  
 یا قیوم ۱۳۷۵  
 یا قیوم ۱۳۷۶  
 یا قیوم ۱۳۷۷  
 یا قیوم ۱۳۷۸  
 یا قیوم ۱۳۷۹  
 یا قیوم ۱۳۸۰  
 یا قیوم ۱۳۸۱  
 یا قیوم ۱۳۸۲  
 یا قیوم ۱۳۸۳  
 یا قیوم ۱۳۸۴  
 یا قیوم ۱۳۸۵  
 یا قیوم ۱۳۸۶  
 یا قیوم ۱۳۸۷  
 یا قیوم ۱۳۸۸  
 یا قیوم ۱۳۸۹  
 یا قیوم ۱۳۹۰  
 یا قیوم ۱۳۹۱  
 یا قیوم ۱۳۹۲  
 یا قیوم ۱۳۹۳  
 یا قیوم ۱۳۹۴  
 یا قیوم ۱۳۹۵  
 یا قیوم ۱۳۹۶  
 یا قیوم ۱۳۹۷  
 یا قیوم ۱۳۹۸  
 یا قیوم ۱۳۹۹  
 یا قیوم ۱۴۰۰



# در سر کلمه مبارکه الفبوی (۱۱۷)

فرموده که این دو اسم کبریا اهل مراقبت است و لا یوطا لبان جاورت  
 جویندگان زو سببار و اوقات عو این اسم زو و شمر ناطو  
 افتابست از جمله اسماء تختها یکی این است یا حی یا قیوم یا لا اله الا الله  
 الا انت و بعضی بگفته اند یا حی یا قیوم یا لا اله الا الله محمد  
 رسول الله علی ولی الله و بدین نام هر چه بخواهد بجا و هر چه نخواهد  
 توانی کرد از خواص این اسما حکایات غیر بگفته اند از ظاهر شد  
 قدر و سرعت اجابت قضا شد حاجا و برادران مقاصد مانجه  
 منقده مان در کتب کر کرده اند از خواص این اسما و برایشان کشف شده  
 ما جمله زاد در بن مختصر بناوریم ناید و ستا اسان کردی و بدی ملاحظه  
 امانا نمایند حضرت شیخ فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
 پنجاه و یکبار بخوابد بدم عرض کردم یا رسول الله خراجی بفرمایید  
 که بید زنده کردی دل من و پانک کرد از کدوان انحضرت فرمود که  
 بر تو باد که هر دو چهل و یک نوبت بگوئی یا حی یا قیوم یا لا اله  
 الا انت استسئلک ان تجیبی قلبی بنور معرفتک بدارنا الله و  
 خواص این اسماست و جمعی از بزرگان فرموده اند هر که خواهد که  
 بدعو این اسما قیام نماید یا مردم خلاط کم کند کم خود زین پس گیرد  
 و پیوسته صائم و با وضو باشد تا نواند دخلو نکند و اگر در کتبش و در وقت  
 سخن اگر باشد یکی از شرط است که بعدت کبر تمام حرف سخاتم

و در خصوص مراد آن و اولیای  
 بیخ صلوات بفرستد و در بار  
 باوردی الغالبی اعتبار بر صد مرتبه  
 بگوید و کفنی یا الله حسینا و کفنی یا الله  
 علیما و کفنی یا الله ولتیا و کفنی یا الله  
 شهیدا محمد رسول الله محمد  
**در کتب**  
 که اگر اراده کنی در شهر یا در وقت مسکن  
 و منزل خانه و زانی که ماندن در آنجا  
 خوب باشد اسم خود و مواد خود و نام  
 شهر یا قریه و اسم مکه را بگفتا و کبریا  
 چها چها طرح کن که بماند تعجب  
 کشد و اگر بماند متوسط باشد و اگر  
 سبب بماند که در وقت سدی اگر  
 سقاات باید و بدلت سدی و  
 بماند برای کسی و لاد میباید اسم و  
 بماند او و اسم او و مواد او را بگفتا  
 ایچید صبر سیزده مرتبه کند که سیزده  
 بماند او و لاد میباید و اگر کسی  
 بماند او و لاد میباید و اگر کسی  
 بماند او و لاد میباید







# شرح کلمه مبارکه الفبوی (۱۱۹)

وعدتکسر این دو اسم هزار و هشتصد شانزده عدد است و اگر نتواند این عدد را پیش از طلوع صبح یا برآمدن آفتاب بخواند و از برآمدن آفتاب استوبک عدد بخواند بعد از نماز پیشین تا نماز شام یک نوبت بخواند از نماز شام تا وقت خوب یک نوبت بگویند که در شب بار و عدد تکسر خوانده باشد و قار و فای خواند تا آخر باقیوم یا حی یا قیوم و معاً نام در خاطر کند و اندازد و مقصود حاصل کرد و این خاتم را در ایام رانگش کند که حکم خاصه است و در او و علمها را دارد که جمیع خلایق و طبع و قوای در او و کردندان حکم و فرمانها و نتوانند بچید اما آن خاتم را از عورت و کودک و از چشم بصر و نساء نگاه دارد تا خواص نیگوید همد

۳۸	۴۲	۴۵	۳۱		ن	و	ی
۴۴	۳۲	۳۷	۴۳		و	و	ی
۳۳		۴۰	۳۶		م	و	ی
۴۱	۳۵	۳۴	۴۶		ی	و	و

**الواجد** یعنی خدای توانا است هر چه خواهد این نامی است که طالبان صادقی از برکت این نام و جگه در قبی حاصل میگردد اهل تحقیق گفته اند هر که زاد اعینه حصا این اسم باشد اول باید که بداند هر چه بر جمیع زندان زادم پوشید است بر حضرت ظاهر است بدیند

موضعی که آمده صدرا انان  
بسیار این مع الصبر است و اجتناب  
بسیار این مع الصبر است و اجتناب  
وضع احلام در وقت خواب  
بجهدی من بین الصلابة والتمسك  
اندر علی رجبه لقادیر و جهنم  
در روز جمعه هزار بار این اسم را  
بر آنرا شستن بخواند و بخورد  
مطلوبت همد و سبب نجات گردد  
و بار و زود جدا شود آلودگی  
و با قطع و عا لجان خود که از  
دماغ ابد بر پیشانی نیویسد و حال  
دماغ شود شام همام گام نام  
بسه شود شام همام گام نام  
بگاه خوشه ناشی کسی از جلیتی  
بهرین رود این اسمها را نوشند در  
میازانوی چپ گذارد و بنفشه  
یا شیخ شاه مجمل شاه مالکی اخرج  
هذا للمعون اکرم و فقر را بشود  
نویسد و اگر سوزش باشد ملاعین  
نویسد











# در سر کلمه مبارک الواحد

(۱۲۲)

**الواحد** بقیه خدای تعالی بگانه است رصفان الوهیب و یادش  
خوبتر این نامی است که از بزرگی صفت این نام در دل هیچکس نگنجد  
امام رضا علیه السلام فرماید هر که در امر صعب دست برد کند و  
هر روز صد بار نوبت بگوید یا واحد از آن بیماری صحت یابد و  
از آقا برکت هر که در راهی با چاله از نماند زبید از او شخصه تا  
بود یاد رخلو منوهم باشد این اسم ظاهر و بگانه چونان نجات یابد از

۱۲	۱۵	۱۸	۵	توسن این کود	د	ح	ا	و
۱۷	۶	۱۱	۱۶		ا	و	د	ح
۷		۱۳	۱		و	ا	ح	د
۱۴	۹	۸	۱۹		ح	د	ا	و

**الأحد** بقیه بگانه در بگانه بی همتا در ذات خویش است  
این نامی است که همه عالم و عالمیان برکت بزرگوار بی این نام خلق  
شده و ظاهر گشته اند اهل حقیقت گویند هر که را داعیه عوت این  
اسم است قل باید اعفاد کند احد قدم او است هر یک از افراد عالم  
با واحباج است و حضرتنا و محتاج هیچکس و هیچ چیز نیست چونان  
این اعفاد واقع شود حضرت احد و زایه کار بر طبق برسانا این  
شناخته است در امن توکل زده پادیده امتناع کند و یکی  
از آقا بر فرموده هر که مداومت نماید در رخلو بعد کبر بخواند چو در

یا ابا القاسم در زکریا در زکریا ولا تدع  
فان فی غایب ذلیل بحکم و نعمت  
و عزت و فراخی در روز محبت علیک  
مست و شش بار و عدد و سینه چهل  
هشت بار و صغیر هفت مرتبه در یک  
علی بخواند بحیرت فان تو لو افضل  
حسب الله لا اله الا هو علی توکل  
و هو رب العرش العظيم منقول  
که این حرف بجهت قضا حاجت عظیم  
است بسیار از بزرگان بر این مد  
نموده و مطلب خود را در یافته اند  
فان هر بعد و یا والی الوالی یا  
قطر العجایب یا منی علی  
بها بی علیه از همه منقولست که هر که روز  
چهارشنبه شروع کند تا ده روز که آخر  
از جمعه باشد هر روز یکصد مرتبه  
یا حاضر قلب و طهارت جامه بدن بخواند  
که مطلب در روان شود و بر من بخواند  
بیم الله الرحمن الرحیم  
ب











# در شرح کلمه مبارکه الفاتحه (۱۲۵)

۳۳	۳۶	۳۹	۴۲	۴۵	یا	ص	م	د
۳۸	۲۷	۳۲	۳۷	۴۱	م	د	یا	ص
۳۸		۳۴	۳۱	۴۱	د	م	ص	یا
۳۵	۳۰	۲۹	۴۰		ص	یا	د	م

الفاتحه یعنی خداوند توانا بر هر چه خواهد که مقرر و معاد  
 دیگری در همه احوال این فاتحه است که ادراک علیها سلام  
 بر موم خوب است این نام نبوت یافت اهل تحقیق گویند هر که  
 خواهد حصا این نام با هیت احترام کند باید بداند که توان  
 بجهت قدرت قادر است هر چه خواهد کرد هر چه خواهد کند بقل  
 الله ما یشاء و لیس ما یرید پس باید نیک ترود و حضور کند  
 و کار خوب بکار ساز باز کند تا قادر روی توانا دهد  
 آنچه خواهد خیر تمام رضا علیها سلام فرموده اند هر که در  
 وقت وضو ساختن بر هر عضو سه بار بگوید بر خصما غالب بود  
 ضعیف بود یکی از کار فرموده هر که در محل قتال و جدال با خصم  
 بد کرد این اسم خدا و منت بخشد بر خصما غالب گردد و هر که را خصم  
 باشد در دست اسیر غایب باشد این اسم را در وقت طهارت  
 بگوید او منت بخشد خصما را خصم و ذام علیه کرد (در هیچ از وضو بعد)

و هر روز از چهار اسم بگوید  
 خود بخواند عجایب است  
 راوی گویند در عمل تمام  
 جعفر صادق علیه السلام بود  
 عرض کرد که پادشاه مرا از پیشانی  
 و من از او و انبیا او خوف دارم حضرت  
 فرمودند اگر چنین است نباید کن در  
 اطراف خود شهری و قلعه عرض کرد  
 چگونه بداند این قلعه را فرمودند  
 که هرگاه از منزل خود بیرون میری  
 بخوان سوخته قل هو الله احد و در  
 چهار سمت خود بگو یا این ترتیب است  
 از پیش رو بعد از جانب راست بعد از  
 طرفت سر بعد از چپ بعد از  
 از بالا ای سر بعد از بر ما پی خود تا  
 برای تو مانند حلقه و قلعه باشد  
 که محافظت کند تو را در این دنیا  
 ضرر پادشاه و سلطان است  
 از خصم است امام جعفر  
 صادق



# در شرح کلمه مبارکه المفتد

(۱۲۶)

۷۶	۷۹	۸۲	۶۸		ر	د	ا	ق
۸۱	۶۹	۷۵	۸۰		ا	ق	ر	د
۷۰		۷۷	۷۴		ق	ا	د	ر
۷۸	۷۳	۷۱	۸۲		د	ر	ق	ا

۸۴

**المفتد** یعنی خدای تعالی را بر او آورد و بر او هم چیز از مرتبه  
 اسفل به اعلی درجه از کمال درجه اعلی باز برنده یا سفلی این نامی است  
 که روح ربد از بوکت این نام در ابد از غضب این اسم برین دو اهل  
 حقیقت گویند هر که از خواب بیدار گردد و همچنان چشم بر هم نهند  
 گوید تا مفتد و مکرر سازد حضرت و قیامت چشم او در  
 سازد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در حرب خصم  
 نوشته و یا خود دارد بدگران مداومت نماید غالب شود بر خصم دل او  
 بیدار گردد از خواب غفلت بکی از اکابر فرموده که این اسم در این  
 شخص میان کنیم بد خاصیت اول درجا و منصب و قدرت و منزلت  
 نزد اکابر و خویشان دوستها و دیگر شکست خوری و کسر اعدا  
 و غلبه ایشان از اعلی درجه سفلی هر که خواهد این را و مضمون یکی  
 باشد و بر او بدین نحو این اسم بعد کامل یک مرتبه گفتار فریاد کند که اگر  
 جا و منصب مضمون است نام خود نام آنکس که تفریب او میجوید یا این اسم

که آنحضرت بفرام خود فرمود که هر که  
 خواهد در وقت حاجت بگوید  
 که آن حاجت مقصود بود بعد از این  
 تا نام او نوشته باشد در یاد این  
 بسم الله الرحمن الرحیم  
 الحمد لله و عهد المبین و الصابرين  
 الخیر من یاکفون و الذین  
 حمت لا یحسبون جعلنا الله  
 و اولادهم من الذین لا یخوف علیهم  
 در نسخ دیگرها اینطور  
 نوشته و بعد از نوشتن این اسم  
 بار بنویسد ابو تراب ابو تراب  
**انصا** حاجت این مطلب قدری  
 خالد در غده برآورد و بعد از آن  
 البت مقصود بعد  
 آید







# شرح کلمه مبارک المنفد

۴۴۸	۴۵۱	۴۵۴	۴۴۱		۱۸۵	۱۸۹	۱۹۲	۱۷۸	م	ق	ت	د	ر
۴۵۳	۴۴۳	۴۴۷	۴۵۲		۱۹۱	۱۷۹	۱۸۴	۱۹۰	د	ر	م	ق	ت
۴۴۳		۴۴۹	۴۴۶	۱۹۴	۱۸۰		۱۸۷	۱۸۳	ق	ت	د	ر	م
۴۵۰	۴۴۵	۴۴۴	۴۵۵		۱۸۸	۱۸۲	۱۸۱	۱۹۳	ر	م	ق	ت	د

## المنفد

یعنی پیش ازنده نیکی و بدی و طهر چهره سرا و اربابا  
 این نامی است که موسی علیه السلام بهر کت این نام بر طوطی قوت  
 یافت کلام بچون نشیند اهل تحقیق گویند هر که خواهد حسا  
 این نام کند اول باید که در جمیع مورد که او را پیش اید کار درین  
 دنیا مقدم دارد تا خضر عزت او را در زمره ارباب یقین دار  
 و دعا او را بصدایم اجابت کند و دعوی این نام مناسب است  
 است که ایشان را قبض و ببط باشد کار ایشان ره هیچ مراد  
 پیش میرود دعوی این اسم بوع نماید حضرت امام رضا علیه  
 فرموده اند هر که در چنین خوف این نام را بسیار گوید این  
 کرد و از هیچ چیز نترسد و یکی از اکابر فرمود که جمیع این  
 این اسم را با این طریق (در صفحه بعد نموده میشود) اگر سلطان  
 بر سر علم بند ناهر لشکر که با خود دارد بر خشم غالب ایدامانا  
 در و مربع نویسد یکی بحروف و یکی بعد و حرف با بر عد مقدم

از سر سامن کفخی در و این  
 کرده که چون در روز دشمنی شکست  
 کسب فیض جمیع و در هر حرفی  
 انگشت عقدن و ابتدا کن از انگشت  
 ابهام دست راست و ختم کن با انگشت  
 ابهام دست چپ و بخوانند سو و پیارا  
 چون بیکایه تریمه و سندان کلمه را  
 ده بار و گوید در هر بار با انگشت  
 انگشت را بکشد و این از عجایب  
 و عجایب است ایضا از جمله  
 عجایب است ایضا از جمله  
 قضای عوالم بجهت حصول مراد  
 چون عوالم











# در شرح کلمه مبارک الاخر

(۱۳۱)

۹	۱۲	۱۵	۱		ل	و	لا	ا
۱۴	۲	۸	۱۳		لا	ا	ل	و
۳		۱۰	۲	۱۷	ا	لا	و	ل
۱۱	۶	۴	۱۶		و	ل	ا	لا

گویند هر که خواهد احصا این اسم کند باید که با خود شتر  
 کند و غیرت جزم گرداند که هر قول و فعلی که از او در جوار  
 خاصه الله باشد هیچ عمل بر نماند تا خانه کار او بجز  
 باز گردد و در نحو این اسم مناسب کسانی است که در دنیا از خانه کار  
 بر روند و در شاندا بر دستخانه و تعاضم کار شریعتان ایمان گردانند  
 شیخ فرموده که فازی این اسم هر حال بصفا یا طن خوشحال بود  
 و اهرم دل و خرم باشد با ایمان و معرفت کامل دایم متوجه سنانه  
 که با بود و او را رضوان که بر صید کبک چون صید دل گوید و معنی دل گوید  
 بزبان گذراند فادل و سی از زنده و ایمان و راز اگر با شما حتما خود گردانند

۱۴۲	۲۰۶	۲۰۳	۲۰۰		ا	لا	خ	ر
۲۰۴	۱۹۹	۱۹۳	۲۰۵		خ	ر	ا	لا
۱۹۸	۲۰۱		۱۹۴	۲۰۸	ر	خ	لا	ا
۲۰۷	۱۹۵	۱۹۷	۲۰۲		لا	ر	ا	خ

کرده و هفت بار سوره را بکن  
 بر آنها بخواند و در وقت خصم  
 در خانه در شستن بنیاید و بر این  
 شود و در آخر بر ایشان کرده هلال  
 شود و **عشراک المطالما**  
 این را بر او بر سال نویسیه و تمام آن  
 شخص را بر او نوشته در حکم آوردن  
 کند مغزول کرده و **وما محمد الا**  
**رسول قد خلت من قبله الرسل**  
**اغان فاما او قیل انقلبتم علی**  
**اعقابکم یا ایها الذین آمنوا**  
**معبیه و احاد بیعتکم و انجاح مطالب**  
**بجهت قضاء حقوق و طلب**  
**مستول بجهت سبب انشده و طلب**  
**شود و بکصد بجهت و بقره و بقره و بقره**  
**الحی و الحی و الحی و الحی و الحی و الحی**  
**و اریه و اریه و اریه و اریه و اریه و اریه**  
**و اریه و اریه و اریه و اریه و اریه و اریه**  
**صل علی محمد**



# شرح کلمه مبارک الظاهر

الظاهر یعنی خدای که پیدا است هشی و با آثار و علامت  
 بسیار در ظهور و وجوئات اهل تحقیق کویند هر که خواهد  
 این اسم که در یاد که ظاهر و باطن او با خلق خدا یکی باشد چنانکه  
 باشد چنانکه نماید باشد تا در تحشیر از صفت مشرک و حضرت  
 امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که بعد از طلوع آفتاب هر روز  
 یا در این نام را بگوید نزد تعالی او را از ما بینا نگاهدارد و اگر  
 امتد ظهور و غیبت دارد تا مابین هر روز در هر روز هر بار بگوید  
 تا در خواب یا بیدار او را از ان امر نشان دهند یکی از اکتا بر فرموده  
 هر که در دستاد و هر روز بعد از نماز چاشت این اسم را با نصدت  
 بگوید خدا تعالی بکمال قدرت ظاهر و باطن او را نورانی کند او را  
 دل او را از خوار غفلت بیدار کند از نار یکی دل بمن شود و عود  
 این اسم مناسبت کانی است که خواهند دشمن خورام فهو گردانند که  
 ایشان را هیچ خلقی در از نباشد زوال نعمت ظالم خواهد شد و  
 بخواند این اسم یکبار و هر روز شش بار و پنج بار و هر روز

۲۱۶	۲۷۹	۲۸۲	۲۶۹	ر	ه	ا	ظ
۲۸۱	۲۷۰	۲۷۵	۲۸۰	ا	ظ	ر	ه
۲۷۱		۲۷۷	۲۷۴	ظ	ا	ه	ر
۲۷۸	۲۷۳	۲۷۲	۲۸۳	ه	ر	ظ	ا

قال محمد و ابن جریر من لم یلم الیوم  
 انما یفسد و من الفکر الذی انما یفسد  
 یزحمیل یا از هم الراجحین البیت هم  
 او کفایت نمود و از زکیت نیز زکاد  
 حاجت او بر آورد و در مینو دو هم و هم و هم و  
 بر طرف دیگر که اما اگر در مینو یا وضو  
 و حضور قلب خواند شود بهتر است  
**مغایب** یا از هم الراجحین  
 هفتاد و دو روز نوبت بخواند کند  
 جریب است بین الله الرحمن الرحیم  
 اظنی انما فان یزید کل شیء و انما القادر  
 علی کل شیء از هم الراجحین  
 بر همین یا از هم الراجحین  
**مغایب** یا از هم الراجحین  
 صلوات بفرستد و صدق را بر این دعا  
 بخواند البته مطلب بر آورده  
 است و در عالمی که  
 کرده اند

۲۸۴



# در شرح کلمه ربنا که الباطن

الباطن یعنی پوشیده ذات او از در بافت بصا و اوها  
 این نامی است که جمله جانوران از عظمت و بزرگواری این نام جدا  
 شناخته اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد حکما این اسم کند  
 باید خود را چنان بخلو نماید که در باطن نزد خدا بیجا باشد از  
 سبک و تعالی باطن او را از ضلالت نگاهدارد خضر اقامت  
 علیه السلام فرموده اند هر که اقامتی جائز پیشاناید مقید  
 این نام را بوفوق این روش مرتع با آن و خوشنهادی را قانت بیند  
 از دست زد ساله فاند دست غیری بآن نرسد هیچ کس بر آن  
 مطلع نگردد از برکت این لوح بزرگ فرموده هر که هر روز سی و سه  
 هزار بار بربانند و مداومت نماید حتما او را از هر چیزی نجات دهد

۱۸	۲۱	۲۴	۱۰	ب	ط	ا	ن
۲۳	۱۱	۱۷	۲۲	ط	ن	ب	ا
۱۲		۱۹	۱۶	ن	ط	ا	ب
۲۰	۱۵	۱۳	۲۵	ا	ب	ن	ط

الأول الآخر الظاهر الباطن این چهار اسم  
 خواص بسیار است اسرار عجیب و احوال غریب و دعوی این اسم است  
 هر که مداومت نماید بر دعوت این نامها هفتاد و نه شرط مذکور در

و از نا اهلان تحقیق او را بدانند  
 لا تسئل الا ما جعلت تسئلا  
 و ان تسئل الخزن اذا شئت  
 سئلا تسئل لنا امور الدنيا  
 و الاخرة يا تسهل لنا يسئلنا  
 فدد يا قدسهم بر محمدك يا  
 ارحم الراحمين و بعد از فراغ  
 حاجت خود را از خداوند بخواهد  
 در شرح اسما اللدرا و در  
 هر که با مداومت قبل از نماز صبح  
 در چهار زاویه خانه خود در هر  
 زاویه بار بگوید الزواق  
 و ابتدا از دست او است که در بجانب  
 قبله رود از فضل و فایده بسیار  
 از برای قضا حاجت بعد از  
 نماز صبح صد مرتبه  
 حق



# در شرح کلمه صبا کما الباطن

شماره در بعد تکبیر اصل است بخواند که پانزده هزار چهار صد و هشتاد و چهار است چون تکرار شود و بر این دعوت نوبت باید بر او ظاهر گردد اسرار عالم و مکشوف کرد آنچه علم ظاهر باطن است بر صاحب دعوت این است و خواص ظاهر و باطن است و باطن بدانند و بر ظاهر و باطن هر موجود بدینا و توانا گرد و پیش از این در شرح این استماع شروع بنمایند که در که از حد اعتدال در گذر و چون ختم با تمام رسد باید که یا لکلمه نزل ذکر این استماع نکند و همچنین بخواند و اگر بدان حد نتواند خواند باید که بعد کبیر بخواند تا اتمام در آن حالت بماند و این مرتبه را نوشته با خود دارد

۵۲۵	۵۲۸	۵۳۵	۵۳۲	الاول	ارزاق	الظالم	الرب
۵۳۹	۵۳۱	۵۲۶	۵۲۷	الثانی	الباطن	الزوال	الفر
۵۳۰	۵۳۳		۵۲۷	الثالث	الظالم	الزوال	
۵۳۹	۵۲۸	۵۲۹	۵۳۴	الرابع	الظالم	الزوال	

۵۴

**الوالی** یعنی پادشاه فرمانروا و بر جمیع مخلوقات بنامی که جهان را برکت بر نام داشته اند اهل محبت و گویند هر که خواص این نام کند باید که محبت صالحان باشد خود بر خداوند پیش کرد و مهمات خیر و کلی خود را بخدا تعالی گذارد و ظاهر

میتواند علی این نام را بگوید بشرط حضور قلب و خضوع و خشوع البته از عبادت بر او در خواص است و همچنین از من الکریم الفیض افزای طلب مال و توسعه در احوال و غیر اینها غایت و معانی است سلام نماز صبح نیز فاصله بگوید بچشم انبیا و آل محمد و صلواتی از سوی الله تعالی انجمن و بعد صد شکر مرتبه بگوید یا خیر یا الطیف یا باسط یا مقین یا الله یا لا اله الا هو و غیر اینها و ال محمد و آل محمد و ان تصلى علی محمد و آله الطیبین غنم الاخرة و غیره و آن



# شرح کلمه مبارک الی

(۱۳۵)

باطن خود را یکی سازد تا اولی المنعالم کارها او را بنیاد ملایکه  
 بدعا او امور مهم شایندگان نیز ساخته گردد و دعوی این اسم  
 مناسبی است که خواهند بود و رجحان است سند حضرت امام رضا  
 علیه السلام فرموده اند هر که این نام بر کوزه نود و یک بار بگوید  
 و در چهار خانه و بیام سران خویش باشد بخانه از در و درگاه  
 و سبیل و درزله و حمله آنها این بود و بزرگی فرموده هر که این  
 مربع را بنویسد رشت افتاب یا در شب سید و یا خود دارد و این  
 اسم را بعد کبر هر روز بخواند این بود ز قهر سلطان و غلبه عمل  
 و منزل جایه و منصب و غرق و حرق ساله بود بر و بجز از آنست

و بلیات و تنکبات اخر الزما  
 محفوظ ماند و اگر این نام را  
 نازده عدد تکبیر بخواند هر  
 روز نایب و مدد و زود دارد  
 و در خلوت خواند چو بیرون  
 ابد تمام خلق و لایب و مطیع

۱۱۲۴	۱۱۲۷	۱۱۳۱	۱۱۱۷
۱۹۳۰	۱۱۱۸	۱۱۳۳	۱۱۳۸
۱۱۳۳	۱۱۱۹	۱۱۲۵	۱۱۲۲
۱۱۲۹	۱۱۲۱	۱۱۲۰	۱۱۳۲

مستخر و گردند و خبر بزرگی او با طرف و جوانب عالم منتشر گردد  
 و اگر در این دعوی صدق و اعتقاد بود و جهت تسخیر خدای بخواند  
 بدجه و لایب است و صنایع باطن وی را روشن نماید که بر او منکشف

تَعْبُدُونِي عَلَى طَاعَتِي وَ آذَانِي  
 حَقْلَ الْبَيْتِ اَزْ تَجْرِبَاتِ اسْتِ  
 اَزْ بَرِ اَفْضَا وَ حُجُجْ شَجِيبَه  
 بعد از نماز عشاء است دعا را  
 صد بار بخواند و صد بار صلوات  
 بفرستد البته حاجت او برآورده شود  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ  
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
 وَ عَلٰی اٰلِهِ وَ صَحْبِهِ  
 وَ اَجْمَعْ بَيْنَهُمْ  
 الْعَبْدُ وَالْعَبْدَةُ  
 فَانْ كَانَتْ دَعْوَتِي لَاصِحَّةً  
 فَاصِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ  
 بِاَعْيَانِ الْمُسْتَعِيْبِيْنَ  
 فَاصِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ  
 بِاَعْيَانِ الْمُسْتَعِيْبِيْنَ  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
 وَ عَلٰی اٰلِهِ وَ صَحْبِهِ  
 وَ اَجْمَعْ بَيْنَهُمْ  
 الْعَبْدُ وَالْعَبْدَةُ  
 فَانْ كَانَتْ دَعْوَتِي لَاصِحَّةً  
 فَاصِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ  
 بِاَعْيَانِ الْمُسْتَعِيْبِيْنَ  
 فَاصِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ  
 بِاَعْيَانِ الْمُسْتَعِيْبِيْنَ



# در سر کلمه مبارک المعجا

(۱۳۵)

کرد و علو و عریض علم لدنی و خالان عجب و غیرت علی تکبیر  
 شیخ مع صد و مؤخر چهار صد و صد و نوزده صدان چنان  
 هزار و چهار صد بودند عدالت و بعضی از اکابر گفته اند هر که  
 در کس نوبت بخواند و معنی آن ردل کند آن چنانکه غیر در  
 خاطر او خطور نکند از اصحاب بغیر کس در انشاء الله

۱۱	۱۴	۱۸	۴	و	ا	ل	ی
۱۷	۵	۱۰	۱۵	ل	ی	و	ا
۶		۱۲	۹	ی	ل	و	ا
۱۳	۸	۷	۱۹	ا	و	ی	ل

المعجا یعنی ظاهر کنند بزرگ خویش یا بنمایند اهل  
 بصیرت گویند هر که خواهد احصا این اسم کند باید که یا کمال  
 یابد و یحید خود را خارج داند و اعلی درجه ناب وجود کمال  
 حضرت رسالت صلی الله علیه و آله میفرماید که لا احصی ثناء  
 ملکاتک انت کما اثبت علی نفسک پر در احوال و اقوال و  
 افعال موافق خیر بهرین موجود اگر در علیه فضل الصلوات و  
 اکل الثبات تا ابد و فعال و ی بزرگ گرداند این نامی که  
 خواهر کت این نام مصون است حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند  
 هر که در دعای حضرت و تقاسم این نام بسپارد یا بنمایند جمله

مفتول است که غنا و فاقه و موجودان  
 باین نامها متغیر کردند و در اندیشه این  
 اسما عجایبها از او مشاهده کردند  
 هر که مواظب و مداومت نماید در  
 جان او روشن گردد و بنویسد که اسرار  
 غیبی او منکشف شود و در پیش پادشاه  
 مبارک بسیار است تا با بزرگواران  
 احصا از برای هر اسمی شکر علی  
 فرمودند که هر که بخواند در غایت  
 مستجاب گردد اسرار  
 پادشاه از او بفرماید و با او  
 متغیر باشد چون نزد پادشاه  
 رود هفتاد بار بگوید و او بخواند  
 و بر خود بداند و در پادشاه مهر و  
 محبت این شخص پیدا شود و بخندد که  
 خواند این فایده بخندد و اگر  
 بسپارد خواند در







# در سرگشته و توبه

(۱۳۸)

۵۰	۵۳	۵۶	۴۳	ی	ا	ب	ر
۵۵	۴۴	۴۹	۵۴	ب	ر	ی	ا
۴۵		۵۱	۴۱	ر	ب	ا	ی
۵۲	۴۷	۴۶	۵۷	ا	ی	ر	ب

۵۸

**التَّوْبَةُ** یعنی توبه خداوند و توبه پذیرنده است این نامی است که توبه آدم علیه السلام را برکت این اسم قبول کردن اهل حقیقت گویند هر که خواهد احصا این اسم کند باید که اگر روزگاری از راه سهو غفلت جریمه واقع شود و شام گریبانند گرفت و روگردانگاه کبریا افتد سر سجده بکند و توبه کند و یاد تواضع عجز و بندگی را من کرم و جو و رحمت نکند و اگر بینه از بندگان خدا بنگالی بنسبت می عدل را و در پانده الحال قبول کرده و بپذیرد عدل خواهد کرد خضر امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر روز سی توبه کند و دفع سوسه و فتن کند و شیخ و غریب گوید هر که هر روز دو توبه بر طفل خواند تا از شیر باز کند نطفه از نامش پاک کرد و شیخ فرموده هر که بعد از نماز صبح این اسم اسپند شصت بار و در کند از هر خوشی یاد بکری حسی و تعالی او را توبه کرامت کند قبول نموده وی را از نزد بکا گرداند

و از برای توبه و روز روزه دارد و هر روز با صد بار این اسم بخواند چون روزه بگیرد باشد و روزی که درش روزه باشد این عمل کند چون بیرون آید این اسم را بگوید تا آنکه توبه کند و روزی که اسم را بگوید و در بهار آن باشد که و برابر آن کس رود بهار آن باشد که از حقیقت بپواند شود یا در حقیقت از حقیقت و راحه است و اگر کسی مرض باشد و اطباء از حقیقت آن عاجز مانده باشند این اسم را بخواند و زعفران بر کاشد و حقیقت عیش و بانبات حل کند با و بخواند توبه بانبات خدا و اگر مداومت شفا یابد بفرمان خدا و اگر مداومت با این اسم کند هرگز در بخورد و حقیقت را حقیقت از حقیقت و توبه است و بقایه است اگر کسی



# دستور کلمه مبارک البر

و دیگر گفتند در روایتی از حضرت  
 یا ایها الایمان الرفع جلاله این اسم  
 شعی هر دو ز جمله ضو سازد  
 و جانی مال پوشد و بمجاها جامع  
 رود بعد از نماز جمعه و بیت نوبت  
 این اسم را با خلوص بخواند یا اغفا  
 در سینه نیت هر حاجت و هر مطلب  
 و هر مراد که داشته باشد البتة  
 حاجت بر آورده است یا الله  
 الحسود فی کل فیعاله  
 این اسم چنانکه قاهر و  
 تند خو و بد خلق باشد و مردم از  
 او در ترس و آزار باشند و خواننده  
 که این صفت را و دفع شود و دم  
 دل گردد این اسم را بمثل و زعفران  
 بر سر بنویسد بنام خود آن شخص  
 و فادش و در منزل آن کس در  
 کند ریاضی مال آن کس و در  
 بخورد و در آید

بعد و سبب که اصل عد است بخواند که یا نصد پنجاه و یک  
 نوبت است یا بقول شیخ بعدیکبر که زیاد از هزار بار است بخواند  
**البر جلاله** یعنی خدای منبکو کننده یا خلاق  
 خویش و منبکونی او پیر خا و هم کس سپید است این نامی است  
 که خوردان از برکت این نام بزرگی سپیدان اهل محقق  
 گویند هر که خواهد حصصا این نام کند اول باید که شفقت  
 و مرحمت از خلق خدا در نیاند و ناتواند تشنگانرا سیرا  
 گرداند نصد بدهد تا بر رجم و یا در صیبا ابرار درج کند  
 در جنت الخلد و یا جای دهد منزله کرامت فرماید و  
 این اسم مناسب کسان است که از آفت دهر و منزل جاه و مضب  
 ترسند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که این اسم  
 بر کودکی چوبین بلوغ رساند پس بر آزارت و زکار و بزرگی  
 فرموده که چون طفل منولد کردی و زهر و زهره هفتاد بار بخواند  
 و نفس بر او دمدا نطفه از آفات و بلیات محفوظ ماند تا حد  
 بلوغ و شیخ مغرب گوید هر که مداومت نماید در غلانیه ندکبر  
 این اسم حسبی و تعابوی ساند آنچه طلبکار است و اگر بعد  
 که ششصد نوبت نوبت یا بعد کبر بخواند و در مضمون و اصل  
 کرد و آنچه مطلوب است بواسطه بگردد (مراد از نصد بعد)



# در شرح کلمه مبارک المنصفه (۱۴۰)

و اگر کسی را سوا و خبا لای فاسده و سوسه شیطا فقره رسا  
 و دل خود حاضر بنوا ندر در میان فرض و سنت نماز نماید صاحب بود  
 کند از آن بلبه مخائب بد دل او را بخود مشغول کند و حق تعالی او را  
 نور معرفت از باطن برافزود و اگر بران مداومت نماید اهل قلوب گردد

۱۰۲	۱۰۵	۱۰۸	۹۴		ث	ا	و	ب
۱۰۷	۹۵	۱۰۱	۱۰۶		ا	ب	ث	و
۹۶		۱۰۳	۱۰۰		ب	ا	و	ث
۱۰۴	۹۹	۹۷	۱۰۹		و	ث	ب	ا

**المنصفه** یعنی خدا بیغالی انتقام کشنده است از بندگان  
 بدکار و بیچاره که حق او است این نامی است که پیغمبر آن بر کافران  
 از بیکت این نام ظفر یافتند و این اسم مناب کانی است که  
 از ظالمان انتقام خواهند اهل تحقیق گویند که خواهد حصا  
 این نام کتب نماید که هرگز بر هیچکس جفا نکند در حق مخلوق و هیچ  
 جا بر ندارد و آنچه تواند از بنکوی در حق مخلوق در بیغ ندارد  
 تا حق سبحانه و تعالی او را شوکت و اطمینان و شجاعت کرامت کند  
 باطن تا انتقام مظلوم و ظالم رساند حصا امام رضا علیه السلام  
 فرمود اندر که بر جاحص صبر بنوا ندر در این اسم آورد کند  
 و ششصد شصت یک نوبت بخواند چون سجده بکند در حصا

و کم ذهن باشد که هر چه در او فرو  
 کند و یاد نگردد جمله  
 نایب نایب و هفت بار این اسم را بخواند  
 دل وی غمور گردد و هر چه پیشتر  
 و بخواند در الفور یاد گیرد و فراموش  
 نکند و اگر کسی از او چیزی گفته  
 نایب در روز شنبه صد نوبت  
 بخواند چون بخوابد و در کعبه  
 گم شده را بیدار و اگر مداومت نماید  
 در در خانه او را مینماید یا قیوم  
 قل انصرت الله من عباده و لا اوده  
**اهل بیت** چون کسی را فکود  
 خیال باطل بسیار باشد و باطن او  
 مشوش باشد اگر این اسم را بسیار  
 بخواند مباحث نماید و اگر کسی خفتار  
 نایب از دشمنان و فتنه  
 پیشتر غلبه کند



# در سر کلمه مبارک العفو

(۱۴۱)

با مقهور کردن شیخ فرموده هر که قوت مقاوم نماید دشمن نبود  
 دشمن او قوی بود پس بسیار باشند خصم قوی و ضعیف است  
 مدتی بیست و یک روز هر روز بعد کبیر یا تکبیر که دو هزار و  
 پانصد شصت چهار نوبت است مداومت نماید دشمن چنان مطیع  
 میسر آید که عفو کند هر چه بوی کرده و خدا بیجا کرد او بی پروا نگردد

۱۵۷	۱۶۰	۱۶۳	۱۵۰	م	ق	ث	ن	م
۱۶۲	۱۵۱	۱۵۶	۱۶۱	ث	ن	م	م	ق
۱۵۲		۱۵۸	۵۵	م	م	ق	ث	ن
۱۵۹	۱۵۴	۱۵۳	۱۶۴	ق	ت	ن	م	م
۱۶۵				ن	ق	م	م	ن

**العفو** یعنی خدا در گذراندن گناهان و عفو قاتل و قاصد  
 بسیار از گناه ترسد این نامی است که آب حوض کوثر به بندگان  
 برکت این نام خواهد رسید اهل تحقیق گویند هر که خواهد  
 احصا این نام کند باید بداند که هر چه از بندگان خدا بیجا  
 عفو میکند خسر خداوند از او صد هزار چندار و صدگزرا  
 چون بند از بند عفو فرماید تا نامه اعمال وی پاک گرداند  
 سبحان در کلام مجید موده است قل جزاء الا حسا الا الاحسان  
 و اثری باقی نماند چو زبند از ضعیف تا بپوست عفو فرماید

و نماز کند چون از نماز فارغ شود  
 پنجاه بار با این اسم را بخواند از نور  
 و خوف دشمنان بگریزد و دشمن  
 بفرمانش نماند و با او احدی کسب  
 اول کل شیء و آخره اصم  
 اگر کسی خواهد که در کارها نامی  
 قائم باشد به نیت آن روز و روز  
 دارد و هر روز تا وقت سحر بخواند این  
 اسم را بخواند خدا بیغالی حاجت او را  
 روا کند و اگر با پادشاه یا پادشاهان  
 که در دولت و منصب بجا دارند و را انگشتر  
 در گین زدن بیگارند و در ولت و  
 نشانند روز شرف افتاب و  
 رخصت نام بخواند تا در آن روز  
 و از اول یکبار و بقایه هر  
 اگر در میان زن و شوهر  
 سازگار باشد



# در شرح کلمه مبارکه الرَّؤْفِ (۱۴۲)

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که درگاه پادشاه  
چنانکه نزدیک پادشاه است و رسد نفوس یا الله این نام را بسیار گویند  
نام را در رخت بوز کوفته اند که در تمام این اسم موجب است بمقابله

۳۸	۴۲	۴۵	۳۱		و	ف	ع	ال
۴۴	۳۲	۳۷	۴۳		ع	ال	و	ف
۳۳		۴۰	۳۶		ال	ع	ف	و
۴۱	۳۵	۳۴	۴۶		ف	و	ال	ع

**الرَّؤْفِ** یعنی خدای بخشنده و مهربان بر خلفان و پادشاهان  
راه فلاح بخشنده با اهل فساد و طغیان بیوسطه این نامی است که اهل  
شفاعت محمد صلی الله علیه و آله را با این نام خواهند خواند که اهل  
حقیت گویند که خواهد حصا این نام کند تا بداند که خدا  
تعالی رحمتش در دنیا شامل است به مؤمن و فاسق و کافر و منافق  
و هر طایفه که هست گرداننده اما در قیامت مخصوص مؤمنان  
است پس باید که طریق مؤمنان پیش گیرد و بر فاسقان و فاجران رحم  
کند در حق ایشان عاقلانه کند حاضر ملک و وفاداری  
قبول کند و او را بر حجتی نماید پس از مرد حضرت امام رضا علیه السلام  
فرموده اند که خواهد مظلومی را از حسیطی برهانند تا  
این اسم را بگوید برابر و آن ظالم شفاعت او را در حق مظلوم

این اسم را پیش از زعفران بگفت  
چنین نوشته و بار چشمه بیاید و  
از آب اینها شامند مهر تابان پیدا  
شود و هر که خضوع نکند یا  
صبر من غیر بشنید فلا شئ نکتله  
بدو گویند بروی جینه کرده که در حق  
بنازد از سه مثال است که باید لوحی  
اسم را بر آن نقش کند و نام خصمان را  
نویسد در شک ماهی بند و در زیر  
زین در حق کند زبان ایشان بود  
جینه کرده و هر که در حق او سخن  
گویند یا باری فلا شئ نکتله  
بیایند و لا ایمکان لوصفه  
استیلا از هر که کسی از دشمن  
کر خفته نباشد باید هفت روز در روز  
دارد و نور جوان  
کند

۴۷



# در شرح کلمه مبارک ارفی

(۱۴۳)

قبول کند او را بوی بخشد و دعوت این اسم مناسب است که  
 ضعیف الحال و نحیف الجسد بشود بگو از اکابر فرموده هر که گرفتار  
 باشد از خصم قوی یا بیوس بود رخصا ظالمی یا سلافی بدست  
 کافی اسپر باشد این اسم را بعد که بیگانه بخواند و بکند هزار  
 بار زیاده است بقول شیخ مغرب الله تکبیر هزار و هفتصد و چهل و  
 هشت عدد است هفت روز خدا بعالی رجم گرداند انظار را و  
 بخت را بدان مجوس از بوکت این اسم هر که راهب باشد یا  
 حاکم که بپیچید مهربان نگردد و جمع این اسم را بعد از نماز و آب  
 نوبتیدن الکلام بر شیشه یا بر آب خواند یا بر نبات مد رکوزه آب  
 اندازد چو این خود مطیع و متحرک گردد و از فرغانه و البتة تجاوز نماید

۷۱	۷۴	۷۷	۶۴		ر	و	ف
۷۶	۶۵	۷۰	۷۵		و	ر	ف
۷۹	۶۶		۷۲	۶۹	ف	و	ر
۷۳	۶۸	۶۷	۷۸		و	ر	ف

**فَالْمَلِكُ** یعنی پادشاه پادشاهان و شکستند گردان  
 هر چواری و منکبر سو و موصوبه بنکودا شکر شکسته دل بیچاره  
 عاجز اهل حقیقت گویند هر که خواهد حکما این نام کتب یا بهرگز  
 هیچ حاجت خود بکسی عرض نکند خدای تعالی بعضی از بندگان خود را

و هر روز هزار بار این اسم را بخواند  
 بوزد عوشت تمام شود در دنیا و ثابت با بر  
 وی گردد و اگر قرض او آرد  
 اسم ملا و من ناما به قرض او آرد  
 شود یا کبیر آنت الذی لا اله الا هو  
 العفول لوصف عظیمه اسمها  
 دوازده بار که بگوید بخواند این  
 اسم را یا با خود را مد از خدایم و  
 بر صحن باشد و اگر کسیه نظرد  
 باشند و یا جادوی کرده باشند این  
 اسم را بخواند و در وقت غش و در وقت  
 و یا خود را بجا آورد و از وی در وقت  
 از خود فریاد شود و وسعت ذوق و خوشگوار  
 باورد و دهد یا بار خدای تعالی  
 مثال آنکه از من غمزه دارد که  
 اگر کسی غمزه روز روز دارد که  
 آنرا تا یام چهار  
 باشد



# در شرح کلام مبارک مالک الملک

همت کارا من فرموده که هرگز خاجان خود را بخدای خود عرض  
 نمیکنند بخواه که بتحقق میبندند که خدای تعالی بر جمیع شایا و غیر  
 تمام مخلوقات را آنچه در ضمیر ایشان گذاشته و خواهد گذاشت  
 الی یوم القیمه مطلع و انا السبعیم فدیهم این نامی است که باید باشد  
 عالم از بخت و جلالت این نام بنیادشاهی و سلطنت میدهد  
 خصرا امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که این نام بیاید  
 محبت دنیا تو انگر کردی و منصب ناید بزرگی فرموده اند که این اسم  
 بجز خدا یاد کند که یا مالک الملک یا ذا الجلال و الاکرام  
 تعالی نشانه و بر این مداومت نماید یکسری بنیادشاهی و  
 سلطنت و جاه و منصب و عزت و توانگری در عالم صورت و مقصد  
 در آنچه همت او بود و اگر خواهد که تصرف در قلوب ملوک و  
 سلاطین و شیخ قلوب خلائق کند شریکی که مذکور شد در  
 اسم الرحمن بجای آورد و همت بلند آورد در ریاضت نفس و  
 و چون نفس را ضعیف سازد روح قوت گیرد چون روح قوت  
 یابد عروج بعالم علوی تواند کرد و کار او بالا گیرد و فریب  
 در توئی باشد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و صحبت فرمود  
 بر شما یاد که در وقت عرض خاجان بنا لغنا بیاید و الخاج کنند  
 در گفتن یا ذا الجلال و الاکرام هر حاجت که خواهد آورد

و هر روز غسل کند و جامه های پاک  
 بپوشد در مکان خلوت هر روز هزار  
 بجهاد و بیایا بجهاد و خط در اطراف  
 خود بکشد و بخورد و خط در اطراف  
 چهارشنبه هفتاد دعوت فارسی شود  
 هفتاد سخن و در هر روز که نذر آنچه  
 قرآن دهد اطاعت کند و کتبی شرط  
 آنکه در این نام از جمیع معاصی اجتناب  
 نماید باز آنکه از جمیع معاصی اجتناب  
 نماید بقیه بقیه است که هر که از  
 آنکه بخواهد و بیاورد از کس است  
 باشد و در خانه آنکه در کتب الهیه بود  
 و در دنیا با آنکه در کتب الهیه بود  
 و در دنیا با آنکه در کتب الهیه بود  
 و در دنیا با آنکه در کتب الهیه بود

که در کتب الهیه بود و در دنیا با آنکه در کتب الهیه بود



# در سر کلمه ربنا که فال الملک

(۵۴)

شود و کام روا گردد و اگر عدد این اسم را در مربع چهارده چنان وضع کند در مربع بزرگ در جنب این اسم بنویسد یا خود را در

یاذا	و	الاکرام	۲۷۲	۲۸۹	۲۷۶	۲۹۳	۲۸۰
الاکرام	و	الجلال	۲۸۴	۲۷۷	۲۷۴	۲۷۳	۲۸۱
الجلال	و	یاذا	۲۷۰	۲۷۵	۲۸۰	۲۷۳	۲۸۱
یاذا	و	الاکرام	۱۷۹	۲۸۲	۲۶۹	۲۸۵	۲۷۴
الاکرام	و	الجلال	۲۷۳	۲۷۲	۲۸۲	۲۷۹	۲۸۷
و	یاذا	الاکرام	۲۷۳	۲۷۲	۲۸۲	۲۷۹	۲۸۷
یاذا	و	الاکرام	۲۷۳	۲۷۲	۲۸۲	۲۷۹	۲۸۷

این سال بود از جمیع بلیه و آفات آخر الزمان ما جمیع کند  
 ناد در شرف آفتاب و خوشی الهی مشترک نویسد حاصل این مربع نزد  
 وضع شریف مقبول القول گردد و کارها آینه او بگشاید و اگر  
 عدد این اسم را با عدد نام خود و نام هر که خواهد در شرف مربع  
 در بیج بنهد کس مطیع و گردد و در اول هر دعا یا ذوالجلال و الاکرام  
 بیشتر گوید و در بیضا تصور رسد و آینه این مربعان خصوصاً بسیار  
**المفسط** یعنی خداوند پدید آورنده هر شیخه زبده  
 و نیکی که بد و سد چنانچه در ازل قسمت فرموده است اهل تحقیق  
 گویند هر که خواهد احصا این اسم کند دل با بد اعتقاد  
 نداد و بیضا بنده که آنچه بود و به غایت بیان هر شد خواهد رسد

این کلمه را هر که می خواند در وقت  
 ظالم گرفتار باشد بخواند تا این  
 اسم ملا و مکتب از برکت این اسم  
 از دست نظالم و هاشم شود تا فتح  
 میرسد و جوید آفتاب و در وقت  
 فتنه استقامت در هر کس که  
 دست و چشم و زبان و گوش و صدق انجام  
 هیچ کار از وی نماند و دستگی از وی بود  
 کار او نیک شود و دستگی از وی بود  
 باید که بد بخورد این اسم مشغول شود و  
 هفت روز در روز یک بار و هر روز در  
 جای جاوش این اسم را صد بار و در هر  
 هزار بار و در وقت بختی کارهای او  
 کشاد گردد و باذن خدا بیجا نماند  
 انشاء الله تعالی سبب کل شیء و عیاش  
 و علیاً الله تعالی سبب کل شیء و عیاش  
 دست و چشم و زبان و گوش و صدق انجام  
 ملا و مکتب



# در سر کلمه مبارک الفیض

الی یوم القیامه هر زمانه که در ازل پیش از آنکه خلق عالم موجود  
 شوند بر لوح محفوظ نوشته بقدرت کامله بقدر فرموده از افرا  
 ادمینا که حال از ایشان پرسد خواهد رسید هیچ نعمت بلا  
 از خود نداند و نگردد اگر چنین نمیکردم بن نوع بلیه بمن نمیرسید  
 و این کار میکردم بن نعمت بمن میرسد آنها هم خطا است آنچه  
 قائم شده یعنی نمی باید چون خود را بدین مقصد ساخت و همه  
 از خدا بعبادت و بداده خدای تعالی راضی شدن بنده  
 عارفان که سائل سوال کنند که چون هر چه بود هست خواهد  
 بود جمله بنفید بر او است پس کافر را در کفر و زود چاه کناه چون  
 کند در ازل نصیبی آمده است جواب گوئیم که مثبت نابع  
 علم است علم نابع معلوم چون خدا بعبادت میبندد که استعدا  
 کافر مقتضی کفر است عظای ایمان منافی حکمت و حد بود  
 قوله تعالی و ما ظلمناهم الله و لکن كانوا انفسهم یظلمون  
 و آل است بر این معنی که گفته شد باید هرگز که کسی حسد نبرد  
 و بداده مضطرب و ضعیف و ناوی در مقام رضا از جمله مطیعان  
 گرداند بزودی فرموده هر که را وسوسه بود با بساط محله کرد و  
 خیالات فاسد و دانشی در هدایت اسم را بدین طریق در مع  
 وضع کند در موکار فقره مؤه گرفته با خود دارد و بعد تکبیر و

فتنه بر ایشان از وی نیاورد و در  
 نمکدگشته خلاص شود بایمان  
 ذوالالاجنان قدیم الخ ازین  
 منت و قصه است  
 اگر کسی امانتی بجا نیاورد  
 اسم را در میان امانت بگذارد  
 از امانت و خیانت محفوظ ماند و  
 اگر بر هر نویسد اولی بود یا  
 و یا بر آید فکل یقوم  
 لیسیم و رعیت اسم  
 نور ختمی که کسی غایب داشته  
 باشد بر این اسم را بخواند و بار خوار  
 و غایب و آن غایب را بخت نماید  
 و غایب در آمدن بسیار باشد  
 یا خالق من فی السموات الارض  
 و کل الیه معاده  
 اسم



# در شرح کلام مبارک المصنوع

(۱۴۷)

۵۲	۵۵	۵۱	۴۴	ط	س	ق	م
۵۷	۴۵	۵۱	۵۶	ق	م	ط	س
۴۴		۵۳	۵۰	م	ق	س	ط
۵۲	۴۹	۴۷	۵۹	س	ط	م	ق

کنند از آن بجات نماید چون هوش از جهل رو بگذرد بر  
 انواع حکمت مطلع گردد و برکت دولت در کار او ظاهر گردد  
 و از مخلوقات بهره مند شود اما باید که او را از خلوص طبع  
 نبوی و هر چه خواهد از خدا خواهد چون بنده بدین اعتقاد رسیده  
 گردد خدا بندگان خود را مطلع و فرمایند و او را در این شرح  
 مغرب گوید هر که اسم مضطرب جامع را در مربع پنج در پنج وضع  
 کند بجهت کارها پریشان جمع گردد و آنچه مطلوب او است  
 مبرر گردد و این مربع جهت گرفتن و در برده و غایب اثر عظیم  
 و چون وضع نماید در مربع وقوع

۶۲	۷۵	۵۸	۷۱	۵۴
۵۵	۶۳	۷۹	۵۹	۷۶
۶۸	۵۶	۶۴	۷۲	۶۰
	۶۹	۵۲	۶۵	۷۳
۷۴	۵۷	۷۰	۵۳	۶۶

ناید نام گرفته یا چیزی که در  
 برد بر پشت مربع نوشته اند  
 در میان کتابی که گرفته و در  
 ظاهر گردد و در آورده و انوار

دوست خود کردار از بنویسد او  
 صبح آرام و قرار که بر اسم را به  
 مشاک و شغلان بود پس هر روز  
 از آن در بنام خود و در خود و نام  
 مطلوبه یاد را و هر روز بار بار نام را  
 بخواند و دست و مویب تا زکریه و این  
 عمل شود تا به تمام کار صریح  
 و غیره و مقادیر است بسیار  
 بسیار این اسم را فادت در آورده  
 با کمال کمال بسیار بخواند عجایب  
 رفته است کمال کمال و بسیار  
 بسیار بر کشف کرده و بسیار  
 بسیار بر قبول الفول و باغز است  
 و اگر بر قبول الفول و باغز است  
 یا نام را از تقویات آن کتب است  
 و اگر بر قبول الفول و باغز است  
 یا نام را از تقویات آن کتب است  
 و اگر بر قبول الفول و باغز است  
 یا نام را از تقویات آن کتب است



# در شرح کلیه مباحث الجامع

الجامع یعنی جمع دارند چیزهای را کنند و پریشان بقصد  
 و رحمت کوشش این نامی است که بر تکبیر سلیمان علیه السلام  
 بوده که مخلوقات از برکت و هدایت این نام مهر سلیمان را  
 مطبوع و مستخرج کنند اعمال تحقیق گویند هر که خواهد اختصار این  
 نام کند باید که معنی حدیث نبوی صلی الله علیه و آله را کار  
 فرماید یعنی علم یا عمل جمع کند چنانکه حضرت رسالت صلی  
 الله علیه و آله فرمودند **لَا عِلْمَ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَبِالْإِعْمَالِ** و **بِالْإِعْمَالِ** بِلَا  
**عِلْمٍ ضَلَالٌ** و چون علم ضرورت حاصل کرد و بنا بر عمل جمع  
 ساخت حضرت جامع و جامعیت کرامت کند در ظاهر و باطن  
 که در آن جمعیت بیجامع جمع حاجات عالمیان گردد و حضرت  
 امام رضا علیه السلام فرمود هر که در این بیاد است هدایت  
 دوستی و یاران دینار خود و دافشاده باشد در کار خود  
 گذرد و سرشته زدند داده باشد و زبکینه چایست غسل  
 کند و نماز گذارد دست بردارد و طبر انکشت یکبار با جامع کلام  
 و انکشت عقد کند و جمع گردد و جمع یاران و دوستی تا خود  
 شیخ فرموده اگر میباید و کس از دوست تا نامی از او شود هر  
 عداوتی باشد که سبب فقره شود این اسم را بخواند در وقت  
 جمعیت هر کدام خاصه و غیره که در جاده خواب را بپندهنویسد

این اسم را بخواند بسیار چیزها  
 پنهانی بر وی آشکار گردد و مضمناً  
 ببیند و هر مرد که داشته باشد  
 بخیل بد نامی است که  
 بیخ و زاریها و عودها را  
 از دست کسی که در آن خلافت  
 روزی هزار و پیل بار بخواند روز  
 و اقبال برود و نماید و درین  
 خلافت عمرت و نورانی باشد و هر  
 با وضو بنویسد در سینه و در  
 مهمات و بخوبی کفایت گردد  
 یا اعلام القویات از بخور  
 من علیه و لا یؤذیه من حفظه  
 این اسم را بخواند در هر  
 او مباحثه و مجادله  
 نتواند کرد



# شرح کلمه مبارک الجامع

(۱۴۹)

دوازده کرده بداده نسبت از یاده یاد کنندان و خوانند  
 مبارک و او کرد و غیرت فداه این اسم را در کند و مداومت نماید  
 بعد کبریا بعد تکبر یا زرسد مضمون و مقصد اگر پیشانی  
 و نقره بدو و مجال خورد مضطر گشته دعوت این است و به  
 عدت تکسب بخواند که با یضد هشتاد چهار عدد است پریشانی او  
 برود جمع کرد و اگر قبول شیخ معتمد هر روز پنج عدد بخواند که  
 هزار و پانصد بیست عدد است جمعیت می دهد و ببرد رسد  
 رو بوطن او و او کرد و وطن یواز تکبار نجاه یافت و از در  
 خلاص شده توانگر کرد و جامع شود طریح خواهد نصیب شود  
 او را جمعیت صورت و معنی و صاحب دعوت این اسم اگر کثیر  
 مذکور مقام نماید دعوت این اسم مناسب است که پریشانی  
 و غمگین باشند ایشانرا آرد و غنا باشد این مرتجع را با خود  
 دارد اما تاثیرش زودتر نمیشد جمعیت زودتر فراهم آید

ج	ا	م	ع	۲۸
م	ع	ج	ا	۳۳
ع	م	ا	ج	۲۳
ا	ج	ع	م	۳۰
				۳۶

و هر چه گوید بکنند آید و اگر  
 چهل و یک بار این اسم را بخواند  
 بایست بخواند و بخورد مطلوب  
 دهد دوست و مهمان کرد و اگر  
 بنویسد بیاید و نزد همین خاصیت  
 دارد یا جلیتم دو الایات و فلا  
 بیاورد شنبی من خلقه ایست  
 بخواند اگر کسی از شهر خود آواره  
 شده باشد هر روز این اسم را بخواند  
 نه بار بخواند بوطن خود بازگردد  
 اگر همین قدر بخواند فتح بسیار  
 در کار او پیدا شود و زبان جمله  
 بدی که مان بر او رسد گردد یا پیشانی  
 ما افاضه از این اسم را بخواند  
 من خافیه اسبیب و مشام  
 اگر کسی این اسم را بخواند هفتاد  
 بی قدر بود در نظر و  
 محرم و مکرر



# در بیان کلمات الهی

الغنی یعنی خدا بی نیاز از هر کس و هر چیزی در هر حال بر آن  
 است که اهل بیعت از آنند و کافران از دل بیرون است  
 و با بل کرد اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصصا این نام کند  
 اول با اینکه بدانند معنی مطلق او است غیر و همه فغان و نیاز  
 اند و این معنی که او را همیشه کرد طبع از خلق برود احتیاج  
 به هیچ کس نکند بهر چیزی از غیر خدا طبع ندارد تا ایند غنی و تا  
 از خلق مشفق کرد و اند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود  
 هر که بیلامی طمع گرفتار باشد مبتلا گشته باشد تا آنکه هر  
 مبتلا از او چیزی طلبد اگر چه بظاهر طلب نداد و اما در باطن  
 طامع شود این اسم هر روز بخواند و بر عضو از اعضا خود  
 دست نبرد و او قطع طمع کرد و دعوت این اسم مناسبتی است  
 است که ایشان را آرزوی غنی باشد بزرگی فرموده هر که مبتلا  
 و شدنی گرفتار باشد تا در روز قیامت وی در بافته و عیب  
 و عرضند یا شد رخا لاضطرار چون وضو ساخته باشد  
 بخار و در دنیا تمام بگذارد که تواند کرد با غنی خدا بیجا او را  
 از آن بلبه بنام محمد شاخان اسما الله تعالی چنان فرمود  
 ذکر الغنی بعد از آنکه روزی از صبح مرزبانان بستانند عن جمیع  
 و فاعدا ان بر منتم و لانا که الف و لام ضا و تک میکنند

کردن و خداوند تعالی بی نیاز از غنی  
 بودی هر که از حساب این نیاز  
 و اندر هر که خلق غنیست بقدر  
 و بر نبی و مسئله که تمام خلق بر او  
 حشر برزند و هر چه پیشتر بخواند  
 بهتر است و هر چه پیشتر بخواند  
 هزار مرتبه تمام شود و ملائکه الغنی  
 هر روز هزار بار بخواند بسیار  
 بخیرت از فرود است یا جمیع الغنیان  
 در آن کتب جمیع خلقه با طیفه  
 است بسیار و هفت مرتبه اگر در روز  
 و در جنگ و غما میخوانند او را  
 بخوانند جهان آسایش میدهد  
 کردد و اگر نماز کند بصدقه  
 کرد و هر که با وی سخن نگوید  
 کرد و هر که با وی سخن نگوید  
 کرد و هر که با وی سخن نگوید  
 کرد و هر که با وی سخن نگوید



# در کلمات و کلمات الغنی

مثل الغنی و در اینصورت پنجاه و پنج عدد است  
 دوم آنکه بحرف نون تکبیر میکنند مثل باغی در این نوع پنجاه  
 سیصد پنجاه و پنج باشد سوم آنکه بی با و الف و لام مثل غنی در  
 این مثال سه هزار و صد هشتاد است و کلمات این اسم بی  
 و لام و بیانند آنکه کرده اند صاحب گلشن و شیخ عبد اللطیف  
 و مولانا فخر المله و الدین برد و مولانا شرف الدین علی برد و شیخ  
 ابوالعباس و کتاب شرح سماجی چنین آورده اند که چنین  
 معنوی است که یکصد بیانند با الف و لام و تمام اسما بر این قبیلند

۲۵۷	۲۷۱	۲۶۷	۲۶۳	ال	غ	ن	ی
۲۶۸	۲۶۳	۲۵۸	۲۷۰	ن	ی	ال	غ
۲۶۲	۲۶۵	۲۵۹	۲۷۳	ی	ن	غ	ال
۲۷۲	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۶	غ	ال	ی	ن

**الغنی** یعنی بی نیاز کننده نیازمندان و هر چیزی بی نیاز  
 است که آید و کارهایها و چشمها و سنگها بیکت این نام جاری و  
 ظاهر میگردد اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصا این اسم  
 اول نماید بداند که معنی برخواست تمام مخلوقا و اشیا را بوسیله  
 نیاز است و در هیچ کس نیاز نیست و چون این معنی است باید هر چه

اینست و هشتاد و یک کلمه که  
 کرده باشد چیزی را و با بیکی فایده  
 داده و شوند باز که این اسم را  
 دولتیار بخواند بنام آنکس که  
 گشته پیدا شود و احاطت با او آید  
 و اگر در بی بی بی بی بی بی بی بی  
 مملکت زعفران بزرگ است چنین نوشته  
 و بخورد کشته کرد یا فایده  
 البطریق الشکر آیت الله العظمی  
 انشاء الله علیها بی بی بی بی بی بی بی بی  
 با بن اسم و معنی و در و بجهت و سینه و  
 غنیز و مکریم کند و بجهت و سینه و  
 دشمنی و عقدا انسان و عقدا انوار  
 و بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی  
 اشک در دنیا که گنجایش ندارد  
 قلب البصیر الی قلوب کل شیء  
 علو و رفیع



# در سر کلمات مباهات المعنی

داشته باشد از نیاز مندا باز ندارد و ما تو اندیم همان مردمی  
 نماید اندر می خلق را اجابت کند تا منتهی صلا الاطلاق او را از خلق  
 بی نیاز گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر صحت زده  
 و از خلق نا امید گشته که هر زده هزار بار بگوید یا خدا  
 تو انگر گرداند و اگر متب شو که بعد مذکور یک مجلس یا در پنج  
 فارغ کرد یعنی شود و او را با عالمیان هیچ حاجتی نباشد

۲۷۴	۲۷۷	۲۸۱	۲۶۷		م	ع	ن	ی
۲۸۱	۲۶۸	۲۷۳	۲۷۸		ن	ی	م	ع
۲۶۹	۲۸۴		۲۷۲	۲۲۵	ی	ن	ع	م
۲۷۶	۲۷۱	۲۷۰	۲۸۳		ع	م	ی	ن

**العزاکا والمعنی** صاحب مکرم فرموده که طلب  
 توانگری با کفایت معاش و برآمدن مراد و حصول مفاصل کلی دارد  
 یا بد که روز جمعه بعد از فرض یا مدام غسل کند در خلوت رود تا  
 مسجد جامع را بدو بگوشه بنشیند هفت بار این کلمات را بخواند  
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ  
 وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و بعد از آن دو  
 رکعت نماز سنت کند چون یکصد هفتاد بار این کلمات بگوید  
 بعد از آن عفو و بطلان بگوید فاتحه الکتاب بخواند و بعد از آن

اسم امر اگر کسی کار بار او  
 بسته باشد و هیچ کار بر او  
 انجام نگیرد بستاند دل بکسند  
 سینه را و هفتصد مرتبه این اسم  
 بر آن بخواند و بعد بعد از آن  
 بنویسد در مسجد در کتف کار  
 او بنویسد همان خدا بیغالی گشاده کرد  
 و هفت هزار دفعه در یک هفته  
 هر روز هزار بار با عقدا در دست  
 بخواند که هلاک شود و بچند دوست  
 هفتصد بار بر سر بخواند و بخورد  
 مطلوب دهد و دوست شود یا  
 میند کل جبار عیبی بفرزند  
 سلطانیه اسم می گوید  
 کیسه را در تنی نماند و خواهد که بر  
 وی غلبه یابد روز یکشنبه روز در  
 و انگاه غسل کند  
 جامه



# در شرح کلمه مبارکه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

(۱۵۳)

سوره کبریا آخر بخوانند بر کوع و در رکوع بن کلمات هفت  
 نگویند در سجده اول هفت بار بگویند در سجده دوم هفت بار  
 دیگر این کلمات بگویند در رکعت دوم پیش از فاتحه سوره نیاک  
 الذی بیده الملك انخوانند و مثل رکعت اولی اخرت و چون  
 خواهد سلام دهد هفت بار دیگر این تسبیح بگوید بلفظ سلا  
 از نماز بیرون آید بعد تکبیر این اسما را بخواند و عدد تکبیر  
 بالف کلام تعریف و پنجبار روشد سی و چهار عدد است  
 مع صد مؤخر و عدد تکبیر اصل سی صد و مؤخر بیست و هشتاد  
 سیصد شصت و هشت عدد پیش و بنیای ندا چها هزار و هفتصد  
 سو و چها و نیک سپهر مرتبند حسین اصل اسما غنی کلانی  
 مغنی سی هفت هزار و بیست و چهار عدد است و فاری مختصر است  
 کدام که خواهد اما بقول شارح شیخ ابوالعباس فضل آنست که  
 بیاید ندا خوانند چون حتم با تمام رسد شیر دارد و از خدا  
 تعالی توانگری خواهد مع غایت نماید که هفت جمعه هر روز  
 بجای آورد اگر هفت روز پیش بدین عمل قیام نماید یعنی روز  
 جمعه بنیاد کند و روز پنجشنبه با تمام رساند دعا کند در جمعه  
 خدا ببالد او را توانگری کرامت فرماید از خلفان بجا نماند  
 اما توانگری که او را بود با تواضع و صدق و عطا ایستد باشد

کلام پوشد و بعضی خالی از غیر خود  
 رود و هزار و هفتصد بار این اسم را  
 بخواند و حاجت طلبید بر دشمن طغند  
 باید غالب گردد بغیر مان خدای تعالی  
 مانور کل تسبیح و هدایه آنت الذم  
 فان الکلمات بنور اسمک  
 فان الکلمات از اولیل بخواند بکنند  
 و اگر کسی نماید بنجو که کلامه یادش  
 و یا آنکه غیبت نماید برای او مقبره کرد  
 شود و آنچه ضوابط از برای او مقبره  
 در مدت بجا آمدن و بعد از بجا آمدن  
 خوانند بهتر است و بهتر بود و نماز پیش زیاد  
 مشغول باشد یا عالی الشایخ فون کل  
 خواهد بود یا غایب اسمک و سحر  
 تسبیح فلو از فضا علی باشد با این اسم  
 اگر کسی رنجور و دریدار باشد با این اسم  
 مداومت کند رنج گریز و اگر  
 ضعیف باشد



# در شرح کلمه مبارک الغنی

(۱۵۴)

و او را بودل سلیم و باطن روشن و اگر خواهد که دولت بود  
مدام بود و پاینده باشد و از آن برخوردار می نماید باید که اسما  
در انکسری نقره که از پنج جزو یک جزو زر باشد در روز جمعه بعد  
تکبیر و از این نویسد با بنظر بق <sup>علا</sup> نقره کند و انکسرت در انکسرت

۱۹۰۸	۱۹۱۱	۱۹۱۴	۱۹۰۱	غنی	ک	ع	مغنی
۱۹۱۳	۱۹۰۲	۱۹۰۷	۱۹۱۲	ع	مغنی	غنی	ک
۱۹۰۳		۱۹۰۹	۱۹۰۶	مغنی	ع	ک	غنی
۱۹۱۰	۱۹۰۵	۱۹۰۴	۱۹۱۵	ک	غنی	مغنی	ع

کنند صدقه بدهد از حلال فقیران و مساکین و آن خانم را  
ناله و با حرمت نگاه دارد اگر دو خانم ساد بر سر هر دو شایع  
رود ترا اجابت شود هر دو روایت را مثال نمود شد بعد تکبیر  
بدر این اسما مذاومت نماید اگر مکرر نشود بعد تکبیر بخواند  
باید که ناله نکند بوی خوش بجا دارد و هرگاه این نماز با تسبیح  
که در میان مؤمنین و مؤمنات مشهور است بکنند و بعد تکبیر  
بخوانند و اگر وی را کار کلی نامی بزرگ دست دهد روز جمعه  
غسل کند نمازی که مذکور شد بکنند و این اسما را بعد تکبیر  
که با لف و لام شده و شش هزار و پانصد و سی و هشت عدد است  
بخواند و عدد تکبیر صد و شصت و پنجاه و هشت هزار و شصت و هشتاد

شده باشد و یا یکی در کار او پیش  
شده باشد بیکر دول کو سفند  
سیاه را هفتصد بار این اسم را بگوید  
از بخواند و بنویسد این اسم را بگوید  
میساول نهاد و در اسنامه معجز بود  
سفت در کند کشته کرده کرد و در  
در کار ظاهر شود یا مقدوس الظاهر  
من کل شیء فلا شیء یغایره  
اسم بر می خواند  
این اسم خداوند کند کارهای دینی  
و دنیوی او را آسان شود و هر کسی  
مطیع و منقاد وی گردد یا میسر  
البر یا و معبد بعد قضاها بقدر  
اسم بر می خواند  
آن خدا رسید یا شد این اسم را  
باید و بر او بخوانند بدین صفاتی  
و اگر کسی را حکم بقتل او کرده باشد  
هم سینه او بخواند بخواند  
شود



# در شرح کلمه مبارکه المعنی

(۱۵۵)

عند ان مجموع یکصد و پنجاه و دو بیت و هجده عدد باشد  
 یا بنقد بنویسد الف الف المعنی الکافی الفتحاح و بعد از آن  
 خدا بنوعی خواهد پند از فراد و مقاصد دارد که خدای تعالی  
 عطا فرماید صاحب کتاب نقل میکند از شیخ احمد که او فرمود  
 مرا از جمله معاش حیوان متعلقان خاطر منفری بود از شیخ خود  
 التماس کردم که مرا چیزی بنامم که وجه معاش من حاصل گردد

الف	المعنی	الکافی	الفتح	۵۲۲	۵۳۶	۵۳۳	۵۲۹
الکافی	الفتح	المعنی	المعنی	۵۲۴	۵۲۱	۵۳۳	۵۳۵
الفتح	الکافی	المعنی	الف	۵۱۸	۵۲۷	۵۳۱	۵۲۴
المعنی	الف	الفتح	الکافی	۵۳۷	۵۲۵	۵۲۶	۵۳۲

شیخ فرمودند که بدکر اسماء اربعه خداوند نماید نمود و این اسماء را  
 تلقین کرد که بگوی یا کاف یا غنی یا فتاح یا رزاق  
 پس بگوشه نشستم و خلوت اختیار کردم و بعد تکبیر کر این اسماء  
 میکردم و او فاتح محسوب میگذاشتندم و در چاهم دیدم که سقف خانه  
 باز شد چهل همپا از ریش در رصقه نداخند و او از من شنیدم  
 که بزبان فصیح گفت ای احمد که بودی زین که بیغیرتانه در این جزیره  
 و اگر کم کنه فانبر که کنیم و اگر بر این بازاری ما نیز بازاری هستیم  
 و خدا تکبیر بر چهار اسم یا کاف یا غنی یا فتاح یا رزاق چهل

و اگر بنا داشتند که در این جزیره  
 بود که از محترم کرد و هر چه خلق  
 بوی شوند با جلیل الکبری  
 عن کل شیء و العبدان امم الضلالت  
 و عاقب استقامت و شمس اگر کم  
 مدت چهل روز در این جزیره کند  
 شود شغل دنیا نماید و در این حکم هر روز  
 و هر شب هزار و پنجاه مرتبه و معافان علیه  
 بنویسند صاحب نفس خدا و معافان علیه  
 کرد و هر چه در اطاعت او باشد  
 عجایب مشاهده خواهد نمود با جمود  
 ما را شایسته الا وهام کنه ثنائیه و تجرید  
 سعی و افسوس اگر کسی خواهد  
 و غیره افسوس که در دستش افتاد  
 خدا از کاهان او در گذارد و در این جزیره  
 شود با این اسم خداوند کند در این جزیره  
 یا اگر کم کنه فانبر که کنیم  
 الف الف المعنی الکافی الفتحاح











# در کلمه مبارک المانع

المانع یعنی خدا باز دارند از بلا و نعمت و راحت و محنت  
خواهند بندگان اهل تحقیق گویند هر که خواهد خدا این را  
کنند بدانند که اگر اهل عالم جامع شوند خواهند مقدرند  
بشخصی رسانند نموند مانند ناصیه نشاء باشد این بدانند  
تعارف بدین گریه از غم خدا خاطر جمع آرند که خیر توانند  
و نه شر و نفس خود را از هو منع کنند مانع براری دنیا و آخرت از او  
کنند خسر امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که را بختی ناست کار  
هنکام خواب این نام بسا گویند ساکار شو بزرگ فرموده ز طاهر  
افضل الشکر بیگار و بر و بسا و اولد ملخ و باران باد و طوفان  
هر گز که باشد از آن ترسند بدان که این اسما فیهما ایند از بلا و  
مانند کرد و در میان جمعی صورت افتد از هر جانب که بماند بخواب  
استقام نما بنعلاب بند با من این اصلح شد بدین

۴۰	۴۳	۴۶	۳۲	م	ا	ن	ع
۴۵	۳۳	۳۹	۴۴	ن	ع	م	ا
۳۴		۴۱	۳۸	ع	ن	ا	م
۴۲	۳۷	۳۵	۴۷	ا	م	ع	ن

الضمان یعنی رسانند له و غوری مصیبتی که خواهد  
نامی است که زمین و اسمای برکت این نام فائز اهل تحقیق گویند

عجیب است و اگر کسی در این وقت بخواند  
چنین نویسد بخورد در وقت بوشن  
این دو اسم بخواند تا در آخر دنیا ریحمت  
هر که چهارصدت بنویسد روز  
بهار شبیه در هنگام زود زود  
و بخورد دل کو بر یاد و حفظ بفرماید  
و هر چه در یاد و حفظ بفرماید  
فوتشده باشد بگوید در وقت  
تهدیه از یاد بویشت از او بود  
و اگر با خود دارد از دشمن این کرد  
در وقت نوشتن این دو اسم بخواند  
یا قوم یا واحد و هر که بخواند  
دهت بنویسد در وقت شبیه وقت  
زوال و در دیوار خانه که از جانب  
باید بنویسد در گاه ثابت قدم باشد  
و تمام روز بنویسد و گاه بکنند و گویند  
کنند در روزی ایستاد و بخورد  
و سوگند دهند که بخورد  
تا این روز بخورد



# در سر کلمه مبارک الفبا

(۱۵۹)

خواهد خصا این نام کند باید که از او هیچ مضرکی برسد و بر آن باشد  
 که نفع رساند و اخضر عین سببها و تعاضد بخلو از او درود دارد و بزرگ  
 فرموده هر که را طلیح و مریه علیه باشد ز پادتی قدر و وقت خویش  
 واقربا خو خواهد هر شب این اسم صد بار بخواند از خوار و مذلت بگریزد  
 و بدلت سعادت و صلت تمام برسد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده  
 هر که را جفا و منصب باشد از ذوال ان ترسد شصت و هفتاد مرتبه این نام  
 این اسم صد بار بگوید روزی نیک باشد بماند و دیگر روزها و سببها جفا  
 خواند ناد و نیک ثابت و مریه عالی و یا کمال عزت برقرار بماند  
**التامع** یعنی رسانند منفعت و شادی چه در صوت خیر یا در  
 و مکرده این نامی است که در باها بپرکت این نام نهانند اهل  
 گویند هر که خواهد خصا این اسم کند باید که اول بد او عقاد  
 که خیرش و نعمت و غم و ساد و نلا و واخ که بگرید سپهر بارادت  
 تغدیر او است و نماند بر آن باشد که از خون نفعی بیندگان خدار  
 و شکوه خلق باشد تا خدا بنماید در دنیا و آخرت او نیکو کند  
 چون نیک و نیک او نیکو بیند حضرت طهرین موجود اعلیه افضل  
 التامع فرموده اند که ایما الاعمال بالنیات خصا امام ضام  
 فرموده هر که بسا بگوید لخصود سببها جفا چه بر او واقع شود  
 باشد تا کبریا بچون و اگر تا هم گوید در صبا صفا دشمن رو هیچ

و در وقت نوشتن این دو اسم  
 بخواند یا ادریس یا احمد  
 هر که بیچاره و سبب بنویسد و طلوع  
 افتاب و یا نحو نگاهد از زبان بد  
 بر و نیک شود و جاعت و واح بدین  
 و اگر از عمل افتاه باشد باز باید برکت  
 در علم و پیشود و در وقت نوشتن این  
 دو اسم بخواند یا یاری یا کبریا  
 هر که هجرت از نبوی کردن  
 نیت کند که ماد از فرود  
 باشد

ال	ض	ا	ر
ا	ر	ال	ض
ر	ا	ض	ال
ض	ال	ر	ا
۲۴۲	۲۵۸	۲۵۲	۲۴۹
۲۵۳	۲۴۸	۲۴۳	۲۵۱
۲۴۷	۲۵۰		۲۴۴
۲۵۹	۲۴۵	۲۴۶	۲۵۱



# در سر کلمه مبارک النافع

(۱۹۰)

بوی رسد عوا این اسم مناسب است که در عالم از خصم نوم بشند  
 یکی از اکابر فرموده هر که در سفر در وقت بد فرخت در چمن زدن  
 بندگ این اسم مداومت نماید و با بود زان کار سوسپا و در اکتش  
 دخل بجد نماید بمال او هیچ نقصان نرسد اگر کسی که در کتب  
 ده کس هر یک هزار بار با این اسم بخواند اگر سه بار در تن بیاورد  
 اسم صد هزار بار بخواند بمن کرد نماز غرضش واقف نماید و باو  
 شیخ مغرب فرموده که النافع را شش عدد هر که نکسپ بخواند سبب  
 توانگری و ثواب با بد که این اسم در شرف ثواب یاد است زحل  
 خوشگامی بر لوح نقره نقش کند بطریق که در جمعا نمود میشود  
 و در حال خونند در جام سفید که با کاشه چینی سفید نماید  
 اب کلاب و باشد در نظر خون شاه هر درو نظر کند و هر  
 یک عدد نکسپ بخواند و شنبه بیداء کند و در پنجشنبه تمام کند  
 جمعه اگر تواند با شش عدد نکسپ بخواند و دعا کند البته با حاجت  
 کرد و اگر جمعه نتواند خونند توانگر شود در دنیا و اگر شب جمعه بخواند  
 خدا پناه او داد ظاهر و باطن توانگر گرداند و جمله خصما و  
 مقهور گردند و نفع سده همه خلفان بوی او را نیز خالی ندهد  
 که دایم خواهد دم ز او نفع کردند و بجز ظاهر و باطن صفا  
 واقع شود که فضل و تمام شایر رسد با وی مقام نتواند کرد

و با خود نگاهند و محرمه گانند  
 و چشم زخم بوی رسد و اگر بشکند  
 و زعفران بنویسد در سر پر چید و  
 در موم سفید کرده در زیر دندان  
 نهد جمع روح بایه بین و در وقت  
 نوشتن با نمد و اسم بخواند یا باری  
 یا زکی یا خ هر که شش عدد  
 بنویسد رجا و خلا و در کینه  
 از راه و در خانه خود هر چه در کرد  
 او در زود بیدار و در وقت نوشتن  
 این واسطه بخواند

ن	ا	ف	ع
ف	ع	ن	ا
ع	ف	ا	ن
ا	ن	ع	ف
۴۲	۵۶	۵۳	۵۰
۵۴	۴۹	۴۳	۵۵
۴۸	۵۱	۴۴	۵۸
۵۲	۴۵	۴۷	۵۲







# در ایستادگی کلمه مبارک الهام

دل و بنویس و روشن کرد و از باطن او شعله های نورانی برافروزد و شیخ  
 در شکر کبیر سبأ الله و دره که هر که این اسما را که آید بیع نور کفایت  
 یا بصورت که نموه پیشو تکبر کند ال ال ل ب ن و و ای بیع  
 بر فرضه نظر کند و بر ذابره اری الله نور السموات و الارض تا بکل شی  
 علمم نظر کند و زوجه روق طلوع فنا بی روق نفس کردن  
 غسل کند جامه نایله پوشد با خود اری و از اسما و اجناسد  
 نیواند شروع کند هر کس کلی خواهد از تقریب لاطین و خلاص  
 و اسیر ایلک در اسخلاص آنها که حکم بر قتل ایشان کرده باشند  
 او بلند کرد و نجاب نماید **الهام** یعنی پیدا کنند و ایمان  
 با سبأ نفع ضرر مریندگان از این نام است که دلها بیندگان مقبرت  
 خدا پنجابیرکت این نام راه می نماید اهل حیضت کویند هر که خواهد  
 احصا این نام کند لب تابید مذکرهاستما بحیضت او است و هر که را  
 و بد دل نگشود راه راست نهود هیچ کس راه نتواند نمود و در خلاص  
 جاوید نماید پس باید که طریقی نیک پیش گیری بحکم **ایها الصراط**  
**المستقیم** طلب هدایت کند تا هاد المصابین وی راه نماید و هر  
 خلصش نشاد شیخ فرموده هر که نظر نماید از کتد شب بردا و چند  
 تواند این اسم بگوید دست بر رو خود فرقی او را الله سبحان و تعالی او را  
 نماید و دلیل بر سبب ناخود از غیر عنایت باطعام و راه نماید و

باغثت حریف باشد در وقت نوشتن  
 ایند واسم را بخواند یا در سخن یا در ایم  
 ت هر که هفتصد بنویسد روز  
 مشبه عند الغریب و در کورستان  
 کند چند علم که از مردم در تجارت است  
 بره منکشف شود و بدست و در وقت  
 نوشتن ایند واسم را بخواند یا قید  
 یا اعلام  
 بنویسد روز جمعه با خود نگاه دارد  
 هیچکس با بیچارگی نکند هر چه  
 کند روز بخون

ا	ن	و	ر
و	ر	ا	ن
و	و	ن	ا
ن	ا	ر	و

۵۶	۷۰	۶۷	۶۳
۶۱	۶۲	۵۷	۶۹
۶۱	۶۵		۵۱
۷۱	۵۹	۶۰	۶۶

۷۲



# در سر کلمه مبارک البعد

(۱۹۳)

این اسم بسیار لکان راه است هر که راه راست خواهد بود که در  
 این کسب و عبادت کسب پر بخواند بسیار در پنج نوبت در خلوت و کرا  
 کند این اسم و در آخر هر دو یک بار یا هادی المصطفیٰ بن حسین و علی  
 او را راه راست بخشد صفا باطن کرامت کند و وی را مشهور و عرصه  
 و مردم زور راه هدایت جویند در آن مستقیم بنامند عادت کسب این اسم  
 چهار بار و هفتصد چهل چهار است پنج عادت کسب کسب و چهار بار  
 هفتصد بیست و پنج فرموده که یا هادی خواندن مناسب تر است

۱۲	۱۵	۱۹	۵	د	۱	ه
۱۸	۶	۱۱	۱۶	ا	ه	د
۷		۱۳	۱۰	ه	ا	د
۱۴	۹	۸	۲۰	د	ه	ا

**البعد** یعنی تو فریفتند هر چه بسا بیخ صلی این نام است  
 اسم آنها بگویند زمینها با شجار و مزین برکت این نام است و بسف  
 پیغمبر از زندان بزرگوار این اسم نجابت یافت و سلطنت و عمر  
 مصر سید حضرت امام ضاع علیه السلام فرموده اند هر که در وقت غافله  
 بار یکو بدغای او میجا کرد اهل محضو گویند هر که خواهد حصا  
 این اسم کند یا بداند که خسرید بیخ بن عالم را از کم عادت او  
 در او دهنوعی که نظری ندارد از بی نظری هر چه بدی نظری خواهد بود

و اگر بسفر در وطن یا از آن دور  
 از کسب بخواند یا حاجتم را معبد  
 و اسم معبد شصت سن بنویسد  
 هر که بسپرد شصت رحام در وقت  
 در روز چهارشنبه رحام در وقت  
 این شود و بر سر کند و رغبت بر  
 آید شود اما پاک باشد و کسب  
 کشته که در وقت نوشتن این اسم  
 میل شود در وقت نوشتن این اسم  
 بخواند یا چهل یا عتق صلوات  
 بخواند یا بنویسد یا کسب عتق و عتق  
 خود پنج صاف باشد یا کسب و عتق  
 او بخورد و کسب باطل شود و کسب  
 آب بر سر نهد کسب باطل شود و کسب  
 خاک باشد یا صلوات بخواند و کسب  
 خاک باشد یا صلوات بخواند و کسب  
 این اسم بخواند یا قاهر یا عتق صلوات  
 هر که هفتصد پنج صاف بنویسد و کسب  
 و بر سر آن بنویسد مثل علی و بر جان  
 خای بر روی قلاب بود



# در کلمات با کماله

(۱۴۴)

اغراض کوتاه کنند ز مخلوقات و تا خسر بدیع علی الاطلاق و از بی نظیران گردانند و بزرگ فرموده هر که را اندوه باغبی پیش آید در از مضطرب گردد و نجات خود را نداند کار او فرو بسته بود و خواهد از امر اقدام نشاء عمل کند و دو کلمه از یکدند و بجهت مکتب هفتاد هزار بار بگوید یا بدیع السموات و الارض و آنچه تواند از وجه صدقه دهد بعد از تمام ختم و چو مضمون بجای آید بکفر آید بگویند باز رود کار و ساخته کرد و شیخ مضمون فرموده از برای هر مام کلی این تریغ را بمسک زعفران او کلاب بر کاغذ کشد یا خود دارد

جمعه اینکلمات یا بعد تکبیر در محاسن بخواند چنانچه در رساله الله سخن نگویند کفر و المثل سلطنت خواهد خدا بنحوی یا بامند و برای هر مضمون مفصو که این ختم

ب	د	ی	ع
ب	د	ی	ع
ب	د	ی	ع
ب	د	ی	ع

نمودند و از هفتاد و نه کلمات کفایت و عدت تکبیر اینکلمات است و چهار هزار **الباقی** بقیه خدا هفت باشد تغییر و تبدیلی این نامی است اهل طیب از برکت این نام بیشتر است ایند از هو قبایم این که در خضر امام ضاع علی سلم فرموده اند هر که هر شب صد بار بگوید عمل او مقبول گردد اهل تحسین گویند هر که خواهد احصا این اسم که یا باند که بقا و فنا

در هر چیز که داشته باشد باز بوی رسد و در میان مردم غمناک شود و در وقت نوشتن این نام و اسم را بخواند یا هر روز یا هر روز هر که نوزده طین بود جمالی با کماله و زعفران در روز هر روز در خواب ببیند و اگر آن نوشته در آید اندازد و از آن آب بخورد و در روز بیدار و اگر در سر شسته نفس کشد بر هر روز زنده بماند و اگر با خود دارد در نظر نوشتن این دو

ب	د	ی	ع
ب	د	ی	ع
ب	د	ی	ع
ب	د	ی	ع
۱۴	۲۷	۲۴	۲۱
۲۵	۲۰	۱۵	۲۶
۱۹	۲۲	۱۶	۲۹
۲۸	۱۷	۱۸	۲۳



# درس کلمه مبارک الباقی

(۱۴۵)

بیدار و او است ملک ملک و است از بیدار و او است و خواهد بود  
 و کل شیء هائل الا وجهه ما حصر باقی وی زانجا ابد کرامت  
 یکی از اکار گفته هر که هر شب این اسم صد نوبت بگوید شست و چهار بار  
 خدا بی عباد عا او را مستجاب گرداند اعمال او مقبول و خیر غرض کرده و خیر  
 غرض بنظر عنایت و نظر کند از جمله مغبولان کرد و عدا این اسم مع الف  
 لام صد چهل چهار است با نای نداء صد بیست و چهار و الف لام صد بیست و چهار

۲۸	۳۱	۳۴	۲۰	ب	ا	ن	ی
۳۳	۲۱	۲۷	۳۲	ن	ی	ب	ا
۲۲		۲۹	۲۶	ی	ن	ا	ب
۳۰	۲۵	۲۳	۳۵	ا	ب	ی	ن

**الوارث** یعنی خدا باز شناننده دادها است از خلق اهل تحقیق  
 گویند هر که خواهد این اسم کند باید بداند که مخلوق مجموع قائل  
 بر خدا است و آنچه او بخواهد خواهد داد و خیر و اورث نداد خواهد  
 که لمن الملك اليوم لله الواحد القهار چون اعتقاد کند باید  
 که ادب نگاه دارد و از مال خدا چیزی بجز اضافه نکند ملک مال  
 علم و حیا و ارادت قدر و سماع بصیرت کلام هر بود باز کند از خیر  
 وارث وی را ملک سرمد کرامت فرماید بجهت ابد مقروض کند و  
 انبیاست او علم الله از آن دارد و میزدی فرموده هر که مداومت بدین

اسم بخواند یا عالی باشد و  
 خط هر که مضطرب و غمناک باشد و در وقت نوشتن  
 شب جمعه خسته یا بخورد و در وقت نوشتن  
 و در هیچ کار و فرزند نماید و در وقت نوشتن  
 این واسم بخواند یا اولیاضحاح  
 هر که محتاج عین در وقت نوشتن بنویسد  
 و با خود دارد ایمان کامل در وقت نوشتن  
 مشهور عالم کرده و در وقت نوشتن  
 بخواند یا محتسب و یا کرم  
 شصت عین بنویسد در وقت نوشتن  
 وارد هر که محتاج نشود و در وقت نوشتن  
 بر او بسیار بسیار بدین کند در وقت نوشتن  
 این واسم بخواند یا عظیم یا مجرب  
 هر که نود و نه بنویسد و در وقت نوشتن  
 یا بخورد هر که خواهد خوش حال بود  
 و در وقت نوشتن این اسم  
 بنویسد نا اجاب  
 شود







# در شرح کلمه مبارک الصبی

(۱۶۷)

و سر بنجام کاهها این بنام اردو پانزست هولدنی سخن بجزای کلام  
 مِنْ جَا طَرَبًا وَ تَسْتَحِیْ جَوَامِیْ حَلِیْمَةً تَلِیْسُونَ نَهَا وَ مَرِی الْفَلَکِ مَوْجِزِ  
 فِیْهِ وَ لَیْسَ نَعْمًا مِنْ فَضْلِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْکُرُونَ و اگر کسی بدین  
 استخوانه هر بار بخواند دفع و ضرر آن کار بر او روشن گردد

۱۲۸	۱۳۱	۱۳۴	۱۳۱	ر	ش	ی	د
۱۳۳	۱۳۲	۱۲۷	۱۳۲	ی	د	ر	ش
۱۲۳		۱۲۹	۱۲۶	د	ی	ش	ر
۱۳۰	۱۲۵	۱۲۴	۱۳۵	ش	ر	د	ی

**الصَّبِيُّ** یعنی صبر کند در مکافات و عیب گویند کاران و در عذاب  
 فرستان بر کاران بن نامیست که یوت بیکت این نام ضاکت اهل  
 تحقیق گویند هر که خواهد حصا این نام کند باید که در کارها شتاب  
 نکند هرگز نلاید و سخت و گرسنگی که وی را در زمانه خدا داد  
 و خوار و مشت و برهنگی از خلق نداند و مبصر و بیسوط و حیلر نسلا  
 اغنا نکند در این موا که وقوع باید صبر خوسا فاحصه صبر  
 وی را در ابره صابران را و در و نام وی در جید صابران و نویسی که  
 این به گویند تا و جده صابران العبدی وی استنا برکت بر  
 صبری پس هر که خدا را ستایش کند خجنت و صفای بدجعی از  
 شاد رخا استمال الله علی بن اسم هر بار با او و انداز بر المهدی تا بن

و در وقت نوشتن این واسم بخواند  
 یا خالق یا محیط یا شمس یا شمس یا شمس  
 شش نون نوبت بر شمس شمس یا شمس  
 دارد از هر طرف بخواند یا بخواند علم  
 بر و آن آرزو و در وقت نوشتن این و  
 اسم بخواند یا آخیا یا آخیا و  
 اسم بخواند او و بنویسد که در وقت نوشتن این و  
 هر که سبزه او و بنویسد که در وقت نوشتن این و  
 در وقت نوشتن این و اسم بخواند یا  
 و در وقت نوشتن این و اسم بخواند یا  
 حکیم یا شکور یا شکور  
 بنویسد یا بخواند از سر غیب یافت  
 گردد در جاهای نیاید بر و اشک و اشک  
 و در وقت نوشتن این و اسم بخواند  
 یا وافی یا خفی  
 و در وقت نوشتن این و اسم بخواند  
 او را در این حرفها نویسد  
 حرفها را در این حرفها  
 از هر کس که

۱۳۹







# در سر کلام نایب بقدر

(۱۴۹)

بصحت بنویسد سبب یاد کرده شد تا فواید آن بمومنان موصی که بزرگ  
 مطلع گردند برسد که خداوند عو این اسم کند بیست و نه مرتبه  
 روز هفتاد هزار بار باطن و موصفا گردد موضوع که بصفا ملکه اما  
 نباید در مباد عو اکثر و قاصتها و معدا و حجاب باشد و او قوت گیرد  
 و قابلیت به ملکه و سپر کو و حاصل بدو اگر فرود آید بصفا و  
 این اسم این عطران بر بیان نویسد بعد از آن جمع از اقطا کند موثر است  
 جمیع صفای باطن بعد از آن جمع چندان نویسد بجز دیگر اقطا کند هر کلی  
**نایب بقدر** هر که مدقت نماید عو این اسم بعد از کسب  
 چهار هفت روز متبصر گردد او را که سپرد و طکوت و مکشوف گردی  
 علامت است و در سن سویری تسبیح بقدر ایشان و در این عو سربط  
 و کم گفته و کم خضر است خلوت و اجتناب از خلق و درواز عود او که کان  
 غسل هر روز و اکثر اوقات در آب روان و صبا و عو این اسم را چو باطن  
 کرده و در آن و از غما غیبی و درنگ دیگر اخبار بطحا و شریعتی نماید  
 که در سلوک و شکر و بمصنوع بر و او را در لبتها عظیم است خواهد با نماند  
 و در ششصد هفتاد اگر کسی بنفایم به تمیز باشد هیچ یاد نشوند گرفت  
 ششبار روز عو این اسم بخوند با یکدیگر و در پیش از صبح و انصاف بجا آید  
 در چشم نام نصد بکند و بنیچ خوان نیز از بر که رو و از خد و تعداد و خوا  
 کند عموای از هنر که آفت کند که هر چه پیشوناید بگرد و صفای باطن  
 خلا

و با این کلمات  
 حضرت امام جعفران مقول است که در وقت خواب  
 بر عین بنفشه بود کند در وقت خواب  
 مفضل گذارد و کام نفع شود و او خیر است  
 است و انصاف او را که یکبار نامش  
 و هم را نیک کند و این نام بگوید در وقت خواب  
 و کام را بر طرف میکند و حضرت رضای فرزند  
 است که مفضل خدمت حضرت رضای فرزند  
 که رنگی رضای نام آن را نیک راه بر نفس نام  
 میشود و فرمودند که در کتاب اصول الفان  
 حضرت مهناجی کردن در کتاب اصول الفان  
 شده باشد این را نیک نامش و او خیر است  
 بخون شفا یابد و او خیر است  
 بخون شفا یابد و او خیر است

س	ب	و	ح	ق	د	و	س
و	ح	س	ب	و	س	ق	د
ح	و	ب	س	س	و	د	ق
ب	س	ح	و	د	ق	س	و
۴	۳۰	۲۴	۱۸	۳۵	۲۸	۲۵	۴۲
۲۹	۱۶	۶	۲۸	۴۶	۴۱	۳۶	۴۷
۱۴	۲۰	۸	۸	۳۰	۲۳	۳۷	
۳۲	۱۰	۱۲	۲۲	۴۹	۳۸	۳۹	۴۴



# در کلمه مبارک یارب

قلب بر شمع آتش و عذرا که هر چه صبر در شور و حالش عووض  
 بسود و از علامت حاضر باشد **یارب** این ذکر یارب است  
 هر که بطلب باغضرت نزد بیکر است از اسمای بر تان و بیشتر این ذکر  
 اربا حاجت در هر گاه و حاجی که پیش بد هزار بار این اسم بگوید  
 کرامت کند و از آنچه میجوهد از پروردگار نزدیک بدست او هر گاه  
 در کار صعب گرفتار باشد و مدد و موافقان نداشته باشد کسی گفت ای  
 نکند چیزی تا او رسید زید کر این اسم را صد بار در هر روز در سجده  
 نماید گاه دست بر داد بلند با حاج بگوید **یارب یارب یارب** و  
**الروح یارب یارب** و در نماز و خوف و در ابرو کجا خوب یاری  
 و در آن امر فضل لطف خود را و از این چنان عمل تعبیر کند آن شود  
 و سر سجده نشین زهد جبین بر جا و از عجز و بیجا که بگوید **یارب** و در آخر  
 خم بسپا گفته باشد یا فریاد **الفرج** بگوید دیگر گفته اند هر که را  
 پیش بد در آن صبر کرد این اسم هر یک **الفرج** را هزار بار بگوید  
 و اگر هزار بار خواند خونده ای نماز نماید هزار بار بخواند همان حاصل  
 و مهم کفایت کرد و شرح که چنین آمده اند که **یارب** اسم عظیم است  
 خداست بگو که است **یا حی یا قیوم** این اسم خواص بسیار  
 گفته اند اما در این خلاصه کرده آنچه مفید است و در پیشوانش از  
 و عو این اسم عظیم در هر که در وقت نماز بدست او این اسم صد بار

مکانی غیر قنای استظاعاً و مضیاً و لا  
 یقولون **یا رب** من نغمه سنگی در انخل و فلا  
 که هر که سوره و الطارق را در بحر المنافع و در  
 بخواند بخورد از کرم این ذکر که هر که  
 دفع زلزله و باها که در سر و چشم رسد  
 جمع بسیار بپوشیده کرده اند که هر که سوره  
 قدر بار داشته که در نماز یا در رفته  
 باشد هفت بار کرده هفت بار در روز  
 زلزله بخواند و هر دفعه بر او بدست بگوید  
 فلا ان یقول و من یقول **یا رب** فلا زلزله  
 شیفاً و در هر روز **یا رب** و در هر روز  
 زلزله با خود دارد دفع شود و صبر  
 در بحر المنافع و در هفت روز و در روز  
 باها که در اعضا نام سنگی که در  
 سنگدان خردس باشد بگوید هر که  
 او باشد از هر نایب فاسد که در بدن او  
 قویست



# در کلمات صابانه

(۱۷۱)

هر شب بار و در پیش رو باد و این با هم بلکه پیش از این چهار روز که طبعها  
 الوان کند بلکه جلوی و معدله بخا دارد و پرهیزت کند درین دعوی عدا  
 خواهد بود و بزود ظاهر خواهد شد و اگر پیش از دعوی پرهیز کرده و از خلق  
 اجتناب نموده ای راهیچ تو هم نخواهد بود و علامت آن آنست که چون  
 مدد دعوی او هشتماد و در یک روز در حاضر وقت باشد که هر که کا پیش  
 ایند انواع سخننا گوید اما بشیر سخاوی بجهت او درینا باشد نفع پنججا  
 اینها فانی اغیبا نداد و دعوی برای اینها فانی نگیرد مراد او عاصی  
 و ما انشخص که بدایا ادب باشد در نظر او گستاخ کند هر چه  
 جوید بدجرت نماید بسوال بسیار که او یکی از رجال الغیبت است و از  
 جمله مقربان جوهر من نکاهد و ادب رعایت کند با وی بسوی باطف  
 نماید انواع علوم عجیب بموید که انعام هل الله است و خصوصاً اینست  
 بر حال است ندر کرد او را جهت عالم نایب خواهد موند بلکه بطن  
 باطن نماید و منوجه دل خواهد بود هیچ شک نیاورد که و مطلع کرد  
 و عرض از این آنکه باین علاما انشخص با بشنا و بدند که دعوی بود  
 بعد از آنکه انشخص علوم عرب و عجمی امود اسرار بر اصاحب  
 ریزد و بکشاید دل و آنچه رفیق اندیش نیا مد باشد و بدلت دو  
 مشر کرد و بد دل و در یکشایند **فادین** هر کس که مراد وقت  
 باین اسم مد هفتاد و هشتاد روز پنجاه بار بخواند دعوی با شما

تفسیر قول شخصی حکم خاص است اما حکم  
 یافتن شکایت کند از آنکه بوشن قطع  
 و هفتاد قطره عسل از او بخورد و مود  
 اسفند که بر پیش ترین صابان است و بکند صاب  
 گرم رنگو و در ساید خشک کن پس با  
 کل جرب سفوف کن و بخواب بر صفحه مس  
 کل کثر تا طفل از درخت کنگر بر او آید  
 و قاف هو این اشکال از تشنگی در بجا هو  
 در دو وجه بکشاید و الله انده که صاف هو  
 هو باینده متبر را و الله انده که صاف هو  
 فل هو الله حان ان سو م گو که اراده بیدار  
 شد از خواب است باینده اینرا با در وقت  
 خوب بخواند و از غل و نخل و بادام  
 که از او ممانند بیدار

ح	ن	ا	ن	م	ن	ا	ن
ا	ن	ح	ن	ا	ن	م	ن
ن	ا	ن	ح	ن	ا	ن	م
ن	ح	ن	ا	ن	م	ن	ا
۱۹	۳۳	۳۰	۲۷	۲۷	۲۸	۲۹	۳۵
۳۱	۲۶	۳۰	۳۲	۲۹	۲۸	۲۸	۴۰
۲۵	۲۸	۲۱	۲۱	۲۳	۲۶	۲۹	۲۹
۳۴	۲۲	۲۴	۲۹	۲۲	۳۰	۳۲	۳۷

۴۳



# شرح کلمه مبارکه با بیان

رسد نمقد که تواند بخواند یعنی ترک نکند که احتمال بحث از  
 و از آنمقصود با فاند چون ختم با تمام رسد بنام خود خواص بسیار  
 و عجایب بسیار ببیند در جهنم عموماً و غیر بنام خدا و عموماً کشف شود  
 و صفها باطن و افقش و از دعوی این اسم یکی است که در نماز و غیر  
 خدا بیگانه کسی نبرد از زدن آنکه در حال الغیب و روح و لسان برهنه  
 کرد اما شرط این اسم خلوص و اجتناب از خلوص و اکل شرب حلال نماز  
 ترکند هر که این چها اسم که اول آن است در بر تعهد چها این  
 نوع در دنیا اهو نوبت با خود دارد در سفر افتاب و عید این بوازه  
 و هر که هر روز صد نوبت یاد کند

بیر	بیر	بیر	بیر
بیر	بیر	بیر	بیر
بیر	بیر	بیر	بیر
بیر	بیر	بیر	بیر

و هر که هر روز صد نوبت یاد کند  
 المَحْرَبِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِينِينَ  
 اغثنی بکوبه یا بر سر عورت  
 و چو تمام کند در کف نماز چها  
 بگذارد طلب از خدا کند

برکت این عوی بوی همد جمعیت صفها باطن و دعوی این چها اسم  
 و اسما این است یان دایم داعی دلایل و بعضی حاجی دلایل دفع  
 کنند اگر چه خصم قوی خوانند نرسد از سلطان و غیره دفع خوانند  
 و اگر از بر اجاد و فاعلها خوانند نسبت با انجمنها دلایل کوید عتد کسیر  
 چها اسم صد صفها چها با یاد و اگر کس با دلایل دفع کوید هر روز صد

مطلوب حاصل است و از جعلت  
 البیت قیامته للناس الی الیه  
 و از کلمه العیون از سوخته چها  
 دفع بخواند ایوب مبارکه که خدا النور  
 و صفها باطن و افقش و از دعوی این اسم یکی است که در نماز و غیر  
 خدا بیگانه کسی نبرد از زدن آنکه در حال الغیب و روح و لسان برهنه  
 کرد اما شرط این اسم خلوص و اجتناب از خلوص و اکل شرب حلال نماز  
 ترکند هر که این چها اسم که اول آن است در بر تعهد چها این  
 نوع در دنیا اهو نوبت با خود دارد در سفر افتاب و عید این بوازه  
 و هر که هر روز صد نوبت یاد کند  
 المَحْرَبِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِينِينَ  
 اغثنی بکوبه یا بر سر عورت  
 و چو تمام کند در کف نماز چها  
 بگذارد طلب از خدا کند  
 برکت این عوی بوی همد جمعیت صفها باطن و دعوی این چها اسم  
 و اسما این است یان دایم داعی دلایل و بعضی حاجی دلایل دفع  
 کنند اگر چه خصم قوی خوانند نرسد از سلطان و غیره دفع خوانند  
 و اگر از بر اجاد و فاعلها خوانند نسبت با انجمنها دلایل کوید عتد کسیر  
 چها اسم صد صفها چها با یاد و اگر کس با دلایل دفع کوید هر روز صد



# در سر کلمه مبارک بارها

(۱۷۳)

بیت و هفت و البته دعا و منجابت نام بارها شایسته  
 است الله تعالی چنان فرموده اند که این اسم معجزه حاجات مستجیرانست که  
 دعوت این اسم مفصوحا صاشو و دعوت این اسم در استه و در  
 هزار بار صد شصت و نوبت و اول الشکره در این ایام هر بار بیست و یک  
 یا تمام و نسیا و در ده مرتبه نیز در هر روز یک بار بخواند حاجاتش  
 که البته در آن هفتصد حاصل شود و از جنت فتح الباب حاصل شد  
 طاعت و در هر شب باره در فرستد بعد از آنکه وضو مستحبه باشد  
 اینست اللهم صل علی محمد و آل محمد بعد کلامانک فالطافیک و  
 بارک علی محمد و آل محمد و سلام علی محمد بعد کل ذره و آیه  
 الف الف مرة و صد بار این کلمات بگوید بصد تمام یا فدیهم الا حسن  
 احسن البنا یا احسانک الفدیهم بیکر بجهت یافتن حاجات و برآمدن  
 هر دو هفتاد بار یا حتی الالطاف بخیر ثیما اخاف و بخر بگوید سوره  
 الاعراف و مراد عرض کند که البته کفایت کند بیکر بجهت باز آمدن عمل و  
 تقرب نزد بزرگان و هر مقصود کلی عمل کند جمیع پیش از صبح شکر کند  
 و قدر پیش در پیش سجاده نهصد مرتبه و کند هفتاد هزار بار بگوید یا  
 بدیع العجا بعد از فراز صلوات و جمیع بعد نماز ختم تمام کند و  
 پیشتر صد کند طلب حاجات کند در هفتصد این مقصود حاصل  
 که خود از آن جز نیامده که مرتبه هفتاد و یک است این هفتاد مرتبه

بیت و هفت و البته دعا و منجابت نام بارها شایسته  
 است الله تعالی چنان فرموده اند که این اسم معجزه حاجات مستجیرانست که  
 دعوت این اسم مفصوحا صاشو و دعوت این اسم در استه و در  
 هزار بار صد شصت و نوبت و اول الشکره در این ایام هر بار بیست و یک  
 یا تمام و نسیا و در ده مرتبه نیز در هر روز یک بار بخواند حاجاتش  
 که البته در آن هفتصد حاصل شود و از جنت فتح الباب حاصل شد  
 طاعت و در هر شب باره در فرستد بعد از آنکه وضو مستحبه باشد  
 اینست اللهم صل علی محمد و آل محمد بعد کلامانک فالطافیک و  
 بارک علی محمد و آل محمد و سلام علی محمد بعد کل ذره و آیه  
 الف الف مرة و صد بار این کلمات بگوید بصد تمام یا فدیهم الا حسن  
 احسن البنا یا احسانک الفدیهم بیکر بجهت یافتن حاجات و برآمدن  
 هر دو هفتاد بار یا حتی الالطاف بخیر ثیما اخاف و بخر بگوید سوره  
 الاعراف و مراد عرض کند که البته کفایت کند بیکر بجهت باز آمدن عمل و  
 تقرب نزد بزرگان و هر مقصود کلی عمل کند جمیع پیش از صبح شکر کند  
 و قدر پیش در پیش سجاده نهصد مرتبه و کند هفتاد هزار بار بگوید یا  
 بدیع العجا بعد از فراز صلوات و جمیع بعد نماز ختم تمام کند و  
 پیشتر صد کند طلب حاجات کند در هفتصد این مقصود حاصل  
 که خود از آن جز نیامده که مرتبه هفتاد و یک است این هفتاد مرتبه







# تحریر در شرح اشعری و دیگر

(۱۷۵)

عجز کردند که آنها او را عفو کنند تا باید و گویند که تو از من نهی کردی  
این اسمها بکنند و ششصد سی و چهار نوبت بخوانند که هر شب شود هر روز

عفو	عفو	عفو	عفو	عفو
عفو	عفو	عفو	عفو	عفو
عفو	عفو	عفو	عفو	عفو
عفو	عفو	عفو	عفو	عفو
عفو	عفو	عفو	عفو	عفو
عفو	عفو	عفو	عفو	عفو

شش بار بخواند او را بود  
خاشع و زباید اگر او بر او  
چندان شرح نشد آنکه  
نهایت نداد اما این سماء  
در وجه شرف حل که افتاد  
نیز خوشی ایونی بود بر

سخن بر بلا محلول بنویسد خزینه محفوظ گرداند از اطراف و جوانب از  
بروی آن پادشاه ائمه و غیره بسیارند که خزان بر او گوید و شرح نویسد  
ندنا هر چند که بنویسد علی بن ابی طالب و وضع کرده اند در روایت  
منقول است که واضع این تریغ حضرت و انبیا و اولاد و نوه نام یار بیچاره را  
در این تریغ درج گرداند ساعتها درجا تیسر فرموده اند از جهت دفع شر  
و دشمن بر صفتی زبانه کشتند در طلب جانان در سبک و بر آن تریغ  
بزرگ در فاج نهادند جهت صحت بیمارانی که در مشرف کنند خاصه و دفع  
که آفتاب در شفا باشد و قمر در خانها صغیر و از سخن جانها و مراد است  
و جهت دفع ضرر زردان در خانها هلد و اگر کشتی یا خود دارند از غرق  
شدن بپوشانند اگر اینها غلطند از امتها لمانند و اگر برودند

مذکر و بیحد و حد و در روز شنبه  
یکی از آنها را با مع نماز در صبح شوییم  
دری است و او الکس باء و التور  
طریقی است که بر سر هر چه صدق است  
و هر دو یکی است و اول عقول است  
و قوم سادگان باذی الله  
باید از الله بجهت وقت و مع اینها  
نیویسد بر او بنویسد و در نسخه دیگر  
و سید که بر آن نویسد اما علی  
یا ناز کو تو بر داد و سلا اما علی  
و او را و باید که با قلم  
افضا از حضرت قلم مع الله  
ملاکت که بر دست است بنویسد  
جیب اشک و در دست چپ بنویسد  
و بر با چپ است بنویسد  
چپ تریغ و قلم الله العزیز  
و در میان کتفها و قلم الله العزیز  
انجبار و فرمودند که اگر کسی  
تضع بخندد او را و او را  
و با قلم بنویسد











# در شرح الواح بزرگ کاغذ

(۱۷۱)

و قلمی جامع العیام ایضاً در حد  
دیگر آمد برای در سر دست موضوع

و عدد روز و شب نوشته  
که در این بستر نظر و  
بود روز شنبه منظور  
بنظر عطا باشد از  
منو شاد و بیگانه  
زده با و از اهو نوشته  
خو معطر شده در کا

فردی اولاد	۲۳۱	۲۳۰	ولم یکن له کفوا احد
یا ایا رب ایل	۲۴۳	۲۳۲	یا مبد یا مبد
یا مبین یا وکیل	۲۱۸	۲۴۲	یا مدیح یا تاجی
یا حمی یا مغلا	۳۱۰	۲۳۰	یا عزیز یا جامع

(روح دوم)

نهاد خواص بسیار بپند و اگر در میانها شرط زد در ساق کاغذ

از طبع هنر و مواظف  
و شوشط او اندیشه  
و خدا زد از در سفر  
ما فتن خرد ها کلی  
رو جمعه که تم مفصل  
مخبر مفصل بعد از

الهم الله	۱۳۷	۱۱۰	هو الحی
محمود	۱۸۴	۴۳	طس و دو حبیب
یسر طالب	۱۱۲	۱۳۵	غالی سید
فاجد حد ق بدیع	۶۱	۱۸۶	ص م

(روح سوم)

دوشنبه بنویسد یا خود دارد بمقاصد و اصل کرد روح  
از برای کتابش کارها و فرج و دفع مکر دشمن از پادشاهان و بزرگان  
بنویسد ز شنبه که قریب با اذتاب نظر تو و یا خود از و دفع گرین  
اطفاد در گردن طفل بپند (و) چنانچه در پیچیده

بنال و هفت بار یک بار  
شکست که قافیه البروا  
و از روز و قو التیم  
ایضاً از روز نوشته  
من ق ف ک ف ل و د و ل  
لا ک ال ک ا ح ح د  
ایضاً از نکات و بوی  
لولا لولا لولا لولا  
بها طرف کرد و می  
بگفت در کوشش  
لا فوم منقولت که برای  
دیگر نوشته شده







# در شرح الواح نازک گانه

سلام این سخن شد امراء و گشاد زینچه ها بنده وضع نمودند هر چه  
 مرا با کلی بنویسد سینه سباعی که فشر با ما برید یا افسان نظردر سی  
 داشته باشد از هر هنر و مقرر منظور نوشته با خود و حاجت ما کرد و زین

دشمنها مقرر کردند در این لوح

انافشا لک	فحشا	میبنا
۴۹۰	۱۰۲	۵۹۲
۱۰۱	۴۸۷	۵۲
۵۱	۵۹۲	۱۰۰
	۲۸۸	

بنا است به ارج فشر این است

**لوح هشتم** جهت دفع چشم مردم

کو در کان و کبک در کتبا این بود از

غم و اندوه و در مانده در موی کل و دفع

بعضی که در غار خیمه فتح جمله قبضها بنویسد چنانچه بنظر عطا

ما در اول شب بنظر مشرک را در جمعه بنظر قرنا کو اکتسب در روز

بنظر هر موی با خود آورد جمله در آن مذکور حاصل **لوح نهم**

جهت طلب سخن خود کردن و دعوی زین

زین کلام	اربع	عشر	اربع
۲۱۲	۱۸۰	۳۲۶	۸۲
۱۷۹	۲۰۹	۸۵	۳۲۷
۸۴	۳۲۸	۱۷۸	۲۱۰

فاخته دو دست دل خلوت با آوردن

غائب امراء و در موی سینه روز که

یا شد اما باید که فشر بر سینه امانت

و منفصل عقد بر فشر نفس کند

بر اطلس سفید اگر نشود بر کاغذ نوید یا خود دارد که بجز فشر از موده

(لوح نهم در شرح الواح نازک گانه)

بناست به سینه که دو غن کینه کرد  
 چنانکه ببرد با بر بناید فشر  
 چشمها که بداند قوت بصیرت بود  
 الذی لا یظنی و حیمه با بدست  
 کند این لکیم بنویسد فشر  
 بگرداند البته سفا باید  
 فشر بکند بر چشم کتبا در بگوید  
 و غیر الفجر بنویسد فشر  
 نمود و سلا ماعلی بر چشم دفع شود  
 ایضا در وقت نماز شام بیدین  
 سواد طهارت می خورد با انگشت  
 بگوید طین یا بر زبان بخواند و بگوید  
 چشم خود زده و در چشمه زین  
 کند موی با بقل را زین  
 چشمه مازوک

حسینا	الله	و فیم	الوکل
۱۶۷	۹۰۴	۱۲۲	۶۵
۹۵	۱۶۴	۶۸	۱۲۳
۶۷	۱۲۲	۹۴	۱۶۵







# دستور الواح نایب کانه

(۱۸۲)

ازینجی الی ربکم ایضا در ضمیمه  
فاد علی غیب و عباد و ادخل جسد  
یوم یقض و جود و در وجه  
قامتا الین ایضا و جود و  
رضای الله هم فیها خال الین  
همان کلامی از اول مؤلفی است  
قوله غایب قول الظالمون و اما  
یعنی الرحمن علم القلک را بیاید  
و بنا خود دارد و هر کلامی را در  
کلوز و جسد را در کلامی را در  
برای قانان بخون و جسد را در  
ایضا در زرد و غیره در زرد  
فخای قانان ایضا در زرد  
و اگر کلام ایضا در زرد  
در ایضا در زرد و غیره  
صلوات الله علیه

<b>لوح سیزدهم</b> بسمک و زعفران برقی است بوقت هر ماه قدری سعد شود در وقت باشد از بر آفتاب تمام و جهت کشایش کاه و زرد فهم قوه حافظه و معرفت مجلسی بخورد ابو حورن	بجد ربک و	الناسین خلوا	اذا جاء نصر	بسم
	استغفر الله	و در الله	الله و افصح	الرحمن
	کان توابا	انوا حاجت	و دعات	الرحیم
	۲۲۵۴	۷۸۷	۲۵۶۴	۱۳۰۵
۷۸۸	۲۲۵۷	۱۳۰۲	۲۵۶۳	
۱۳۰۳	۲۵۶۲	۷۸۹	۲۲۵۶	

<b>لوح چهارم</b> و قضا حویج از سب و او را و قضا و غالب و برعدا و نظا کارها نبوی و در مریخ مالفنا و اگر مریخ حله و قوس و نبوی او از ترال بر یکدیگر کشید	والقیس	انقصه طایفه	و القیمین	و القیمین
	قاولهم	الرحمن	قاولهم	قاولهم
	ما الفتن	و لکن الله	ما الفتن	ما الفتن
	۴۹۱	۲۲۹	۴۹۱	۴۹۱
	۶۵۱	۷۹۴	۶۵۱	۶۵۱
۲۳۱	۳۴۵	۲۳۱	۲۳۱	
۷۹۴	۳۸۹	۷۹۴	۷۹۴	

<b>لوح پانزدهم</b> زخم و مهربانی خدای بود و در حوین اکو و عوا الناس هر از این قبیل در وقت و اگر در زمانه نویدن در حوین	ع	فد	فد	ع
	۷۸	۸۴	۸۷	۷۰
	ع	ع	ع	ع
	۸۶	۷۱	۷۷	۸۵
ع	فط	فط	ع	
۷۲	۸۹	۸۷	۷۶	
ع	ع	ع	ع	
۸۳	۷۵	۷۳	۸۸	

۱۹۲	۱۲۲	۲۵	۶۰۲
۱۴۲	۱۹۵	۴۰	۲۳
۳۰۲	۷۲	۱۲	۷۹۴



# شرح و بیافاؤ اء تكسير

(۱۸۳)

**فصل** قواعد تكسير طرقتی و غیر طرقتی بانواع بیایم زانچه در این  
 مذکور شد بعد از قواعد جنبا اول طریبع هر دو فاعله طم فشره  
**قواعد** وی ن ص ن ض ف ک ج ز ک س ر ق ط ظ م ر ج ک ع ر  
 ن ح ع ا ک ر ت ک س ی ط ع ا ب ح ن ی ا ش و چ ن ا ع ر ا ی ک ن د ا ک ر ب ط ر ق ی س ی ج ی  
 خ و ه ن د ک ر و ط ر ق ی ط ی ا ب ح ن ی ا و ر د ا ن د ا ل ت ش ا و ی ک م ن ع ی ا د ا ی  
 ح ز ک س ف ت ر ی ج ا ل ی ه و ر ش ن ع ص ط خ ا ک ی ب ن ح ط ع ض ق  
 اینند تکسیر چنینست: ا ن ت علما ی ب ن ق ن ا م ر س ی ن د و ن و ج ن ک س ی ر  
 اول ج و خ و ه ن د ک ر ا س ی ا ن س ا ن ک س ی ر ک ن ش د بطریق ا م ر ع ل م ی ک ا ن ی س ت

انصاف مؤخر حاصل میشود و ک ر و ا ن ر ا ب ر ی ک ن د  
 و ج ا ر ا ن ک ی ک ن د ه ر چ ی ن ک س ی ر ا ق ل و م و ا ر س د  
 مؤخر حاصل از راحت کنند ع ا ن ک س ی ر ک و ی ک س ی ر  
 م ک س ی ر س ی ن د ا ل ت ش ک ر و ز م ا م ا ن ر ا ع ن ی ا  
 ن ی ک ن د ا ن ک س ی ر ک ن د ا ب ی ا ن م ر ن ی ا و ع ا ن ص ف ی ر  
 ا ن ح ر ف ی ک و ی ن د ا ن ت ا ل ل ه الص ل ا ن ک س ی ر ی م ن ا ن ح ر ف  
 ی ا ش د ح ر و س ل ط ر ی ح ی ت ا ن ا ع ن ی ا ن ی ک ن د ک ل ن  
 م ی ا ن ا ل ل ه ا ل ص م د ت ک س ی ر ی ت و ص ل ت ک س ی ر  
 ا ن م ع ل و د ا م ل ص ل ل ه ا م ی ش و و ح ر و ز م ا

بجز این نمیکنند ا ل م ل ل ص که ان سطر اصل اسم است (در جمله)

و ض و ت ک س ی ر ی ا ن ت و ر ی ن ن و ج ن ک س ی ر  
 م ی ا ن ا ت ش ک ر چ و ن ط و ه س ک ر ت ک س ی ر ک ن ش د ا ن ح ر ف  
 و ا ن ح ر ف م ک س ی ر ی ا ن ت ا م ی ک ن د ا ن ر ی ن ت ک س ی ر  
 م ی ک ی ر ی ا ن ا ق ا ص ا م ی ک ی ر ی ن د و م ی ک ی ر ی ن د  
 و د ر ا ن ر و ر ی ح ن ا ص ل ا ل م ل ل ص ل  
 ا ن ص ا ک و ی ن د ا ل م ل ل م ل ل م ل ل م ل ل  
 م ل ه ا ل ل ل ا د ل ل ل ل م ل ل م ل ل  
 ا ص ه م ل ل ا د ل ل د ه ا م ص ل ل ل ل ل  
 د ا ص ل ل م ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل  
 د ص م ا ل م ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل  
 و م ش ا ن ح م ی ن ت ت ن و ج ن ک س ی ر ی ا ن ت  
 ن و ج و ل ک د ه م ی ا ن م ی ق ن ا ن ت  
 ن و ج و ل م ی ش و م ش ا ل ن و ج و ل ک و ا ن ت  
 ک د ن و د م ی ش و م ش ا ل ا ل ع  
 ح ر و م ل ف و ط م ی ک ی ر ی ن د و ا ن ن و ج ن ک س ی ر  
 و ل ا م و ی ا م ی ک ی ر ی ن د و ا ن ن و ج ن ک س ی ر  
 ز م ا م و ا ن ح ر ف م ی ک ی ر ی ن د و ا ن ن و ج ن ک س ی ر  
 م ی ک ی ر ی ن د و ا ن ن و ج ن ک س ی ر ی ا ن ت  
 ع ا ن ک س ی ر ی ا ن ت م ی ک ی ر ی ن د  
 و ن و ج و ل ک







